

# منتخب احكام

(گزیده‌ای از مسائل شرعی مورد نیاز)

مطابق با فتاوی

حضرت آية الله العظمی حاج شیخ حسین وحید خراسانی مد ظله العالی

شناسنامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تذکر

متن کتاب مطابق است با فتاوی حضرت  
آیة الله العظمی وحید خراسانی مَدَّ ظِلُّهُ الْعَالِی،  
لکن برای سهولت در فراگیری و درک بهتر  
مسائل، توضیحاتی در خلال متن و در  
پاورقی آمده است که توسط بعضی از فضلاء  
دفتر معظم له تنظیم شده است. و هدف از این  
کتاب آشنایی با مسائل مورد ابتلا است. و در  
انجام مستحبات و ترک مکروهاتی که در این  
کتاب ذکر شده قصد رجاء شود.

## فهرست مطالب

|         |                           |
|---------|---------------------------|
| ۱۹      | مقدمه                     |
| ۲۹      | تقلید                     |
| ۳۰..... | سن تقلید                  |
| ۳۱..... | پس از فوت مرجع تقلید      |
| ۳۱..... | اشتباه گفتن مسأله         |
| ۳۲..... | کسی که تقلید نمی کرده     |
| ۳۲..... | زن و دیدگاه شوهر در تقلید |
| ۳۲..... | مرجع تقلیدهای متفاوت      |
| ۳۳..... | عدالت                     |
| ۳۵      | نجاسات و مطهرات           |
| ۳۵..... | مقدار آب کر               |
| ۳۶..... | غساله یا ترشحات آب        |
| ۳۷..... | حکم ادرار و مدفوع حیوانات |
| ۳۸..... | دانه‌ی سیاه در غذا        |

|                                         |    |
|-----------------------------------------|----|
| جوش آمدن کشمش.....                      | ۳۸ |
| غذای نجس.....                           | ۳۸ |
| حرف بچه.....                            | ۳۹ |
| ادرار پسر شیرخوار.....                  | ۳۹ |
| ماشین لباسشویی.....                     | ۴۰ |
| خون در تخم مرغ.....                     | ۴۰ |
| خون مردگی.....                          | ۴۰ |
| یهودی و مسیحی.....                      | ۴۱ |
| الکل طبی و صنعتی.....                   | ۴۱ |
| باقی ماندن رنگ نجاست.....               | ۴۲ |
| برطرف شدن عین نجاست.....                | ۴۲ |
| مواد وارد شده از کشورهای غیراسلامی..... | ۴۳ |

|                     |           |
|---------------------|-----------|
| <b>وضو</b>          | <b>۴۵</b> |
| مسح پا.....         | ۴۵        |
| مسح بر موی سر.....  | ۴۶        |
| وضو قبل از وقت..... | ۴۶        |
| ناخن و وضو.....     | ۴۶        |
| کاشت مژه.....       | ۴۸        |
| تاتو.....           | ۴۸        |
| وضوی جبیره.....     | ۴۹        |
| تیمم جبیره‌ای.....  | ۵۱        |

## غسل

۵۳

|                         |    |
|-------------------------|----|
| غسل جنابت.....          | ۵۳ |
| مبطلات وضو حین غسل..... | ۵۶ |
| کفایت غسل از غسل.....   | ۵۶ |
| کفایت غسل از وضو.....   | ۵۷ |
| غسل استحاضه.....        | ۵۷ |
| غسل حیض.....            | ۵۹ |
| غسل نفاس.....           | ۶۲ |
| غسل مس میت.....         | ۶۴ |
| غسل میت.....            | ۶۴ |
| محتضر.....              | ۶۴ |
| احکام بعد از مرگ.....   | ۶۵ |
| غسل‌های مستحب.....      | ۷۲ |

## تیمم

۷۵

|                      |    |
|----------------------|----|
| باطل شدن تیمم.....   | ۷۵ |
| تیمم بدل از غسل..... | ۷۵ |

## نماز

۷۷

|                          |    |
|--------------------------|----|
| وقت نماز مغرب و عشا..... | ۸۱ |
| اذان.....                | ۸۱ |
| لباس شهرت و موهن.....    | ۸۲ |

|                                                        |     |
|--------------------------------------------------------|-----|
| مواردی که لازم نیست بدن و لباس نمازگزار پاک باشد ..... | ۸۲  |
| آهسته و بلند خواندن .....                              | ۸۳  |
| سجده .....                                             | ۸۳  |
| نماز در هواپیما و مانند آن .....                       | ۸۵  |
| نماز زن باردار (یا شخص ناتوان) .....                   | ۸۸  |
| شب و روز غیر متعارف .....                              | ۹۰  |
| اوقات شرعی در کشورهای غیر اسلامی .....                 | ۹۱  |
| ورود کافر به مسجد .....                                | ۹۱  |
| شکیات .....                                            | ۹۲  |
| نماز احتیاط .....                                      | ۹۴  |
| سجده‌ی سهو .....                                       | ۹۵  |
| نماز مسافر .....                                       | ۹۶  |
| ملاک در مبدأ مسافرت شرعی .....                         | ۹۶  |
| بلاد کبیره (شهرهای بزرگ) .....                         | ۹۶  |
| حد ترخص .....                                          | ۹۷  |
| کثیر السفر .....                                       | ۹۸  |
| اقسام وطن .....                                        | ۱۰۵ |
| عدم اعتبار وطن شرعی .....                              | ۱۰۷ |
| وطن‌های متعدد .....                                    | ۱۰۷ |
| تبعیت زن در وطن شوهر .....                             | ۱۰۸ |
| وطن آینده .....                                        | ۱۰۹ |
| تبعیت فرزندان در وطن .....                             | ۱۰۹ |

|                                                   |     |
|---------------------------------------------------|-----|
| اعراض از وطن.....                                 | ۱۱۰ |
| احکام وطن حکمی.....                               | ۱۱۰ |
| قصد ده روز ماندن.....                             | ۱۱۲ |
| سی روز ماندن با تردید.....                        | ۱۲۰ |
| اقامت سی روزه در مکان واحد.....                   | ۱۲۰ |
| چهار مکان تخییر.....                              | ۱۲۱ |
| جاهل بودن به خصوصیات نماز مسافر.....              | ۱۲۲ |
| نماز و روزه‌ی افراد دانشجو، سرباز و مانند آن..... | ۱۲۲ |
| نماز قضا.....                                     | ۱۲۴ |
| نماز جماعت.....                                   | ۱۲۴ |

## ۱۲۷

## روزه

|                                    |     |
|------------------------------------|-----|
| وقت نیت روزه.....                  | ۱۲۷ |
| کفاره‌ی روزه.....                  | ۱۲۷ |
| نزدیکی در حال روزه.....            | ۱۲۸ |
| روزه در دوران حاملگی و شیردهی..... | ۱۲۹ |
| کفاره.....                         | ۱۳۲ |
| روزه‌ی قضا.....                    | ۱۳۳ |
| فدیة تأخیر.....                    | ۱۳۴ |
| وظیفه‌ی مریض.....                  | ۱۳۴ |
| تزریق آمپول و سرم در حال روزه..... | ۱۳۶ |
| استفاده از اسپری در حال روزه.....  | ۱۳۷ |

- ۱۳۷.....خونریزی لثه‌ی روزه‌دار.....
- ۱۳۸.....روزه و مشاغل سخت.....
- ۱۳۸.....روزه و اعتیاد به سیگار.....
- ۱۳۹.....شیاف در حال روزه.....
- ۱۳۹.....کرم‌های واژینال در حال روزه.....
- ۱۳۹.....روزه‌ی بچه‌ی تازه بالغ.....
- ۱۴۰.....روزه‌ی مسافر.....
- ۱۴۱.....شب و روز غیرمتعارف.....
- ۱۴۲.....ثابت شدن اول ماه.....

## ۱۴۵

## خمس

- ۱۴۵.....اهمیت خمس.....
- ۱۴۶.....وجوب خمس.....
- ۱۴۹.....زن و شوهر.....
- ۱۴۹.....سال خمسی.....
- ۱۵۳.....موارد خمس.....
- ۱۵۵.....شأن افراد.....
- ۱۵۵.....جهیزیه.....
- ۱۵۷.....ذخیره برای خرید یا ساخت خانه.....
- ۱۵۷.....ذخیره برای عروسی.....
- ۱۵۸.....ذخیره برای سرمایه‌ی کار.....
- ۱۵۸.....پس انداز داماد برای جهیزیه.....

|          |                           |
|----------|---------------------------|
| ۱۵۸..... | ذخیره برای خرید خودرو     |
| ۱۵۹..... | پس انداز برای تعمیر خانه  |
| ۱۵۹..... | ذخیره برای سفر زیارتی     |
| ۱۵۹..... | پس انداز برای تحصیل       |
| ۱۶۰..... | ذخیره برای عزاداری        |
| ۱۶۰..... | استفاده از اموال دیگران   |
| ۱۶۰..... | استفاده از اموال شبهه‌ناک |
| ۱۶۱..... | فیش حج                    |
| ۱۶۱..... | سود فیش حج و عمره         |
| ۱۶۱..... | ثبت نام مشهد یا کربلا     |
| ۱۶۲..... | خمس صدقه                  |
| ۱۶۲..... | خمس طلبکاری               |
| ۱۶۲..... | معامله با مال خمس نداده   |
| ۱۶۳..... | کم شدن بدهکاری در محاسبه  |
| ۱۶۵..... | کم شدن مال خمس داده شده   |
| ۱۶۶..... | خمس رهن خانه              |
| ۱۶۷..... | رهن مغازه یا محل کار      |
| ۱۶۷..... | یک پنجم یا یک چهارم       |
| ۱۶۸..... | خمس قرض                   |
| ۱۶۹..... | پرداخت خمس از مالی دیگر   |

## ۱۷۱

## زکات

|          |            |
|----------|------------|
| ۱۷۲..... | مقدار زکات |
|----------|------------|

- ۱۷۲ ..... موارد مصرف زکات
- ۱۷۳ ..... زکات فطره
- ۱۷۴ ..... زکات طلا

## ۱۷۵ خرید و فروش

- ۱۷۵ ..... خرید و فروش عروسک
- ۱۷۵ ..... خرید و فروش مجسمه
- ۱۷۶ ..... خرید و فروش سگ
- ۱۷۶ ..... خرید و فروش خون
- ۱۷۶ ..... خرید و فروش اسکناس (پول)
- ۱۷۷ ..... خرید و فروش نقاشی
- ۱۷۸ ..... بچه‌ی نابالغ
- ۱۷۹ ..... خرید و فروش مال وقفی
- ۱۷۹ ..... معاملهی نقد و اقساط
- ۱۸۰ ..... معاملهی نسبه
- ۱۸۲ ..... فروش مال قبل از تحویل گرفتن
- ۱۸۳ ..... معاملهی طلا
- ۱۸۵ ..... شرط فروش مال به خودش
- ۱۸۶ ..... حق پشیمانی
- ۱۸۷ ..... کم‌فروشی
- ۱۸۷ ..... احتکار
- ۱۸۸ ..... گران‌فروشی
- ۱۸۸ ..... قسم خوردن

## ربا

۱۸۹

۱۸۹ ..... ربا از دیدگاه قرآن کریم

۱۸۹ ..... اقسام ربا

۱۹۶ ..... فرق ربا در قرض و بیع

## اجاره

۱۹۷

۱۹۷ ..... اجاره و مرگ

۱۹۷ ..... استفاده نکردن از مورد اجاره

۱۹۸ ..... تلف یا خسارت مال

۱۹۸ ..... اجاره دادن ملک به دیگری

۱۹۹ ..... حد استفاده از مورد اجاره

## مضاربه

۲۰۱

۲۰۱ ..... شرایط تعیین سود

۲۰۲ ..... شرط در ضمن مضاربه

۲۰۲ ..... روش محاسبه‌ی خسارت و سود

۲۰۳ ..... مصالحه بر تقسیم سود

## شرکت

۲۰۵

۲۰۵ ..... اقسام شرکت

۲۰۶ ..... عقد شرکت

۲۰۶ ..... شرکت در کار

۲۰۷ ..... حق استفاده از مال مشترک

۲۰۷ ..... تقسیم سود

۲۰۷ ..... شرکت، عقد لازم یا جایز؟

۲۰۸ ..... شرط به هم نزدن شرکت

### ۲۰۹ قرض

۲۰۹ ..... پس دادن قرض

۲۰۹ ..... پیدا نشدن طلبکار

۲۱۰ ..... فوت کردن طلبکار

۲۱۰ ..... فوت کردن بدهکار

۲۱۰ ..... کم شدن ارزش طلب

۲۱۰ ..... پس دادن جنس دیگر

۲۱۱ ..... قرض ربوی

### ۲۱۳ هبه (بخشش)

۲۱۳ ..... تحویل دادن و تحویل گرفتن هبه

۲۱۴ ..... پس گرفتن هبه

### ۲۱۷ ضمان

۲۱۷ ..... ضمانت باطل

۲۱۸ ..... ضمانت قبل از بدهی

### ۲۱۹ مسائل بانکی

۲۱۹ ..... سود بانکی

|     |                              |
|-----|------------------------------|
| ۲۲۰ | اوراق مشارکت                 |
| ۲۲۰ | جوایز بانکی                  |
| ۲۲۱ | وام‌ها و تسهیلات بانکی       |
| ۲۲۲ | کار کردن در بانک             |
| ۲۲۲ | جریمه‌ی دیرکرد               |
| ۲۲۳ | نقد کردن چک مدت‌دار          |
| ۲۲۳ | راهکارهایی برای رهایی از ربا |

## ۲۲۵

## ازدواج

|     |                              |
|-----|------------------------------|
| ۲۲۵ | اجازه‌ی پدر                  |
| ۲۲۶ | ازدواج با سایر مذاهب و ادیان |
| ۲۲۷ | وظایف زن                     |
| ۲۲۷ | کارهای منزل                  |
| ۲۲۸ | ازدواج یا زنا در زمان عده    |
| ۲۲۸ | زناى زن شوهردار و حرمت ابدی  |
| ۲۲۹ | ازدواج با زن شوهردار         |
| ۲۲۹ | شرایط در ضمن عقد             |
| ۲۳۰ | نفقه                         |
| ۲۳۰ | حجاب                         |
| ۲۳۱ | محارم                        |
| ۲۳۳ | احکام شیر دادن               |

**طلاق****۲۳۷**

- ۲۳۷ ..... اجرای صیغه توسط غیر شیعه
- ۲۳۷ ..... طلاق خلع
- ۲۳۸ ..... طلاق مبارات
- ۲۳۸ ..... مقدار بذل
- ۲۳۹ ..... رجوع زن به بذل
- ۲۳۹ ..... اعلام رجوع به شوهر
- ۲۳۹ ..... عده

**لقطه و مجهول المالک****۲۴۳**

- ۲۴۳ ..... معنای لقطه
- ۲۴۴ ..... برداشتن گم شده
- ۲۴۶ ..... گوسفند گم شده
- ۲۴۷ ..... هزینه نگهداری حیوان
- ۲۴۸ ..... محصولات حیوان پیدا شده
- ۲۴۸ ..... برداشتن وسایل گم شده
- ۲۵۰ ..... اعلان
- ۲۵۲ ..... نشانه‌دار بودن
- ۲۵۵ ..... اجناسی که خراب میشود
- ۲۵۵ ..... برداشتن لقطه توسط بچه یا دیوانه
- ۲۵۶ ..... اعلان برای مجهول المالک
- ۲۵۶ ..... جابه‌جا شدن کفش یا چادر

## خوردنیه‌ها و آشامیدنی‌ها

۲۵۹

۲۵۹..... اقسام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

۲۶۲..... غذای کفار

## نذر و قسم

۲۶۷

۲۶۷..... نذر زن بدون اذن شوهر

۲۶۷..... قسم

## ارث

۲۶۹

۲۶۹..... سهم زوجه

## دیات

۲۷۱

۲۷۱..... دیه‌ی کبود شدن

۲۷۲..... دیه‌ی زن نصف دیه‌ی مرد

۲۷۲..... دیه‌ی سقط جنین

## مسائل پزشکی

۲۷۵

۲۷۵..... اهدای عضو

۲۷۵..... وارد کردن اسپرم غیر شوهر

۲۷۵..... وارد کردن تخمک

۲۷۶..... رحم اجاره‌ای

۲۷۶..... عقیم کردن

۲۷۶..... کسی که نمی‌تواند از خروج بول و غائط جلوگیری کند

## مسائل متفرقه

۲۷۹

- ۲۷۹..... غیبت
- ۲۸۲..... شرکت خانم‌ها در دسته‌ی عزاداری
- ۲۸۳..... گشایش در امر ازدواج
- ۲۸۳..... رانندگی بانوان
- ۲۸۳..... رقص
- ۲۸۴..... عطر برای بانوان
- ۲۸۴..... اشتغال زنان
- ۲۸۵..... رفتن به خانه‌ی یتیم
- ۲۸۵..... کپی‌رایت
- ۲۸۶..... بازاریابی شبکه‌ای
- ۲۸۶..... شرط سود دیرکرد
- ۲۸۶..... معلوم نکردن مدت اجاره
- ۲۸۷..... وکالت به همسر
- ۲۸۸..... صندوق‌های خانگی
- ۲۸۹..... خالکوبی
- ۲۹۰..... حق الماره

## مقدمه

هر یک از آیات قرآن کریم یا روایات و آثار اهل بیت علیهم السلام تأثیر معجزه‌آسایی بر روی آموزه‌ها و رفتارهای انسان دارد. اما در این نوشته‌ی کوتاه به نمونه‌ای از آن‌ها در آیاتی از سوره‌ی فرقان و بعضی روایات اشاره می‌کنیم.

### سیمای بندگان خداوند رحمان در قرآن

بندگی و سر سپردن به دستورات خداوندی که گستره‌ی رحمتش همه چیز را گرفته چنان در بندگان او اثر می‌کند که این رحمت در حرکات و سکنت و رفتار و گفتار آنان در شب و روز نمایان می‌شود. مثلاً راه رفتن آن‌ها چون متأثر از رحمت خداست نه به سختی است و نه به تکبر و فخر، بلکه ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾<sup>۱</sup> (به سهولت و نرمی بر زمین راه می‌روند).

### در معاشرت با دیگران

دل‌های آنان چنان به رحمت الهی نرم و ذلیل شده که در برابر خداوند، ذلیل، و در برابر آفریدگان او متواضع و فروتن گشته‌اند؛ به طوری که نه تنها آزار آنان به

---

۱. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۳

بندگان نمی‌رسد بلکه بر اذیت دیگران صبر می‌کنند و حلم و بردباری به خرج می‌دهند. و برای کسانی که آنان را با زبان می‌آزارند آرزوی سلامت از جهالت می‌کنند ﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾<sup>۱</sup> و از رفتارشان در مقابل جاهلان معلوم می‌شود که با دانایان و عاقلان چگونه رفتار می‌کنند.

### شبانگاه بندگان الهی

شبانگاه، تفکر در آثار عظمت الهی و مطالعه‌ی آیات علم و قدرت و حکمت او آنان را به قیام و به خاک افتادن در برابر آن عظمت بی‌انتها می‌کشانند. ﴿وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا﴾<sup>۲</sup>.

### دعای آنان

از منحرف شدن از مدار دین و آیین حق تعالی بر خود هراسانند؛ که انحراف از این صراط مستقیم الهی به آتش سوزانده‌ی جهنم می‌انجامد. از این رو، دعا می‌کنند ﴿رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا﴾<sup>۳</sup> (پروردگار ما! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان که عذاب آن با دوام است).

### میان‌روی در بخشش اموال

در مورد اموال خویش – که همچون خون در بدن مایه‌ی حیات جامعه است – به تعادل رفتار می‌کنند. نه چنان بخل می‌ورزند که مبتلا به تراکم بی‌جهت اموال

۱. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۳

۲. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۴

۳. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۵

در یک جا شود (مانند فشار خون در بدن) و نه آن گونه بی پروا بذل مال می کنند که خود و زنان و فرزندان شان به فقر و گدایی افتند (مانند کم خونی در بدن). هم به خویش می رسند و هم دیگران را از برکات اموال خود بهره مند می سازند. ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾<sup>۱</sup>.

### پاکی بندگان خدای رحمان

دل و زبان از فکر و ذکر غیر خداوند تهی ساخته اند و دستانشان به خون ناحق آلوده نمی شود و دامنشان به تجاوز و تعدی به حرام الهی و زنا آلوده نمی گردد. یعنی عقاید آنان پاک و زبان و دست و دامنشان پاکیزه است؛ زیرا بندهی خدایند. ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ﴾<sup>۲</sup>.

### طائران بلند پروازند

از دروغ و باطل (و مجلس ساز و آواز) بر کنارند و لغو و گفتار بیهوده را می گذارند که کرامت و بزرگواری آن ها اجازه نمی دهد دامن به بیهودگی و عبث آلوده کنند. ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾<sup>۳</sup>.

### چشمان حق بین و گوش های حق شنو

چون همه ی وجودشان بندگی حق و سرسپردگی رحمان است، در هنگام

۱. سوره ی فرقان، آیه ی ۶۷

۲. سوره ی فرقان، آیه ی ۶۸

۳. سوره ی فرقان، آیه ی ۷۲

تذکر و یادآوری آیات پروردگارشان کور و کر نیستند. ﴿وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا﴾<sup>۱</sup>.

### نشانه‌های مؤمن کامل

بزرگ معلم بشریت، حضرت ختمی مرتبت ﷺ برای مؤمنی که می‌خواهد در مکتب وحی الهی و آموزه‌های اسلامی به تکامل برسد ویژگی‌هایی را بیان فرموده‌اند که به مضمون بعضی اشاره می‌کنیم:

- \* علم مؤمن بسیار و بردباری او عظیم است.
- \* غافل را یادآوری کرده و جاهل را علم می‌آموزد.
- \* کسی که او را می‌آزارد از او اذیت نمی‌بیند.
- \* در آنچه به درد او نمی‌خورد وارد نمی‌شود.
- \* کسی را در مصیبت شماتت و سرزنش نمی‌کند.
- \* غیبت کسی را نمی‌کند.
- \* به غریبان کمک می‌کند.
- \* برای یتیم پدری می‌نماید.
- \* امین بر امانت‌ها و دور از خیانت‌هاست.
- \* قلب او با تقوی است.
- \* چون به قدرت رسد عفو و گذشت می‌کند (انتقام نمی‌گیرد).
- \* چون وعده دهد وفا می‌کند.
- \* باطل و ناحق را از دوست خود نمی‌پذیرد و حق را از دشمن خود رد (و)

۱. سوره فرقان، آیه ۷۳

انکار) نمی‌کند...<sup>۱</sup>

### چند دستور از حضرت امام صادق علیه السلام برای راهیان راه حق

در حدیث معروف عنوان بصری چنین آمده که وقتی عنوان به آن حضرت عرض کرد: «از خداوند خواسته‌ام قلب شما را به من متوجه و از علم شما به من روزی کند و امیدوارم دعایم مستجاب شده باشد»، حضرتش در پاسخ فرمودند: «علم به آموختن نیست بلکه فقط علم نوری است که در قلب هر کس که خداوند هدایت او را خواسته باشد قرار می‌گیرد. پس اگر به دنبال علم (حقیقی و نورانیت) هستی در خود حقیقت بندگی (و تسلیم دستورات الهی شدن) را طلب کن و برای این به دنبال علم باش که بدان عمل کنی و از خداوند فهم بخواه تا به تو بفهماند.»

وقتی عنوان فهمید علم را تنها در حقیقت بندگی می‌توان یافت، پرسید: «حقیقت بندگی چیست؟»

حضرت فرمودند: «سه چیز است:

**اول** آن که بنده‌ی خدا خود را مالک آن چه خداوند به او داده نداند. چون بندگان خدا ملکی ندارند. مال را مال خدا می‌بینند و هر جا که او دستور فرموده صرف می‌کنند.

**دوم** آن که بنده برای خود تدبیری نیندیشد (یعنی برای خدا و به امر خدا کار کند و همه چیز را به او واگذارد).

**سوم** آن که تنها سرگرم و مشغول کارهایی باشد که خداوند به آن امر

۱. بحار الانوار ج ۶۴ ص ۳۱۰

فرموده و از آن بازداشته است.»

آن‌گاه، حضرت نتیجه‌ی این سه چیز را چنین بیان فرمودند:

«پس چون برای خود ملکی ندید (و مال را مال خداوند دید) خرج کردن مال در راهی که خداوند امر فرموده برای او آسان می‌شود. و چون تدبیر و عاقبت‌اندیشی کارها را به مدیر و مدبر خود (یعنی خداوند) واگذار کرد پیش‌آمدها (و ناگواری‌ها) برای او آسان می‌شود. و چون به انجام امر و نهی الهی مشغول شد، فرصت بحث و جدل و فخر و مباهات کردن با مردم پیدا نمی‌کند.

پس چون بنده‌ی خدا خود را به این سه مطلب آراسته و گرامی داشت، دنیا و شیطان و خلق بر او آسان می‌گردد، دیگر دنیا را برای بیشترخواهی و فخرفروشی نمی‌خواهد؛ و نمی‌خواهد آنچه نزد مردم است برای عزیز شدن و برتری بر آنان بدست آورد. و روزهای عمر خود را بیهوده از دست نمی‌دهد.

این اول درجه‌ی تقواست که خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا﴾<sup>۱</sup> آن سرای آخرت است که آن را برای کسانی قرار می‌دهیم که برتری و فساد در زمین را نمی‌طلبند.»

عنوان می‌گوید: «گفتم ای ابا عبدالله! مرا توصیه و سفارش فرما».

فرمود: «تو را به نه چیز وصیت می‌کنم و آن سفارش من است برای آن کسانی که می‌خواهند راهی به سوی خدا بیابند و از خداوند می‌خواهم که تو را برای عمل به آن موفق بدارد. سه وصیت در ریاضت و سختی دادن به نفس و سه وصیت در حلم و بردباری و سه وصیت در مورد علم.

۱. سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۸۳

اما آنچه در ریاضت است اینکه: بپرهیز از این که آن چه را اشتها نداری بخوری که حماقت و ابله‌ی را به ارث می‌گذارد و جز هنگام گرسنگی مخور. و چون خوردی حلال بخور. و نام خدا را ببر و حدیث پیامبر ﷺ را به یاد آور که فرمودند: «آدمی ظرفی را بدتر از شکم خود پر نکرده است». پس اگر چاره‌ای از پر کردن آن نبود، یک سوم آن برای خوردن و یک سوم آن برای نوشیدن و یک سوم دیگر برای نفس کشیدن باشد.

اما وصیت‌هایی که در مورد بردباری است: آن کس که به تو بگوید: «اگر یکی بگویی ده تا می‌شنوی»، به او بگو: «اگر ده تا بگویی یکی هم نمی‌شنوی». و کسی که به تو ناسزا گوید به او بگو: «اگر آنچه می‌گویی راست است از خداوند می‌خواهم مرا بیامرزد و اگر دروغ می‌گویی از خداوند می‌خواهم تو را بیامرزد».

و کسی که به تو وعده‌ی فحش می‌دهد (مثلاً می‌گوید تو را در فلان وقت فحش خواهم داد و رسوا خواهم کرد و...) تو به او وعده‌ی خیرخواهی و نصیحت بده (مثلاً به او بگو: «من به خیر تو خواهم گفت و برای تو خوب خواهم خواست»).

اما آن وصیت‌ها که در مورد علم است: آن چه نمی‌دانی از دانایان بپرس و بپرهیز از این که از آن‌ها به راه تعنت و تجربه بپرسی (یعنی می‌پرس که آن‌ها را امتحان کنی و در جواب خجل سازی) و بپرهیز از اینکه در آنچه نمی‌دانی به رأی و گمان خود عمل کنی و تا آنجا که می‌شود به احتیاط عمل کن و از فتوی و نظر دادن بگریز آن چنان که از شیر می‌گریزی و گردنت را پل قرار مده که مردم از آن بگذرند...»<sup>۱</sup>.

۱. بحار الانوار جلد ۱ ص ۲۲۴

## دو نکته:

### (اول) تعبد و سرسپردن به دین

زندگی انسان منحصر به عالم دنیا نیست. بلکه از عالم صلب پدر به عالم رحم مادر و از آنجا به عالم دنیا و از دنیا به عالم برزخ و پس از آن به حیات جاودانی آخرت سفر می‌کند. از این رو، برنامه‌های دین باید طوری باشد که در تمام این مراحل نیازها و احتیاجات انسان را در نظر گرفته و تأمین نماید. و کسی می‌تواند این برنامه را طراحی و اجرا کند که احاطه‌ی کامل به تمامی این عالم‌ها داشته باشد و بتواند قانونی مقرر نماید که در تمام این مراحل کارساز باشد. بنابراین، انسان با این علم محدود که حتی نیازهای زندگی خود در چند روز آینده‌اش را نمی‌داند چگونه می‌تواند حکمت و اسرار احکام الهی را درک نماید؟! این است که مؤمن واقعی به صورت سربسته می‌داند که خداوندی که علم بی‌نهایت و حکمت بی‌پایان و قدرت بی‌انتهاست در هر قانون و حکمی که قرار داده است حکمت‌های دنیوی و برزخی و آخرتی بسیاری وجود دارد؛ و ندانستن و نفهمیدن ما نسبت به حکمت احکام الهی دلیل بر بی‌حکمت بودن آن نمی‌شود؛ و فلسفه‌هایی که بشر برای احکام الهی می‌بافد نمی‌تواند صحیح یا بیانگر کامل حکمت‌های نهفته در دستورات الهی باشد؛ و همان‌گونه که طفل در رحم مادر حکمت داشتن دست و پا و چشم و... را نمی‌فهمد و وقتی به دنیا می‌آید فواید آن تا حدودی برایش روشن می‌گردد، حکمت احکام الهی نیز در دنیا برای ما مجهول است. لذا، پس از شناخت خداوند عالمیان به صفات حمیده و کمالیه‌اش و شناخت انبیا و اولیای الهی به عصمت و پاکی و صداقت، دیگر سرسپردن به دستورات آنان و اطاعت مطلق از آنان وظیفه‌ی عقلی و فطری هر انسان است.

و البته بالاتر از این مقام مقام آنانی است که از ضرر محرمات و مکروهات و

نفع واجبات و مستحبات الهی چشم پوشیده‌اند و تنها برای آن که خداوند متعال امر و نهی فرموده عمل می‌کنند. و البته این مقام مقربین درگاه الهی و خاصان دربار قدس حضرت حق متعال است.

### (دوم) لزوم تقلید از علمای دین

همان‌گونه که سلامتی و زندگی پاکیزه و راحت بدن و دنیای انسان در گرو آن است که به قوانین و دستوراتی که در بهداشت و درمان است عمل نماید و سه راه بیشتر ندارد: یا طبیب و عالم به این مقررات باشد یا از دستورات پزشک پیروی کند یا احتیاط نماید، سلامتی دین و روح و آخرت انسان نیز در گرو این است که از قوانین و مقررات دین و دستورات الهی پیروی کند. پس یا باید عالم به قوانین الهی باشد یا اگر جاهل است از علما پیروی کند یا راه احتیاط را در پیش گیرد.

پس کسی که عالم نیست و احتیاط هم نمی‌کند، به حکم عقل و فطرت راهی جز تقلید و پیروی از دستورات علما ندارد. و اگر علما با هم اختلاف نظر دارند چنان‌که در هنگام اختلاف نظر پزشکان به عالم‌ترین آنها رجوع می‌کند، در دین نیز باید به عالم‌ترین آنان مراجعه نماید.

لزوم پیروی جاهل از عالم امری است فطری و در سرشت هر انسان نهاده شده است؛ چه این که در همه چیز جاهل باشد یا این که در رشته‌ی خاصی بدون علم و اطلاع باشد. مثل این که پزشک قلب نسبت به امور چشم تخصص و اطلاع ندارد و باید در این امر به چشم‌پزشک مراجعه و به دستور او عمل کند.

بنابراین، پیروی از علمای دین مختص به بی‌سوادها نیست بلکه جامعه‌شناس، روان‌شناس، پزشک، مهندس و همه‌ی این‌ها چون در امور دین و احکام الهی سررشته ندارند گزیری جز رجوع به علمای دین و تقلید از آنها ندارند. پس مقلد به

حکم عقل و فطرت خود علم دارد که باید از مجتهد و عالم دین در احکام الهی پیروی کند و تقلید او از روی علم و معرفت است.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، لَا سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ، وَاللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

### تقلید

اعتقاد انسان به اصول دین اسلام باید بر پایه‌ی علم باشد و تقلید - یعنی پیروی از غیر، بدون حصول علم - در اصول دین باطل است. ولی در غیر اصول دین، از احکامی که قطعی و ضروری نیست، و همچنین موضوعاتی که محتاج به استنباط است باید یا مجتهد باشد که بتواند وظایف خود را از روی مدرک آنها به دست آورد و یا به دستور مجتهدی که جامع شرایط است رفتار نماید و یا احتیاط کند، یعنی به گونه‌ای عمل نماید که یقین پیدا کند تکلیف را انجام داده است؛ مثلاً اگر عده‌ای



از مجتهدین عملی را حرام می‌دانند و عده‌ای دیگر می‌گویند حرام نیست، آن عمل را ترک کند، و اگر عملی را بعضی واجب و بعضی جایز می‌دانند، به جا آورد. پس کسی که مجتهد نیست و نمی‌تواند به احتیاط عمل کند باید تقلید نماید.

### سن تقلید

هرگاه بچه‌ای ممیز شود - یعنی به سنی برسد که خوب و بد را تشخیص دهد - می‌تواند تقلید نماید ولی از زمانی که به سن بلوغ برسد، اگر مجتهد نباشد و نخواهد به احتیاط عمل کند تقلید کردن برای او واجب می‌شود.

### سن بلوغ

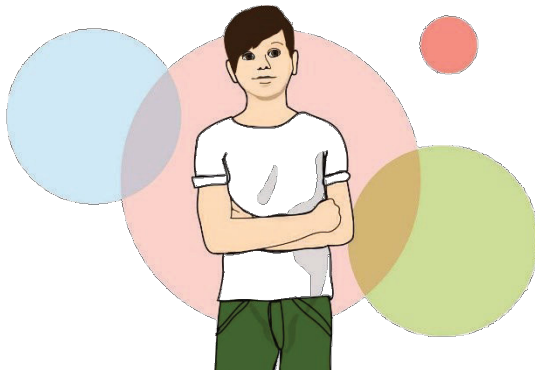
نشانه‌های بلوغ یکی از موارد زیر است:

(اول) روییدن موی درشت زیر شکم و بالای عورت در پسر.

(دوم) بیرون آمدن منی.

(سوم) تمام شدن پانزده سال قمری در پسر، و تمام شدن نه سال قمری در دختر. و نیز دیدن خون حیض در مورد دختری که معلوم نیست نه سال او تمام شده یا نه.

**نکته** پانزده سال قمری تمام حدود چهارده سال و شش ماه و هفده روز شمسی می‌شود و نه سال قمری تمام نیز حدود هشت سال و هشت ماه و بیست و دو روز شمسی است. و باید توجه داشت که اگر یکی از این سه نشانه‌ی بلوغ در انسان پیدا شد کافی است و لازم نیست هر سه نشانه با هم باشد. و روییدن موی درشت در صورت و پشت لب و در سینه و زیر بغل و درشت شدن صدا و مانند این‌ها نشانه‌ی بالغ شدن نیست، مگر انسان به واسطه‌ی این‌ها یقین یا اطمینان به بلوغ پیدا کند.



## پس از فوت مرجع تقلید

اگر مرجع تقلید از دنیا برود، وظیفه‌ی مقلد او چیست؟ 

هرگاه مجتهدی که وظیفه‌ی انسان تقلید از او بوده از دنیا برود، چنانچه برای انسان ثابت بشود که مجتهد زنده از مجتهد میت اعلم است، واجب است به مجتهد زنده رجوع کند؛ و در صورتی که اعلمیت مجتهد میت برایش ثابت بوده، تا زمانی که اعلم بودن مجتهد زنده برایش ثابت نشود باید به فتوای مجتهد میت عمل کند؛ چه در زمان حیات او التزام به عمل به فتوای او داشته یا نداشته باشد و چه عمل به فتوای او کرده یا نکرده باشد و چه فتوای او را یاد گرفته یا یاد نگرفته باشد.

بنابراین، مکلف باید از اعلم مراجعی تقلید نماید که از سن تمییز به بعد آنها را درک کرده؛ چه آن مرجع تقلید زنده باشد و چه از دنیا رفته باشد، چه قبلاً از او تقلید می‌کرده و چه از او تقلید نمی‌کرده است. 

## اشتباه گفتن مسأله

اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود لازم نیست به او خبر دهد که فتوای آن مجتهد عوض شده، ولی اگر بعد از گفتن فتوا بفهمد اشتباه کرده، چنانچه مخالفت حکم الزامی<sup>۱</sup> لازم بیاید باید، در صورت امکان، اشتباه او را برطرف نماید.

۱. حکم بر دو قسم است:

الف - حکم الزامی؛ که شامل وجوب و حرمت است.

ب - حکم غیر الزامی؛ که شامل استحباب و کراهت و اباحه می‌شود.

پس اگر مسأله را به نحوی اشتباه گفته که آن شخص مرتکب فعل حرام می‌شود، یا اینکه واجبی را ترک می‌کند، باید به او بگوید.

### کسی که تقلید نمی کرده

شخصی چند سال از سن تکلیف او گذشته ولی مرجع تقلید ندارد. آیا



همه‌ی اعمال گذشته‌ی او باطل است؟

در صورتی اعمال او صحیح است که بداند آن اعمال را یا مطابق با واقع یا مطابق با فتوای مجتهدی که فعلاً وظیفه‌اش تقلید از اوست انجام داده است.

### زن و دیدگاه شوهر در تقلید

آیا زن باید در انتخاب مرجع تقلید تابع نظر شوهرش باشد؟



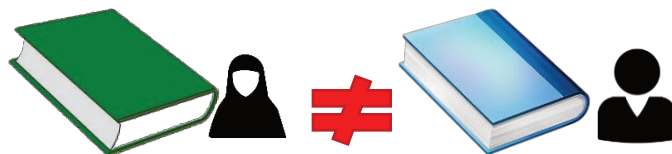
خیر. اگر زن مرجع تقلید خود را از راه‌هایی که در رساله آمده است انتخاب کرده باشد، تقلید او صحیح است؛ هر چند مرجع تقلید او با مرجع تقلید شوهرش متفاوت باشد.

### مرجع تقلیدهای متفاوت

اگر نظر مرجع تقلید زنی با نظر مرجع تقلید شوهرش متفاوت باشد،



وظیفه چیست؟



هر کدام باید به نظر مرجع تقلید خودشان عمل نمایند. بلی، خوب است به نحوی احتیاط کنند که اعمال آنها با فتوای هر دو مجتهد سازگار باشد تا در زندگی مشترک دچار مشکلات نشوند. مثلاً اگر مرجع تقلید زن می‌گوید

ماشین لباسشویی لباس نجس را پاک می‌کند ولی مرجع تقلید مرد می‌گوید پاک نمی‌کند، زن در این مورد احتیاط کند و لباس نجس را با دست آب بکشد.

## عدالت



یکی از شرایط مرجع تقلید عدالت است. از آن جا که این شرط در موارد دیگری هم لحاظ شده است - مانند امام جماعت، شاهد، قاضی - لطفا توضیح بفرمایید که عدالت چه معنایی دارد و راه ثابت شدن آن چیست.

عادل کسی است که کارهایی که بر او واجب است به جا آورد و کارهایی که بر او حرام است ترک کند. و نشانه‌ی عدالت این است که در ظاهر شخص خوبی باشد که اگر از اهل محل یا همسایگان او یا کسانی که با او معاشرت دارند حال او را بپرسند خوبی او را تصدیق نمایند.<sup>۱</sup> و باید توجه داشت که شرط عدالت در تمام مواردی که در سؤال آمده به یک نحو است و این گونه نیست که برای نمونه شرط عدالت در امام جماعت با شرط عدالتی که برای مرجع تقلید است تفاوتی داشته باشد. بنابراین، انسان از هر راه و قرینه‌ای علم یا اطمینان به عدالت شخصی پیدا کرد کافی است. ولی اگر به عدالت او مطمئن نشده است نمی‌تواند ترتیب اثر بدهد. بلی، اگر شخص عادل یا فرد ثقه‌ای<sup>۲</sup> که گمان برخلاف گفته‌ی او نیست خبر به عدالت کسی بدهد، عدالت آن شخص ثابت می‌شود.

۱. عدالت افراد با حسن ظاهر ثابت می‌شود هر چند علم یا اطمینان برای انسان حاصل نشود.

۲. شخص راستگو و مورد اطمینان



## نجاسات و مطهرات

### مقدار آب کر

مقدار آب کر چقدر است؟ 

آب کر به مقدار آبی گفته می‌شود که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک سه وجب است بریزند آن را پر کند؛ و مقدار آن از جهت وزن تقریباً سیصد و هفتاد و هفت کیلوگرم است.



آب لوله‌کشی در ساختمان‌ها چه آبی حساب می‌شود؟ 



آب لوله‌های حمام و عمارات<sup>۱</sup> که از شیرها و دوش‌ها می‌ریزد، اگر متصل به مخزنی باشد که آب آن کمتر از کر نباشد حکم آب جاری را دارد.

### غسالة یا ترشحات آب

اگر چیز نجسی را زیر شیر آب روشویی یا سینک آشپزخانه آب بکشیم و کمی آب به بدن یا لباس ما پاشد چه حکمی دارد؟ 

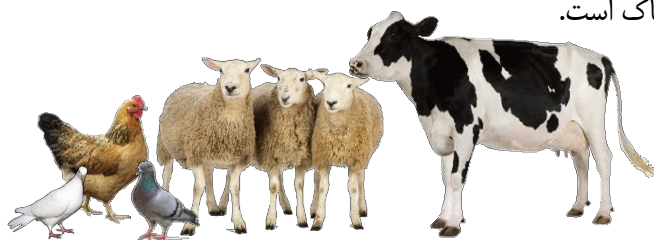


پاک است؛ مگر در صورتی که عین نجاست در آن باشد و یا یکی از اوصاف سه‌گانه‌ی آن آب تغییر کرده باشد.

۱. ساختمان‌ها

## حکم ادرار و مدفوع حیوانات

**خون جهنده دارند؛** مثل گاو، گوسفند، مرغ، کبوتر و ... که ادرار و مدفوع آنها پاک است.



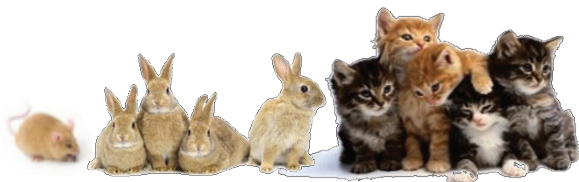
حلال گوشت

**خون جهنده ندارند؛** مثل ماهی پولک‌دار و میگو که ادرار و مدفوع آنها پاک است.



## حیوانات

**خون جهنده دارند؛** مثل گربه، خرگوش، موش و ... که ادرار و مدفوع آنها نجس است.



ولی ادرار و فضله‌ی پرندگان حرام گوشت (مثل کلاغ و عقاب)

حرام گوشت پاک است.



**خون جهنده ندارند؛** مثل ماهی حرام گوشت، که ادرار و مدفوع آنها پاک است ولی بنا بر احتیاط مستحب از ادرار آنها اجتناب شود.



### دانه‌ی سیاه در غذا



هنگام غذا پختن، دانه‌ی سیاهی  
در برنج دیدم. شک دارم فضله‌ی  
موش است یا چیز دیگر. حکم  
آن غذا چیست؟



اگر شک دارید که فضله‌ی موش بوده یا نه، آن غذا محکوم به طهارت  
بوده و خوردن آن حلال است.

### جوش آمدن کشمش

اگر کشمش را در آب بجوشانند یا در ظرفی تفت بدهند چه حکمی  
دارد؟



خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگرچه جوش بیایند پاک و خوردن آنها  
حلال است.

### غذای نجس

اگر بعد از پختن غذا بفهمیم غذا نجس است، وظیفه چیست؟ آیا  
می‌شود از روی خجالت به مهمان‌ها نگوییم و آبروداری کنیم؟



خوردن و آشامیدن چیز نجس و متنجس<sup>۱</sup> حرام است، و همچنین است

۱. به چیزی که خود به خود نجس است، نجس می‌گویند، مثل خون. و به چیزی که ذاتاً پاک  
است ولی با برخورد با نجاست نجس شده است، متنجس می‌گویند.

خوراندن آن به دیگری. و اگر صاحب‌خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است باید به میهمان‌ها بگوید.

### حرف بچه

اگر بچه بگوید چیزی نجس شده، وظیفه‌ی ما چیست؟ آیا حرف او را

قبول کنیم؟

اگر بچه بگوید چیزی نجس است یا چیزی را آب کشیده، نمی‌شود حرف او را قبول کرد. ولی اگر بچه‌ای که ممیز<sup>۱</sup> است بگوید چیزی را آب کشیدم، در صورتی که آن بچه ثقه<sup>۲</sup> باشد و ظن<sup>۳</sup> بر خلاف گفته‌ی او نباشد، حرف او قبول می‌شود. و همچنین اگر بگوید چیزی نجس است.

### ادرار پسر شیرخوار



آیا ادرار پسر شیرخوار پاک است؟

خیر؛ نجس است. و اگر چیزی به بول پسر شیرخواری که غذاخور نشده نجس شود، چنانچه

یک مرتبه آب روی آن بریزند که به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می‌شود، ولی احتیاط مستحب آن است که یک مرتبه‌ی دیگر هم آب روی آن بریزند. و در لباس و فرش و مانند این‌ها فشار لازم نیست.

۱. بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد

۲. مورد اطمینان

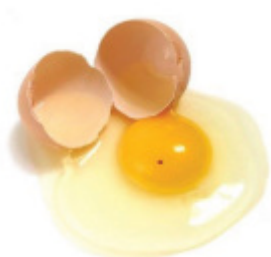
۳. گمان

## ماشین لباسشویی

آیا ماشین لباسشویی لباس نجس را پاک می‌کند؟ **۱۴** 



در صورتی که با شرایط مقرر شرعی آب بکشد، اشکال ندارد. و نحوه کار ماشین‌های مختلف با هم تفاوت دارد.<sup>۱</sup>



## خون در تخم‌مرغ

خونی که در زرده‌ی تخم‌مرغ پیدا می‌شود خوردنش حرام و بنا بر احتیاط محکوم به نجاست است.

## خون‌مردگی

خونی که به واسطه‌ی کوبیده شدن زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند،<sup>۲</sup> پاک، و اگر به آن خون بگویند نجس است؛ و

۱. بنابراین، اگر ماشین لباسشویی لباسهای نجس را طبق مسائلی که در احکام آب‌ها و در احکام مطهرات (مسأله‌ی ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ توضیح المسائل) آمده است بشوید، لباسهای نجس پاک می‌شود. ولی اگر مطابق با آن مسائل نباشد، یا مشکوک باشد که مطابق است یا نه، لباسهای نجس پاک حساب نمی‌شود.

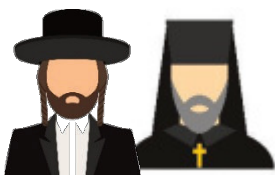
۲. مثلاً تبدیل به جرم جامد سیاهی بشود که دیگر به آن خون گفته نشود.



چنانچه پوست پاره شود و چیزی با آن ملاقات کند، آن چیز نجس می‌شود، و در این صورت اگر بیرون آوردن خون و تطهیر محل جهت وضو یا غسل حرجی

باشد، باید تیمم نماید. اگر انسان نداند که خون زیر پوست مرده یا گوشت به واسطه‌ی کوبیده شدن به آن حالت در آمده، پاک است.

### یهودی و مسیحی



آیا یهودی‌ها و مسیحی‌ها نجس هستند؟ ۱۵ ؟

اهل کتاب (یعنی یهود و نصاری) پاک هستند، هر چند بهتر است از آنها اجتناب شود.

### نکته

شخصی که به یکی از چهارده معصوم علیهم‌السلام از روی دشمنی دشنام دهد نجس است.

### الکل طبی و صنعتی

الکل صنعتی که آن را برای رنگ کردن در و پنجره و میز و صندلی و مصارف دیگر به کار می‌برند تمام اقسامش پاک است. و همچنین است الکل طبی، اگر از مواد نجس درست نشده باشد.

۱. حرجی باشد یعنی آن قدر سخت باشد که عرفاً قابل تحمل نیست.

### باقی ماندن رنگ نجاست

اگر چیز نجسی را آب بکشیم ولی رنگ نجاست کاملاً برطرف نشود



چه حکمی دارد؟



هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن برطرف نکنند پاک نمی‌شود، ولی چنانچه بو یا رنگ نجاست در آن مانده باشد اشکال ندارد. پس اگر خون را از لباس برطرف کنند و آن را آب بکشند اگرچه رنگ خون در آن بماند پاک می‌شود. اما چنانچه به واسطه‌ی بو یا رنگ، احتمال دهند که ذره‌های نجاست در آن چیز مانده، نجس است.

### برطرف شدن عین نجاست

اگر بدن حیوان به عین نجس مثل خون یا متنجس مثل آب نجس آلوده شود، چنانچه آن‌ها برطرف شود بدن آن حیوان پاک می‌شود. و همچنین است باطن بدن انسان مثل داخل دهان و بینی. مثلاً اگر خونی از لای دندان بیرون آید و در آب دهان از بین برود آب کشیدن توی دهان لازم نیست، ولی اگر دندان مصنوعی در دهان با خون دهان ملاقات کند بنا بر احتیاط باید آن را آب کشید.

## مواد وارد شده از کشورهای غیراسلامی

۱۷ حکم داروها و وسایل آرایشی و بهداشتی که توسط کشورهای

غیراسلامی تولید می‌شود چیست؟



اگر انسان یقین یا اطمینان یا حجت شرعی<sup>۱</sup> به نجاست آنها نداشته باشد، پاک است.

## چرم‌های خارجی

۱۸ حکم چرم‌هایی که در کشورهای غیراسلامی خرید و فروش

می‌شود چیست؟ آیا نجس حساب می‌شود؟



اگر بدانید که آن چرم از حیوانی است که به دست مسلمان ذبح شرعی شده، پاک است. ولی چنانچه مشکوک باشید یا

بدانید توسط کفار ذبح شده، پاک نیست و نماز خواندن با آن باطل است؛ و خرید و فروش آن نیز باطل و، بنا بر احتیاط واجب، حرام است.

۱. برای نمونه، شخص راستگو و مورد اطمینانی که گمان بر خلاف گفته‌ی او نیست یا دو نفر عادل به نجاست آن خبر بدهند.



اگر در آن کشورها به چرمی برخورد کنیم که معلوم نیست چرم

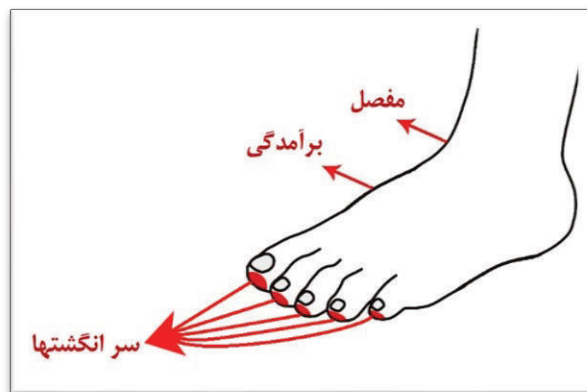
واقعی است یا مصنوعی، چه حکمی دارد؟

تا زمانی که علم یا اطمینان یا حجت شرعیه پیدا نکرده‌اید که چرم واقعی باشد،  
به خودی خود پاک حساب می‌شود.

## وضو

### مسح پا

بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده است روی پاها را مسح کند. و اندازه‌ی واجب آن از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا است (و منظور از سر انگشتها قسمتهای رنگی در تصویر زیر می‌باشد). و احتیاط مستحب آن است که تا مفصل مسح نماید. و احتیاط واجب آن است که پای راست را مقدم بر پای چپ بدارد، و همچنین پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح نماید.



### پهنای مسح پا

پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است؛ ولی افضل آن است که تمام روی پا را با تمام کف دست مسح نماید.

### مسح بر موی سر

لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، ولی کسی که موی جلوی سرش به اندازه‌ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می‌ریزد یا به جاهای دیگر سر می‌رسد، باید بیخ موها را مسح کند یا فرق سر را باز کرده پوست سر را مسح نماید؛ و اگر موهایی را که به صورت می‌ریزد یا به جای دیگر سر می‌رسد جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید یا بر موی جاهای دیگر سر که جلوی آن آمده مسح کند، چنین مسحی باطل است.

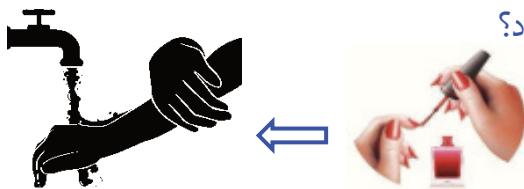
### وضو قبل از وقت

اگر پیش از وقت نماز به قصد اینکه با طهارت باشد وضو بگیرد یا غسل کند، صحیح است؛ و اگر نزدیک وقت نماز هم به قصد مهیا بودن برای نماز وضو بگیرد اشکال ندارد، بلکه مستحب است. بنابراین، اگر کسی مثلاً ساعت ده صبح فقط به قصد وضوی واجب برای نماز ظهر و عصر وضو بگیرد وضوی او باطل است.

### ناخن و وضو

۲۰؟ خانمی بر روی ناخن‌های دست خود لاک مالیده است. آیا می‌تواند به

همین صورت وضو بگیرد؟

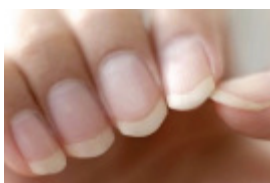


خیر، وضو با لاک و با هر چه که مانع رسیدن آب به اعضای وضو باشد، باطل است.

۲۱ آیا می‌شود خانمی روی ناخن‌های پا لاک بمالد و فقط یکی از آنها

را باقی بگذارد و روی همان مسح نماید؟

برای وضو اشکال ندارد ولی باید برای غسل برطرف کند.



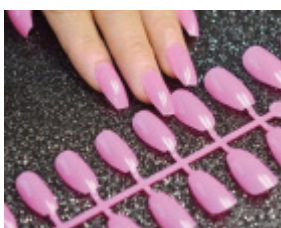
۲۲ آیا ناخن بلند برای وضو اشکال دارد؟

اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد، باید

چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر

است برطرف کند.<sup>۱</sup>

۲۳ آیا کاشت ناخن جایز است؟ حکم وضو با آن چیست؟



کاشت ناخن در صورتی که برداشتن آن

ممکن نیست و مانع از رسیدن آب به پوست

یا ناخن اصلی گردد حرام است و موجب

بطلان وضو و غسل می‌شود، و اگر کسی این

کار را کرده، باید آن را در اولین فرصت بردارد - حتی اگر مشقت داشته

باشد - و تا زمانی که برداشتن آن ممکن نیست واجب است عبادات خود

را انجام دهد و بنا بر احتیاط واجب هم وضوی جبیره بگیرد و هم تیمم

نماید، و اگر نیاز به غسل دارد بنا بر احتیاط واجب هم غسل جبیره انجام

دهد هم تیمم نماید، و هرگاه آن مانع را برداشت بنا بر احتیاط واجب قضای

عبادتش را به جا آورد. و اگر کسی این مسأله را نمی‌داند و در ندانستن

هم معذور بوده است لازم نیست قضای عبادتش را به جا آورد.

۱. بنابراین اگر ناخن تمیز باشد، بلند بودن آن ضرری به وضو نمی‌زند.

## کاشت مژه



آیا کاشت مژه جایز است؟ حکم وضو و غسل با آن چیست؟



کاشت مژه در صورتی که برداشتنش ممکن نیست و مانع از رسیدن آب وضو یا غسل به پوست یا موهای اصلی چشم می‌شود حرام است و وضو و غسل با آن باطل. و اگر شخصی این کار را انجام داده باید آن را در اولین فرصت بردارد - حتی اگر مشقت داشته باشد. و تا زمانی که برداشتن آن ممکن نیست واجب است عبادات خود را انجام دهد و بنا بر احتیاط واجب هم وضوی جبیره بگیرد (یا غسل جبیره کند، اگر وظیفه‌ی او غسل است) و هم تیمم نماید. و اگر شخصی با علم به این که این کار جایز نیست این کار را مرتکب شده، هر وقت آن مانع را برداشت، بنا بر احتیاط واجب قضای عباداتش را به جا آورد. و اگر کسی این مسأله را نمی‌داند و در ندانستن هم معذور بوده است لازم نیست قضای عباداتش را به جا آورد.

## تاتو



حکم تاتو کردن چیست؟ و آیا برای وضو و غسل و تیمم مشکلی ایجاد نمی‌کند؟



تاتو کردن با پنج شرط مانعی ندارد:

یک. بر روی پوست ایجاد جرمی نکند که مانع وضو و غسل و تیمم باشد. ولی اگر بر روی پوست جرمی ایجاد کند که مانع از رسیدن

آب به پوست گردد، این کار جایز نیست و وضو و غسل و تیمم با آن صحیح نیست؛ و اگر کسی چنین کاری کرده باشد باید آن را برطرف نماید هرچند مشقت داشته باشد.

دو. نوشته یا تصویری نباشد که شرعا حرام باشد (مثل خالکوبی صلیب که حرام است).

سه. اگر زینت است (مانند تاتوی ابرو برای زن) در مقابل نامحرم پوشانده شود.

چهار. این کار او را از گرفتن وضو یا انجام غسل به صورت عادی (غیر جبیره) حتی برای یک نماز هم محروم نکند. برای نمونه، جای آن طوری زخم نشود که آب زدن به آن ضرر داشته باشد.

پنج. بنا بر احتیاط واجب، اسماء متبرکه نباشد.

### وضوی جبیره

چیزی که با آن زخم و شکسته را می‌بندند و دوايي که روی زخم و مانند آن می‌گذارند جبیره نامیده می‌شود.



اگر در یکی از جاهای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب ضرر ندارد باید به طور معمول وضو گرفت.

اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد، چنانچه باز کردن آن مشقت ندارد و آب هم برای آن ضرر ندارد، باید باز کند و وضو بگیرد؛ چه زخم و مانند آن در صورت و دست‌ها باشد یا جلوی سر و روی پاها باشد.

اگر زخم یا دمل یا شکستگی که بسته است در صورت و دست‌ها باشد، چنانچه باز کردن یا ریختن آب روی آن ضرر یا مشقت دارد، باید مقداری را که ضرر و مشقت ندارد از اطراف شسته و روی جبیره را مسح کند.<sup>۱</sup>

اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دست‌ها یا تمام هر دو دست را گرفته باشد، احتیاط واجب آن است که جمع کند بین وضوی جبیره‌ای و تیمم.<sup>۲</sup>

اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد<sup>۳</sup> بنا بر احتیاط واجب جمع کند بین وضوی جبیره و تیمم.

 ۲۶ اگر در کف دست جبیره باشد، چگونه باید مسح کند؟

کسی که در کف دست و انگشت‌ها جبیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است، سر و پاها را با همان رطوبت مسح کند.

 ۲۷ اگر زخم و مانند آن در اعضای وضو نباشد و به جهت دیگری آب

ضرر داشته باشد، وظیفه‌ی انسان برای وضو چیست؟

اگر در اعضای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست ولی به جهت دیگری آب برای آن‌ها ضرر دارد، باید تیمم کند.

۱. مسح کردن یعنی کف دست را با آب خیس کند و روی جبیره دست دیگر یا روی جبیره صورتش بکشد. پس، اگر دست کسی را به خاطر شکستگی گچ گرفته باشند باید با کف دست دیگر روی گچ، دست تر بکشد و باید مقداری از دست را - مثل نوک انگشتان - که بیرون از گچ است مثل وضوی همیشگی خود بشوید.

۲. یعنی بنا بر احتیاط واجب، هم وضوی جبیره بگیرد و هم تیمم نماید.

۳. یعنی هم صورت و هم دست‌ها و هم جلوی سر و هم روی پاها جبیره و بسته باشد و باز کردن هم ممکن نباشد.



با چسب قطره‌ای کار می‌کردم که مقداری از آن به کف دستم چسبیده و برداشتن آن ممکن نیست. برای وضو چه وظیفه‌ای دارم؟



اگر در اعضای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست یا موجب حرج<sup>۱</sup> است، بنا بر احتیاط واجب جمع کند بین وضو یا غسل جبیره‌ای و تیمم.

### تیمم جبیره‌ای

کسی که وظیفه‌اش تیمم است اگر در بعضی از جاهای تیمم او زخم یا دمل یا شکستگی باشد باید به دستور وضوی جبیره‌ای تیمم جبیره‌ای نماید.

### سه نکته:

♦ اگر به خاطر مرضی که در چشم انسان است موی چشم خود را بچسباند یا از جهت درد چشم، آب برای آن ضرر داشته باشد، باید تیمم نماید.

♦ کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش تیمم است یا وضوی جبیره‌ای، باید احتیاط کند به جمع بین وضو و تیمم.

۱. یعنی باعث شود انسان در سختی زیادی قرار بگیرد که عرفاً قابل تحمل نیست.

♦ نمازهایی را که انسان با وضوی جیره‌ای خوانده و تا آخر وقت عذرش مستمر بوده صحیح است و می‌تواند با آن وضو نمازهای بعدی را در صورتی که در تمام وقت عذرش مستمر باشد به جا آورد. و هرگاه عذرش برطرف شد برای نمازهای بعد، بنا بر احتیاط واجب، وضو بگیرد.



## غسل جنابت

غسل جنابت به خودی خود مستحب است<sup>۱</sup> و برای واجبات مشروط به طهارت<sup>۲</sup> واجب می‌شود ولی برای نماز میت و سجده‌ی سهو - مگر سجده‌ی سهو در مورد تشهد فراموش شده - و سجده‌ی شکر و سجده‌های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست.

### غسل جنابت برای غیر جنب

آیا شخصی که جنب نیست می‌تواند به نیت غسل جنابت غسل نماید و با آن نماز بخواند؟ 

خیر. چنین غسلی صحیح نیست زیرا اگر کسی جنب باشد و کارهایی (مثل نماز) را هم که غسل جنابت لازم دارد نخواهد انجام دهد، غسل جنابت به خودی خود برای او مستحب است ولی اگر کسی جنب نباشد و بخواند به قصد غسل جنابت غسل کند، چنین غسلی وجود ندارد.

---

۱. اگر کسی جنب باشد و نخواهد کارهایی را که غسل جنابت لازم دارد انجام دهد، غسل جنابت برای او مستحب است. ولی اگر کسی جنب نباشد و بخواند به قصد غسل جنابت غسل کند، چنین غسلی وجود ندارد.

۲. یعنی کارهایی که واجب است و اگر بدون وضو یا غسل یا تیمم انجام شود باطل است.

## جنابت و بانوان

۳۰ خانم‌ها در چه صورتی جنب می‌شوند؟

از دو راه جُنُب می‌شوند:

**یک.** نزدیکی. به شرط اینکه به اندازه‌ی ختنه‌گاه یا بیشتر داخل شود، چه در جلو و چه در پشت، که در این صورت هر دو جنب می‌شوند اگرچه منی خارج نشود.

**دو.** بیرون آمدن منی. چه در خواب باشد چه در بیداری، چه کم باشد و چه زیاد، با شهوت باشد یا بی شهوت، با اختیار باشد یا بی اختیار. ولی اگر رطوبتی از زن خارج شود که نداند منی است یا نه، در صورتی که خروج این رطوبت همراه با اوج لذت جنسی (انزال از شهوت) باشد حکم منی را دارد و غسل جنابت بر او واجب می‌گردد.

۳۱ آیا ترشحات واژن که بر اثر تحریک (دیدن تصویر یا...) بیرون می‌آید در صورتی که هیچ‌گونه دخولی انجام نشود و آن ترشحات بدون جهش خارج شود غسل دارد؟

بیرون می‌آید در صورتی که هیچ‌گونه دخولی انجام نشود و آن ترشحات بدون جهش خارج شود غسل دارد؟

آبی که گاهی بعد از ملاعبه و بازی کردن از انسان خارج می‌شود پاک است، ولی اگر با اوج لذت جنسی خارج شود حکم منی را دارد. و در مورد زن، لازم نیست آن رطوبت با جهش خارج شود و بدن او سست شود.

۳۲ با توجه به اینکه بیشتر خانم‌ها موهای بلندی دارند، حکم

شستن آنها در غسل چیست؟

در غسل باید موهای کوتاهی را که جزو بدن حساب می‌شود بشوید. و

شستن موهای بلند واجب نیست؛ بلکه اگر آب را طوری به پوست برساند که آن موها تر نشود، غسل صحیح است، ولی اگر رساندن آب به پوست، بدون شستن آنها ممکن نباشد، باید آنها را بشوید که آب به بدن برسد.

### ۳۳ ؟ اگر زنی در دوران قاعدگی جنب شود می‌تواند غسل جنابت کند؟

بلی، می‌تواند غسل جنابت کند و غسلش صحیح است و از جنابت پاک می‌شود. ولی بعد از تمام شدن حیض غسل حیض لازم است.

### ۳۴ ؟ آیا در غسل لازم است سوراخ جای گوشواره هم شسته شود؟



اگر سوراخ جای گوشواره و مانند آن به قدری گشاد باشد که داخل آن جزوی از ظاهر شمرده شود، باید آن را شست، و در غیر این صورت، شستن آن لازم نیست؛ مگر در صورت شک در صدق ظاهر بر آن<sup>۱</sup> که در این صورت بنا بر احتیاط، لازم است.

### ۳۵ ؟ آیا زن جنب و حائض می‌تواند غسل جمعه به جا آورد؟

در صورتی که زن جنب یا حائض غسل جمعه را انجام دهد صحیح است و غسل جمعه (اگر با شرایطش انجام شود) کفایت از غسل جنابت می‌نماید<sup>۲</sup>. و همچنین در صورتی که زن از حیض پاک شده باشد، غسل جمعه کفایت از غسل حیض می‌کند.

۱. در غسل باید ظاهر بدن شسته شود و شستن باطن بدن مثل توی دهان و بینی لازم نیست. ولی اگر جایی باشد که انسان شک کند از ظاهر بدن حساب می‌شود یا از باطن آن، در این صورت، بنا بر احتیاط لازم، آن قسمت را بشوید.

۲. یعنی جای غسل جنابت را هم می‌گیرد و لازم نیست غسل جنابت را جداگانه انجام دهد.

## مبطلات وضو حین غسل

اگر در بین غسل یکی از کارهایی که وضو را باطل می‌کند پیش بیاید، حکم غسل چیست؟ 

اگر در بین غسل حدث اصغر از او سرزند<sup>۱</sup> - مثلاً بول کند - بنا بر احتیاط واجب، غسل را تمام کند و اعاده نماید<sup>۲</sup> و وضو هم ضمیمه کند؛ مگر اینکه از غسل ترتیبی به غسل ارتماسی عدول کند.

## کفایت غسل از غسل

کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند آنها را جدا جدا انجام دهد ولی بعد از غسل اول برای بقیه نیت وجوب نکند<sup>۳</sup>. و همچنین می‌تواند به نیت همه‌ی آنها یک غسل به جا آورد؛ بلکه اگر یک غسل معین از آنها را قصد کند، از بقیه کفایت می‌نماید<sup>۴</sup>.

۱. به کارهایی که موجب وضو می‌شود حدث اصغر می‌گویند مثل خروج ادرار یا مدفوع. و به کارهایی که موجب غسل می‌شود حدث اکبر می‌گویند، مثل جنابت و حیض.

۲. یعنی دوباره از اول غسل کند.

۳. همانطور که در پایان مسأله آمده است، اگر انسان به نیت یک غسل معین غسل نماید، از بقیه‌ی غسل‌ها کفایت می‌کند. یعنی لازم نیست آن غسل‌ها را به جا بیاورد. بنابراین، با انجام یک غسل، دیگر غسلی به گردن او باقی نمی‌ماند. پس نیت وجوب نکند.

۴. برای نمونه، کسی غسل حیض و جنابت و استحاضه و مس میت بر او واجب است. چنانچه - مثلاً - نیت غسل مس میت نماید، این غسل جای بقیه‌ی غسل‌ها را گرفته و لازم نیست تک تک آنها را جداگانه انجام دهد.

## کفایت غسل از وضو

کسی که غسل جنابت کرده نباید برای نماز وضو بگیرد<sup>۱</sup>. بلکه با سایر غسل‌های واجب غیر از غسل استحاضه‌ی متوسطه و با غسل‌های مستحب - که در مسأله‌ی ۶۵۰ رساله آمده است - نیز می‌تواند بدون وضو نماز بخواند؛ اگرچه احتیاط مستحب آن است که وضو هم بگیرد.

## غسل استحاضه

۳۷ ؟ استحاضه چند قسم است؟

استحاضه سه قسم است:

**یک - قلیله:** اگر خون فقط روی پنبه‌ای را که زن با خود برمی‌دارد آلوده کند و در آن فرو نرود.<sup>۲</sup>

**دو - متوسطه:** اگر خون در پنبه فرو رود اگرچه در یک گوشه‌ی آن باشد، ولی از پنبه به دستمال و مانند آن که معمولاً زن‌ها برای جلوگیری از خون می‌بندند، نرسد.

**سه - کثیره:** اگر خون پنبه را فرا گرفته و به دستمال برسد.

۳۸ ؟ مستحاضه‌ی قلیله چه وظایفی دارد؟

- باید برای هر نماز یک وضو بگیرد.

۱. اگر کسی جنب بوده و غسل جنابت کرده باشد، تا زمانی که یکی از مبطلات وضو از او سر نزده است نباید وضو بگیرد. البته اگر وضو بگیرد گناه کرده ولی ضرری به نماز او نمی‌زند.

۲. منظور پنبه‌ای است که در فرج قرار می‌دهد.

- اگر به ظاهر فرج خون رسیده، آب بکشد.
- بنا بر احتیاط واجب، پنبه را عوض کند.

### مستحاضه‌ی متوسطه چه وظایفی دارد؟



باید برای هر نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود کارهای استحاضه‌ی قلیله را انجام دهد، و هرگاه این حالت، قبل از نماز دیگر، پیش آید برای آن نماز غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود کارهای استحاضه‌ی قلیله را انجام دهد. و وقتی به کلی از خون پاک شد باید غسل کند. ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز پیش مشغول غسل شده دیگر خون نیامده و به کلی پاک شده، لازم نیست دوباره غسل نماید.

### مستحاضه‌ی کثیره چه وظایفی دارد؟



یک. باید برای نماز صبح یک غسل، و برای نماز ظهر و عصر یک غسل، و برای نماز مغرب و عشا هم یک غسل به جا آورد.

دو. بنا بر احتیاط واجب، پنبه را عوض کند.

سه. بنا بر احتیاط واجب، دستمال را عوض کند یا آب بکشد.

چهار. بین نمازهای ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشا فاصله نیندازد.

پنج. در استحاضه‌ی کثیره، غسل از وضو کفایت می‌کند؛ ولی اگر بخواهد وضو بگیرد، باید قبل از غسل، وضو بگیرد.

شش. وقتی به کلی از خون پاک شد، باید غسل کند؛ ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز پیش مشغول غسل شده دیگر خون نیامده و به کلی پاک شده، لازم نیست دوباره غسل نماید.

مستحاضه‌ی متوسط یا کثیره چه وقتی باید غسل کند؟ قبل از اذان

۴۱



یا بعد از اذان؟

در صورتی که تا داخل شدن وقت نماز، بر آن حالت باقی باشد، اگر پیش از داخل شدن وقت نماز، برای نماز غسل کند، غسل او باطل است. ولی نزدیک اذان صبح، جایز است به قصد رجاء<sup>۱</sup> غسل نماید و نماز شب را بخواند، و بنا بر احتیاط واجب، بعد از طلوع فجر، برای نماز صبح باید غسل را اعاده<sup>۲</sup> کند.

آیا زن مستحاضه می‌تواند نماز قضا بخواند یا روزه‌ی قضا بگیرد؟

۴۲



زن مستحاضه نماز قضا را باید تأخیر بیندازد تا پاک شود. و همچنین - بنا بر احتیاط واجب - نمی‌تواند روزه‌ی قضا بگیرد.

## غسل حیض

### سن یائسگی

در چه سنی زن یائسه می‌شود؟

۴۳



زن بعد از تمام شدن شصت سال<sup>۳</sup> یائسه می‌شود، و چنانچه خونی ببیند حیض نیست. و احتیاط واجب آن است که بعد از تمام شدن پنجاه سال تا تمام شدن شصت سال، جمع کند بین احکام یائسه و غیر یائسه، چه

۱. امید ثواب

۲. دوباره انجام دهد

۳. سال قمری ملاک است نه شمسی

قرشیه باشد و چه غیر قرشیه. بنابراین، اگر در این فاصله با نشانه‌های حیض یا در روزهای عادتش خون ببیند، بنا بر احتیاط واجب جمع کند بین تروک حائض و افعال مستحاضه<sup>۱</sup>.

### زن آبستن

آیا ممکن است زن آبستن یا زنی که بچه شیر می‌دهد حیض ببیند؟  ۴۴

بله؛ ممکن است. و در این مسأله فرقی بین زن آبستن و غیر او نیست. ولی زن آبستن در صورتی که بعد از گذشتن بیست روز از اول عادتش خونی ببیند که صفات حیض را دارد، احتیاط واجب آن است که بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع نماید.

### استمرار خون

آیا لازم است خون حیض پشت سر هم باشد یا اگر به صورت متناوب هم باشد کافی است؟  ۴۵

متناوب هم باشد کافی است؟ باید سه روز اول حیض پشت سر هم باشد، ولی چنانچه در بین سه روز، مختصری پاک شود<sup>۲</sup> به نحوی که در بین زن‌ها متعارف است، باز هم حیض است.

۱. با توجه به این مسأله، ملاک برای یائسگی فقط سن است نه چیز دیگر. بنابراین، اگر زنی مثلاً در سن چهل سالگی دیگر خون نبیند یا سسه حساب نمی‌شود، و اگر خواست از شوهرش طلاق بگیرد باید از وقتی که با او نزدیکی کرده تا سه ماه از نزدیکی با او خودداری کند و بعداً او را طلاق دهد و بعد از طلاق تا سه ماه عده نگه دارد.

۲. مثلاً ده دقیقه

## شروع حیض

۴۶ خون حیض از زمانی که از بدن خارج می‌شود حساب می‌شود یا اگر

در داخل بدن هم باشد کافی است؟

ابتدای حیض لازم است خون بیرون بیاید، ولی لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید، بلکه اگر در باطن فرج باشد کافی است؛ اما بودن در رحم کافی نیست.

## محاسبه‌ی سه روز

۴۷ منظور از سه روز - که باید حیض پشت سر هم باشد - چیست؟

روش محاسبه‌ی آن را بیان فرمایید.

لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند، ولی باید در شب دوم و سوم خون قطع نشود. پس اگر از اذان صبح روز اول تا غروب روز سوم پشت سر هم خون بیاید و هیچ قطع نشود، بدون اشکال حیض است.



و همچنین است (یعنی حیض است) اگر در اواسط روز اول شروع شود و در همان موقع از روز چهارم قطع گردد.



ولی اگر از طلوع آفتاب شروع شود تا غروب روز سوم و بعد قطع شود، بنا بر احتیاط واجب در این مدت جمع کند بین تروک حائض و افعال مستحاضه.



### قرآن خواندن



آیا قرآن خواندن برای حائض



مکروه است؟

خیر؛ خواندن قرآن و همراه داشتن آن برای حائض مانعی ندارد.<sup>۱</sup>

### غسل نفاس

خونی که مادر بعد از ولادت بچه - از جهت ولادت - می بیند اگر پیش از ده روز یا سر ده روز قطع شود، خون نفاس است.<sup>۲</sup> و همچنین است - بنا بر احتیاط واجب - خونی که با اولین جزء بچه بیرون بیاید. و زن در حال نفاس را نفاس می گویند.

۱. البته باید توجه داشت که در این حالت خواندن سوره هایی که سجده ی واجب دارند بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. و خواندن خود آیه ای که سجده ی واجب دارد به فتوا حرام است.
۲. ولی خانم هایی که بچه ی آن ها به روش سزارین متولد می شود بنا بر احتیاط واجب کارهایی را که بر زن نفاس حرام است ترک نمایند و کارهایی را که بر مستحاضه واجب است انجام دهند.

## خون سقط جنین

**۴۹**  اگر زنی سقط جنین کرده باشد، آیا خونی که بعد از سقط جنین بیرون می‌آید نفاس به حساب می‌آید؟

لازم نیست خلقت بچه تمام شده باشد، بلکه اگر ناتمام نیز باشد - در صورتی که عرفاً بگویند زاییده است - خونی که تا ده روز ببیند خون نفاس است. و در صورت شک در صدق زاییدن به نظر عرف، آن خون محکوم به احکام نفاس نیست.

## حد نفاس

**۵۰**  حداقل و حداکثر نفاس چقدر است؟

ممکن است خون نفاس یک آن بیشتر نیاید ولی بیشتر از ده روز نمی‌شود.

**۵۱**  زنی که خون نفاس دیده چه احکامی دارد؟

یک. رساندن جایی از بدن به خط قرآن و اسم مبارک ذات خداوند متعال و سایر اسماء حُسنی<sup>۱</sup> بر او حرام است.

دو. بنا بر احتیاط واجب، کارهایی که بر حائض حرام است بر او نیز حرام می‌باشد.

سه. آنچه بر حائض واجب است بر او نیز واجب است.

چهار. طلاق دادن او باطل است.

پنج. نزدیکی کردن با او حرام است. ولی اگر شوهرش با او نزدیکی کند کفاره ندارد.

۱. مثل رحمان و رحیم

### غسل مس میت

آیا کارهایی مانند توقف در مسجد و خواندن سوره‌هایی که



سجده‌ی واجب دارد بر کسی که مس میت کرده حرام است؟

برای کسی که بعد از مس میت غسل نکرده باشد، توقف در مسجد و جماع و خواندن سوره‌هایی که سجده‌ی واجب دارد مانعی ندارد؛ ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند.

### غسل میت

به مناسبت بیان مسائل غسل میت، بعضی از احکام اموات هم به طور مختصر ذکر می‌گردد.

#### محتضر

مسلمانی را که محتضر است - یعنی در حال جان دادن می‌باشد - مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک، بنا بر احتیاط واجب در صورت امکان به پشت بخوابانند؛ به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد. مستحب است شهادتین و اقرار به دوازده امام علیهم‌السلام و سایر عقاید حق را به کسی که در حال جان دادن است طوری تلقین کنند که بفهمد. و همچنین مستحب است چیزهایی را که ذکر شد تا وقت مرگ تکرار کنند؛ و نیز دعای فرج<sup>۱</sup> را به محتضر تلقین نمایند.

۱. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْخَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

مستحب است که بر بالین محتضر سوره‌ی مبارکه‌ی یس و صفات و احزاب و آیه‌الکرسی و آیه‌ی پنجاه و چهارم از سوره‌ی اعراف و سه آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره، بلکه هر چه از قرآن ممکن است بخوانند.

### احکام بعد از مرگ

بعد از مرگ، مستحب است چشم‌ها و لب‌ها و چانه‌ی میت را ببندند، و دست و پای او را دراز کنند، و پارچه‌ای روی او بپندازند و مؤمنین را برای تشییع جنازه‌ی او خبر کنند. و اگر در شب مرده است، در جایی که مرده چراغ روشن کنند. و در دفن او عجله نمایند. و اگر یقین به مردن او ندارند باید صبر کنند تا معلوم شود.

### احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت

غسل و حنوط و کفن و نماز و دفن مسلمان بر هر مکلفی واجب است؛ و اگر بعضی انجام دهند از دیگران ساقط می‌شود؛ و اگر هیچ کس انجام ندهد، همه معصیت کرده‌اند.

### اجازه از ولی میت

برای غسل، حنوط، کفن، نماز و دفن میت باید از ولی او اجازه گرفت.

ولی میت چه کسی است؟  ۵۳

ولی زن شوهر اوست، و در غیر زن، مردهایی که از میت ارث می‌برند مقدم بر زن‌های ایشانند. و تقدم، تابع تقدم در میراث است.<sup>۱</sup>

۱. کسانی که از انسان ارث می‌برند سه طبقه هستند که با وجود حتی یک نفر از طبقه‌ی اول هیچ‌کدام از طبقه‌ی دوم ارث نمی‌برند. و همچنین است نسبت به طبقه‌ی دوم و سوم. بنابراین با وجود پدر یا پسر میت، اجازه گرفتن از برادر یا پدربزرگ لازم نیست.

### کیفیت غسل میت

واجب است میت را سه غسل بدهند:

(اول) با آبی که با سدر مخلوط باشد.



(دوم) با آبی که با کافور مخلوط باشد.



(سوم) با آب خالص.



### مقدار سدر و کافور

سدر و کافور باید به اندازه‌ای زیاد نباشد که آب را مضاف کند، و به اندازه‌ای هم کم نباشد که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است.

### شرایط غسل

کسی که میت را غسل می‌دهد باید مسلمان دوازده امامی و عاقل و بالغ باشد و مسائل غسل را هر چند به تعلیم دیگری<sup>۱</sup> در اثنای غسل بداند.

۱. یعنی کسی به غسل‌دهنده یاد بدهد و او در همان وقت میت را غسل بدهد.

### روش انجام غسل میت چگونه است؟ ۵۴ ؟

غسل میت مثل غسل جنابت است. و احتیاط واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است میت را غسل ارتماسی ندهند، و در غسل ترتیبی هم باید طرف راست را بر طرف چپ مقدم بدارند. و مخیرند بین این که آب را روی بدن بریزند یا بدن را در آب فرو برند.

#### نکته

کسی را که در حال حیض یا در حال جنابت مرده، لازم نیست غسل حیض یا غسل جنابت بدهند؛ بلکه همان غسل میت برای او کافی است.

### کفن میت



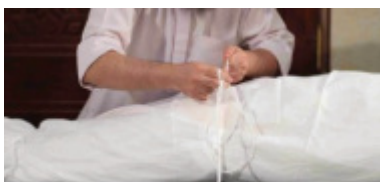
میت مسلمان را باید با سه پارچه که آنها را لنگ و پیراهن و سرتاسری می‌گویند کفن نمایند.

### اندازه‌ی کفن

مقدار واجب از لنگ و پیراهن آن اندازه‌ای است که عرفاً بر آن لنگ و پیراهن گفته شود. ولی احتیاط واجب آن است که لنگ از ناف تا زانو اطراف بدن را بپوشاند، و افضل<sup>۱</sup> آن است که از سینه تا روی پا برسد. و پیراهن باید از سر شانه و - بنا بر احتیاط واجب - تا نصف ساق پا تمام بدن را بپوشاند، و افضل آن است که تا روی پا برسد. و درازای سرتاسری باید به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد؛ و پهنای آن باید به اندازه‌ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید.

۱. یعنی بهتر است

### ضخامت کفن



واجب است که مجموع سه پارچه‌ی کفن طوری باشد که بدن میت از زیر آن پیدا نباشد، بلکه - بنا بر احتیاط واجب - هر یک از سه پارچه‌ی کفن به قدری نازک نباشد که بدن میت از زیر آن پیدا باشد.<sup>۱</sup>

#### نکته

مستحب است انسان کفن خود را تهیه کند؛ و هرگاه به آن نظر کند مأجور است.

### حنوط

بعد از غسل، واجب است میت را حنوط کنند؛ یعنی به پیشانی و کف دست‌ها و سر زانو‌ها و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند. و بنا بر احتیاط مستحب مقداری کافور هم بر این مواضع بگذارند.<sup>۲</sup> و مستحب است به سر بینی میت نیز کافور بمالند. و باید کافور ساییده و تازه باشد؛ و اگر عطر آن به واسطه‌ی کهنگی از بین رفته باشد، کافی نیست.

### ۵۵ آیا مالیدن کافور ترتیب خاصی دارد؟

احتیاط مستحب آن است که اول کافور را به پیشانی میت بمالند. ولی در جاهای دیگر ترتیب لازم نیست.

۱. البته کفن میت شرایط دیگری هم دارد. مثل این که نباید نجس باشد. و همچنین نباید غصبی باشد. بنابراین، اگر کسی کفن خریده و خمس به آن تعلق گرفته باشد، قبل از این که خمس آن را بپردازند نمی‌توانند از آن کفن استفاده کنند.

۲. یعنی بهتر است وقتی کافور را می‌مالند مقداری از آن را بر بدن باقی بگذارند.



**نکته:** مستحب است دو چوب تر و تازه همراه میت در قبر بگذارند.

### نماز میت

نماز خواندن بر میت مسلمان و همچنین بچه‌ای که محکوم<sup>۱</sup> به اسلام و شش سال او تمام شده باشد واجب است.

### وقت نماز میت

نماز میت باید بعد از غسل و حنوط و کفن کردن او خوانده شود؛ و اگر پیش از این‌ها یا در بین این‌ها بخوانند - اگرچه از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد - کافی نیست.

### وضو و نماز میت

کسی که می‌خواهد نماز میت بخواند لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمم باشد و یا بدن و لباسش پاک باشد.

**کسی که بر میت نماز می‌خواند چه نکاتی را باید رعایت نماید؟** ۵۶ ؟

کسی که بر میت نماز می‌خواند باید رو به قبله باشد. ولی باید از جای میت زیاد پست‌تر یا بلندتر نباشد، و اگر پستی و بلندی زیاد نباشد اشکال ندارد. همچنین، نمازگزار باید مقابل میت بایستد.

۱. مثل بچه‌ای که از پدر و مادر مسلمان متولد شده است که تا وقتی ممیز نشده و اظهار اسلام نکرده باشد نمی‌گویند آن بچه مسلمان است، بلکه می‌گویند محکوم به اسلام است. یعنی احکام اسلام را برای او رعایت می‌کنند.

## نکته

کسی که نماز میت را می‌خواند باید مؤمن<sup>۱</sup> باشد.

اگر میت را عمداً یا از روی فراموشی یا به جهت عذری بدون نماز دفن کنند، تا وقتی که جسد او از هم نپاشیده واجب است با شرایطی که برای میت ذکر شد به قبرش نماز بخوانند. و همچنین در صورتی که نمازی که بر او خوانده شده باطل بوده است.

## چگونگی نماز میت

نماز میت پنج تکبیر دارد، و اگر نمازگزار پنج تکبیر را به این ترتیب بگوید کافی است:

بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»

و بعد از تکبیر دوم بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

و بعد از تکبیر سوم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ»

و بعد از تکبیر چهارم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ» و اگر زن است بگوید:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ» و بعد تکبیر پنجم را بگوید.<sup>۲</sup>

باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخواند که نماز از صورت خود خارج نشود. کسی که نماز میت را به جماعت می‌خواند باید تکبیرها و دعاها را آن را هم بخواند اگرچه مأوم باشد.

۱. مؤمن در مسائل فقهی یعنی شیعه‌ی دوازده امامی.

۲. نماز میت را می‌توان به طور مفصل - به نحوی که در رساله‌های عملیه آمده است - هم خواند.

## دفن

واجب است میت را طوری در زمین دفن کنند که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند. و اگر ترس آن باشد که جانوری بدن او را بیرون آورد، باید قبر را با آجر و مانند آن محکم کنند.

### ۵۷ ؟ چگونه باید میت را در قبر بخوابانند؟

میت را باید در قبر به پهلوئی راست طوری بخوابانند که جلوی بدن او رو به قبله باشد.

#### نکته

مستحب است قبر را به اندازه‌ی قد انسان متوسط گود کنند و میت را در نزدیک‌ترین قبرستان دفن نمایند؛ مگر آن که قبرستان دورتر از جهتی بهتر باشد، مثل آن که مردمان خوب در آن جا دفن شده باشند یا مردم برای فاتحه‌ی اهل قبور بیشتر به آن جا بروند.<sup>۱</sup>

## دفن غیر جایز

دفن مسلمان در قبرستان کفار و دفن کافر در قبرستان مسلمانان جایز نیست.



دفن میت در جای غصبی و در زمینی که برای غیر دفن کردن وقف شده جایز نیست.



۱. تا اینجا شش مورد از غسل‌های واجب بیان شد. و مورد هفتم غسلی است که به واسطه‌ی نذر و قسم و مانند این‌ها واجب می‌شود. یعنی اگر انسان نذر کند که فلان غسل مستحب را انجام بدهد، انجام آن غسل مستحب بر او واجب می‌شود. مثلاً کسی نذر کند اگر حاجتم برآورده شد، در روز جمعه غسل جمعه را به جا می‌آورم.

## دفن مسلمان در کشور غیر اسلامی



اگر مسلمانی در یکی از ۵۸ ؟

کشورهای غیر اسلامی از دنیا  
برود، آیا می‌شود او را در همان  
قبرستان کفار دفن کرد؟

خیر. دفن مسلمان در قبرستان کفار و دفن کافر در قبرستان مسلمانان  
حرام است.

در کشوری زندگی می‌کنیم که قبرستانی برای مسلمانان اختصاص ۵۹ ؟

داده نشده است. اگر شخص مسلمانی از دنیا برود، وظیفه‌ی ما نسبت  
به دفن او چیست؟

اگر ممکن است او را در غیر قبرستان و در جایی که بی‌احترامی به او  
حساب نشود دفن نماییم. و اگر دفن او در غیر قبرستان ممکن نیست، باید  
میت را به جایی منتقل کنید که قبرستانی برای مسلمانان داشته باشد.

## غسل‌های مستحب

در شرع مقدس اسلام غسل‌هایی مستحب است و از آن جمله است:

❖ غسل جمعه؛ و وقت آن بعد از اذان صبح است تا ظهر، و بهتر آن است که  
نزدیک ظهر به جا آورده شود. و اگر تا ظهر انجام ندهد، بهتر است که  
بدون نیت ادا و قضا، تا غروب به جا آورد. و اگر در روز جمعه غسل نکند،  
مستحب است از صبح شنبه تا غروب قضای آن را به جا آورد. و کسی که  
می‌داند در روز جمعه آب پیدا نخواهد کرد، می‌تواند غسل را روز پنجشنبه

رجاء<sup>۱</sup> انجام دهد.

- ❖ غسل شب اول، هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم، بیست و سوم و بیست و چهارم ماه مبارک رمضان.
- ❖ غسل روز عید فطر و عید قربان.
- ❖ غسل زیارت سیدالشهداء (علیه السلام) از نزدیک.



- ❖ غسل توبه از فسق و کفر.

---

۱. رجاء یعنی به امید ثواب و امید مطلوبیت نزد خدای متعال. وقتی مستحب بودن عملی برای انسان ثابت شود می تواند آن عمل را به قصد عمل مستحب به جا آورد. ولی وقتی استحباب آن ثابت نشود ولی احتمال استحباب باشد می تواند آن عمل را رجاء انجام دهد. یعنی به امید اینکه اگر آن عمل در نزد خداوند متعال مستحب باشد به ثواب آن برسد.



## تیمم

### باطل شدن تیمم

اگر به واسطه‌ی نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند، بعد از برطرف شدن عذر تیمم او باطل می‌شود. و چیزهایی که وضو را باطل می‌کند تیمم بدل از وضو را هم باطل می‌کند؛ و چیزهایی که غسل را باطل می‌نماید تیمم بدل از غسل را هم باطل می‌نماید.

### تیمم بدل از غسل

آیا تیمم بدل از غسل جای وضو را می‌گیرد؟ 

اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند لازم نیست برای نماز وضو بگیرد؛ ولی اگر بدل از غسل‌های دیگر تیمم کند باید وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد باید تیمم دیگری هم بدل از وضو بنماید.

کسی که تیمم بدل از غسل جنابت کرده اگر مبطلات وضو 

برایش اتفاق افتاد وظیفه‌اش چیست؟

اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند و بعد یکی از مبطلات وضو پیش آید،

اگر برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید مجدداً بدل از غسل، تیمم نماید و بنا بر احتیاط مستحب وضو هم بگیرد.

## نماز

قبل از ورود در احکام نماز اشاره به دو نکته لازم است:

**(اول) اهمیت نماز:** در قرآن مجید نزدیک به صد مورد از نماز گفتگو شده که اشاره به دو مورد آن کافی است:

**یک- بعد از آن که خداوند متعال حضرت ابراهیم علیه السلام را به مقام نبوت و رسالت و خُلت<sup>۱</sup> اختیار نمود و به کلمات آزمایش و مبتلا کرد و آن حضرت کلمات را اتمام نمود، به مقام امامت نایل شد. و آن قدر عظمت مقام امامت - بعد از آن همه مقامات - در نظرش جلوه کرد که: ﴿قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾<sup>۲</sup> (گفت و از برای فرزندان من هم؟). جواب شنید: ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾<sup>۳</sup> (پیمان من به ظالمین نمی‌رسد). و در عظمت نماز همین اندازه بس که آن کس که خداوند متعال برای او مقام امامت را خواست و او هم برای ذریه‌اش مسألت کرد - بعد از طی تمام مقدمات - در جوار خانه‌ی خدا از خداوند متعال**

---

۱. دوستی

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۴

۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۴

چنین خواست: ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾<sup>۱</sup> (پروردگارا مرا اقامه کننده‌ی نماز قرار بده و ذریه‌ی مرا). و همچنین بعد از آن که ذریه‌ی خود را در نزد بیت مسکن داد، گفت: ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾<sup>۲</sup> (پروردگارا ما، هر آینه من از ذریه‌ی خودم مسکن دادم به بیابان بدون زرع نزد خانه‌ی محترم تو، پروردگارا برای اینکه اقامه‌ی نماز نمایند).

**دو-** در قرآن مجید یک سوره به نام مؤمنون وجود دارد که در آن مؤمنان به خصوصیات معرفی شده‌اند. و اول خصوصیتی که به آن ابتدا شده این است که: ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾<sup>۳</sup> (آنان که همانا در نمازشان خاشعند) و آخر خصوصیتی هم که به آن ختم می‌شود: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾<sup>۴</sup> (و آن چنان کسانی که همانها بر نمازهایشان محافظت دارند). پس افتتاح ایمان و ختم ایمان به نماز است. ثمره‌ی آن هم این آیه است: ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ \* الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾<sup>۵</sup>.

و از سنت<sup>۶</sup> همین اندازه بس که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: بعد از معرفت خدا چیزی را افضل از این صلوات پنج‌گانه نمی‌دانم. و

۱. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۴۰

۲. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۳۷

۳. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۲

۴. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۹

۵. سوره‌ی مؤمنون، آیات ۱۰ و ۱۱

۶. روایات چهارده معصوم علیهم السلام

عدم علم از سوی آن حضرت علم به عدم است.<sup>۱</sup> و این روایت بیان کلام خداست که خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾.<sup>۲</sup> بعد از ایمان به غیب اقامه‌ی نماز ذکر شده است.

و در عظمت نماز همین اندازه کفایت می‌کند که جامع‌تر از نماز بین عبادات عبادتی یافت نمی‌شود. زیرا این عبادتی است مشتمل بر عبادت فعلی و نیز عبادت قولی. و عبادت فعلی آن شامل افعال عبادی از رکوع و سجود و قیام و قعود است. و عبادت قولی آن شامل قرائت و ذکر. و جامع جمیع معارف الهیه از تسبیح و تکییر و تحمید و تهلیل که ارکان اربعه‌ی معارف حضرت حق سبحانه و تعالی است، و مشتمل است بر تمام عبادات ملائکه‌ی مقربین، که عده‌ای از آنها عبادتشان در قیام است و عده‌ای در قعود و جمعی در رکوع و جمعی در سجود.

**(دوم)** انسان مواظب باشد که به عجله و شتاب‌زدگی نماز نخواند و در حال نماز به یاد خدا و با خضوع و خشوع و وقار باشد. و متوجه باشد که با چه کسی سخن می‌گوید. و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم ناچیز ببیند. و نیز باید نمازگزار توبه و استغفار نماید و گناہانی را که مانع قبول شدن نماز است مانند حسد، کبر، غیبت، خوردن حرام، آشامیدن مسکرات، ندادن خمس و زکات و بلکه هر معصیتی را ترک نماید. و همچنین سزاوار است کارهایی را که ثواب

۱. وقتی حضرت ﷺ می‌فرماید (چیزی را بهتر از نمازهای پنج‌گانه نمی‌دانم) یعنی می‌دانم که چیزی بهتر از نمازهای پنج‌گانه نیست.

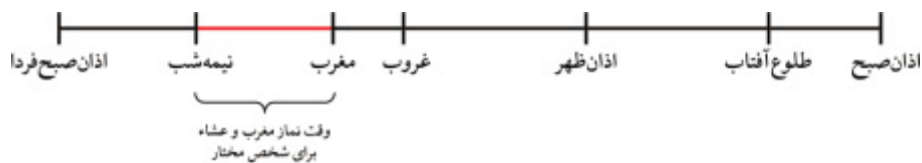
۲. سوره‌ی بقره، آیات ۲ و ۳

نماز را کم می‌کند به جا نیاورد. به عنوان نمونه، در حال خواب‌آلودگی و خودداری از بول به نماز نایستد و در موقع نماز به آسمان نگاه نکند. و نیز کارهایی را که ثواب نماز را زیاد می‌کند به جا آورد. برای مثال، انگشتر عقیق به دست کند و لباس پاکیزه بپوشد و شانه و مسواک کند و خود را خوشبو نماید.

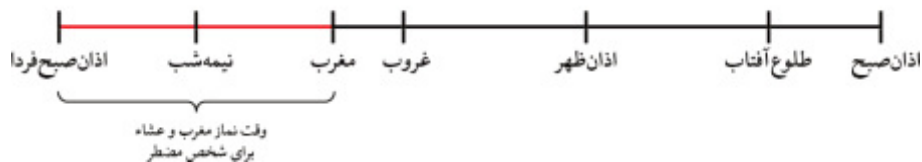


## وقت نماز مغرب و عشا

احتیاط واجب آن است که نماز مغرب را از پنهان شدن قرص خورشید تأخیر بیندازد تا سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود از بالای سر انسان بگذرد.



وقت نماز مغرب و عشا برای مختار تا نیمه شب امتداد دارد، و اما برای مضطر، به جهت خواب یا فراموشی یا حیض یا غیر این‌ها، تا طلوع فجر صادق<sup>۱</sup> امتداد دارد. اگر عمدا نماز مغرب یا عشا را تا نصف شب نخواند<sup>۲</sup>، احوط آن است که تا قبل از اذان صبح بدون اینکه نیت ادا و قضا کند آن نماز را به‌جا آورد.<sup>۳</sup>



## اذان

آیا زن می‌تواند برای نماز جماعت اذان بگوید؟ **۶۲**

اذان و اقامه‌ی نماز جماعت را باید مرد بگوید، ولی در نماز جماعت زنان اگر زن اذان و اقامه بگوید کافی است.

۱. فجر صادق یعنی وقت اذان صبح

۲. گناه کرده است

۳. یعنی بنا بر احتیاط واجب به قصد مافی‌الذمة بخواند.

## لباس شهرت و موهن

پوشیدن لباسی که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می‌خواهد آن را بپوشد معمول نیست در صورتی که موجب هتک حرمت او یا موجب شهرت و انگشت‌نما شدنش بشود حرام است؛ و اگر در نماز با آن ستر عورت کند، بعید نیست که حکمش حکم لباس غضبی باشد.

## مواردی که لازم نیست بدن و لباس نمازگزار پاک باشد

در سه صورت اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد نماز او صحیح است:

**(اول)** آن که به واسطه‌ی زخم یا جراحت یا دُم‌لی که در بدن اوست، لباس یا بدنش به خون آلوده شده باشد.<sup>۱</sup>



**(دوم)** آن که بدن یا لباس او به مقدار کمتر از درهم به خون آلوده باشد، و اندازه‌ی درهم - از جهت عفو خون - کمتر از آن در نماز - تقریباً به مقدار بند سر انگشت سبابه (شهادت) می‌باشد.

**(سوم)** آن که ناچار باشد با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

۱. البته باید به نحوی باشد که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای نوع مردم مشقت داشته باشد. ولی اگر خیلی سخت نباشد باید با بدن و لباس پاک نماز بخواند.

## آهسته و بلند خواندن

حمد و سوره‌ی نمازهای صبح و مغرب و عشاء مرد

بلند

حمد و سوره‌ی نمازهای ظهر و عصر  
حمد یا تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم

آهسته

حمد و سوره‌ی نمازهای صبح و مغرب و عشاء زن  
(اگر نامحرم صدایش را نشنود)

اختیاری

ذکر و دعا و تشهد و سلام

## سجده

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است عبارتند از:

خاک



سنگ



چوب



سجده باید بر زمین و چیزهای غیر خوراکی و پوشاکی که از زمین می‌روید - مانند چوب و برگ درخت<sup>۱</sup> - باشد. و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی، مانند گندم و جو و پنبه، و چیزهایی که زمین و رویدنی از زمین بر آنها صدق نمی‌کند، مانند طلا و نقره و قیر و زفت و امثال اینها صحیح نیست؛ و همچنین است بنا بر احتیاط واجب، سجده بر سنگ‌های گران‌بها مانند زمرد و فیروزه.



### سجده بر کاغذ

آیا سجده بر کاغذ صحیح است؟ ۶۳ ؟



اگر کاغذ را از چیزی که سجده بر آن صحیح است - مثلاً از کاه - ساخته باشند، می‌شود بر آن سجده کرد، ولی سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد محل اشکال<sup>۲</sup> است.

۱. که خوردنی نباشد

۲. یعنی بنا بر احتیاط واجب، سجده بر آن صحیح نیست.

### بهترین چیز برای سجده



برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام می باشد. بعد از آن، خاک، بعد از خاک، سنگ، و بعد از سنگ، گیاه است.

#### نکته

اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد، باید برای سجده دوم مهر را بردارد.

سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام می باشد. و بعضی از مردم که مقابل قبر امامان علیهم السلام پیشانی را به زمین می گذارند، اگر برای شکر خداوند متعال باشد اشکال ندارد و گرنه حرام است.

### نماز در هواپیما و مانند آن

اگر سوار هواپیما یا قطار و مانند این ها بشویم و وقت نماز فرا برسد ۶۴ ؟ وظیفه ی ما چیست؟ آیا نماز خواندن همچنان واجب است؟



بلی؛ واجب است. و اگر رعایت جهت قبله و آرامش بدن در حال نماز امکان ندارد اما وقت نماز وسعت دارد به نحوی که بعد از پیاده شدن از هواپیما باز هم وقت برای خواندن نماز باشد، نباید

در هواپیما نماز بخواند. بلکه، باید صبر کند و بعد از پیاده شدن با رعایت تمام شرایط، نمازش را به جا آورد.<sup>۱</sup>

اگر وقت تنگ بود و وظیفه این شد که در هواپیما و مانند آن نماز بخوانیم، لطفاً روش نماز خواندن در آن جا را به ترتیب سوالات زیر بیان فرمایید.



الف- اگر وضو نداشتیم وظیفه چیست؟

سعی کنید همیشه قبل از سوار شدن به نیت این که وضو مستحب است وضو بگیرید که در هواپیما به مشکل برنخورید. و اگر وضو نداشتید، چنانچه ممکن است باید در همان هواپیما با رعایت تمام شرایط، وضو بگیرید. و اگر شرایط برای وضو گرفتن به هیچ وجه فراهم نشد باید با رعایت تمام شرایط تیمم نمایید.

ب- اگر نه شرایط برای وضو گرفتن فراهم بود و نه چیزی برای تیمم کردن، در این صورت وظیفه چیست؟

در چنین حالتی، نماز خواندن بر شما واجب نیست. ولی بهتر است بدون وضو و تیمم نماز بخوانید. و باید بعداً قضای آن را به جا آورید.

ج- وظیفه‌ی ما نسبت به قبله در هواپیما چیست؟

اگر قبله معلوم باشد باید نمازتان را به سمت آن بخوانید؛ و اگر معلوم نباشد

۱. در صورت امکان، بلیطی تهیه نماید که تمام وقت نماز را در هواپیما نباشد.

باید از دیگران (مثلاً خدمه‌ی هواپیما) بپرسید. و اگر به هیچ وجه جهت قبله معلوم نشد، به هر سمتی که گمان دارید قبله باشد نماز بخوانید. و اگر به هیچ طرفی گمان ندارید، به هر طرفی که نماز بخوانید کافی است.

د- اگر در حال نماز خواندن هواپیما از جهت قبله منحرف شود، وظیفه چیست؟

باید سکوت کرده و چیزی نخوانید و به طرف قبله بچرخید و بعد نماز را ادامه دهید.

ه- اگر امکان رکوع رفتن در هواپیما نبود - مثلاً صندلی یا مسافران دیگر مانع خم شدن او باشند - وظیفه چیست؟



هرگاه نتوانید به اندازه‌ی رکوع شرعی<sup>۱</sup> خم شوید، بنا بر احتیاط واجب باید رکوع عرفی<sup>۲</sup> به جا آورید و با سر هم در حال ایستاده به رکوع اشاره

۱. یعنی به اندازه‌ای خم شوید که سر انگشتان به سر زانوهای برسد.

۲. یعنی به اندازه‌ای خم شوید که مردم بگویند به رکوع رفته‌اید؛ هرچند که سر انگشتان دست به زانو نرسد.

نمایید.<sup>۱</sup> و اگر نتوانید به اندازه‌ی رکوع عرفی هم خم شوید یا هیچ نتوانید خم شوید، بنا بر احتیاط واجب موقع رکوع بنشینید و نشسته رکوع کنید و نماز دیگری نیز بخوانید و برای رکوع آن در حال ایستاده با سر اشاره نمایید.

### و- اگر امکان سجده رفتن در هواپیما نبود وظیفه چیست؟

اگر ممکن است سجده را روی همان صندلی که نشسته‌اید به جا آورید. یعنی مهر یا چیزی دیگری که سجده بر آن صحیح است را روی جایی که هم سطح جای نشستن است قرار دهید و روی آن سجده نمایید. و اگر همین مقدار هم امکان نداشت، باید با سر برای سجده اشاره نمایید.

### نماز زن باردار (یا شخص ناتوان)

با توجه به این که خواندن نماز با رکوع یا سجده‌ی کامل برای زن باردار سخت است، روش نماز خواندن او چگونه باید باشد؟

این مسأله چند حالت دارد:

**حالت اول:** اگر تحمل آن سختی برای او حرجی (خیلی سخت) نباشد و رکوع یا سجده‌ی کامل برای جنین یا خود او ضرری نداشته باشد، باید نمازش را به طور متعارف بخواند.

**حالت دوم:** اگر انجام رکوع شرعی<sup>۲</sup> برای او خیلی سخت باشد یا

۱. یعنی به نیت رکوع، مقداری سر را به طرف پایین بیاورید و ذکر رکوع را بگویید.

۲. یعنی به اندازه‌ای خم شود که سر انگشتان به زانو برسد.

اینکه برای جنین یا خود او ضرر داشته باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید رکوع عرفی<sup>۱</sup> به جا آورد و با سر هم در حال ایستادن اشاره به رکوع نماید.<sup>۲</sup> و اگر نتواند به اندازه‌ی رکوع عرفی هم خم شود، یا هیچ نتواند خم شود، بنا بر احتیاط واجب، موقع رکوع بنشیند و نشسته رکوع کند و نماز دیگری هم بخواند و برای رکوع آن، در حال ایستادن با سر اشاره نماید.

**حالت سوم:** اگر برای سجده، رساندن پیشانی به زمین برای او خیلی سخت باشد، یا این که برای جنین یا خود او ضرر داشته باشد، باید به قدری که می‌تواند خم شود، و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است روی چیز بلندی گذاشته و طوری پیشانی را بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است، ولی باید کف دست‌ها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول به زمین بگذارد. و اگر اصلاً نمی‌تواند سجده نماید، باید برای سجده با سر اشاره کند.

**حالت چهارم:** اگر خود سجده برایش مشکل نباشد ولی این که بخواهد از حالت ایستاده به سمت زمین برود برایش خیلی سخت باشد یا برای جنین یا خود او ضرر داشته باشد، باید برای سجده، روی صندلی بنشیند و مهر را روی میزی که حدوداً هم‌سطح ارتفاع صندلی اوست گذاشته و روی آن سجده نماید، و در این حالت، بنا بر احتیاط واجب، انگشت‌های بزرگ پا را در صورت امکان، روی زمین بگذارد.

۱. یعنی به اندازه‌ای خم شود که مردم بگویند به رکوع رفته است، اگر چه سرانگشتان دست به زانو نرسد.

۲. یعنی به نیت رکوع مقداری سر را به طرف پایین بیاورد و ذکر رکوع را بگوید.

## شب و روز غیر متعارف



۶۷ ؟ در بعضی کشورها، شب و روز غیر متعارف است. به عنوان مثال، گاهی شب آن بیست و دو ساعت و روز آن دو ساعت است یا بالعکس. حکم نماز در این سرزمین‌ها چیست؟ باید نمازتان را در اوقات شرعی آن به جا آورید هرچند که شب و روز آن غیرمتعارف باشد.

۶۸ ؟ در بعضی از کشورها گاهی خورشید اصلاً غروب نمی‌کند، مثلاً شش ماه. وظیفه‌ی انسان نسبت به نماز در چنین مکان‌هایی چیست؟ اگر فرض شود که مکلف در محلی است که روز آن شش ماه و شب آن نیز شش ماه است و می‌تواند از آن جا به جای دیگری برود که در بیست و چهار ساعت، شب و روز دارد و نمازش را در وقت شرعی آن به جا آورد، واجب است منتقل شود. و اگر نمی‌تواند به جای دیگری برود، بنا بر احتیاط واجب، در هر بیست و چهار ساعت، یک بار نمازهای پنج‌گانه را خوانده و قضای آن‌ها را نیز به جا آورد.

## اوقات شرعی در کشورهای غیر اسلامی

تشخیص اوقات شرعی برای نماز در کشورهای غیر اسلامی چگونه است؟ 

اگر شخص وقت شناس مورد اطمینان وقت نماز را اعلام کند، چنانچه گمان بر خلاف گفته‌ی او ندارید، طبق آن عمل کنید. همچنین، اگر مراکز اسلامی وقت نماز را اعلام کنند و برای انسان علم یا اطمینان حاصل شود، باید طبق اعلام آنها عمل نمایید. و اگر شخص یا مرکزی نبود، می‌توانید احکام وقت نماز را فرا گرفته و شخصا نسبت به تشخیص وقت نماز اقدام کنید. و اگر این هم برایتان مقدور نبود، باید احتیاط نمایید. یعنی به قدری صبر کنید که مطمئن شوید وقت نماز فرا رسیده است.

## ورود کافر به مسجد



وقتی برای نماز  به مسجد می‌رویم، بعضی از همکاران ما که کافر هستند دوست دارند همراه

ما به مسجد بیایند. آیا راه دادن آنها به مسجد جایز است؟

اگر وارد شدن کفار به مسجد موجب بی‌احترامی و هتک حرمت مسجد شود یا به نحوی است که با ورود آنها، مسجد نجس می‌شود، راه دادن آنان حرام است. و اگر هتک حرمت نیست و باعث نجاست هم نمی‌شود، بنا بر احتیاط واجب، حرام است.

## شکیات

شکیات نماز بیست و سه قسم است. هشت قسم آن شک‌هایی است که نماز را باطل می‌کند هرچند بطلان در بعضی از آنها مبنی بر احتیاط<sup>۱</sup> است. و به شش قسم آن نباید اعتنا کرد. و نه قسم دیگر آن صحیح است.

### شک‌های باطل‌کننده

بعضی از شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند از این قرار است:

**(اول)** شک در شماره‌ی رکعت‌های نماز دو رکعتی واجب مانند نماز صبح و نماز مسافر. ولی شک در شماره‌ی رکعت‌های نماز مستحب و نماز احتیاط نماز را باطل نمی‌کند.

**(دوم)** شک در شماره‌ی رکعت‌های نماز سه رکعتی.

**(سوم)** آن که در نماز چهار رکعتی شک کند که یک رکعت خوانده یا بیشتر.

**(چهارم)** آن که در نماز چهار رکعتی، پیش از تمام شدن ذکر سجده‌ی دوم، شک کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر.

**(پنجم)** شک در رکعت‌های نماز به این صورت که نداند چند رکعت خوانده است.

#### نکته

اگر یکی از شک‌های باطل‌کننده برای انسان پیش آید، باید به قدری فکر کند که آن شک مستقر<sup>۲</sup> شود و بعد از آن می‌تواند نماز را به هم بزند. و بهتر آن است که به قدری فکر کند که صورت نماز به هم بخورد.

۱. یعنی در بعضی موارد، نماز بنا بر احتیاط واجب باطل می‌شود.

۲. یعنی پابرجا بماند و ذهن او به یک طرف مایل نشود.

## شک‌های غیر قابل اعتنا

شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد از این قرار است:

- (اول) شک در چیزی که محل به جا آوردن آن گذشته است. مثل آن که در رکوع شک کند که حمد را خوانده یا نه.
- (دوم) شک بعد از سلام نماز.
- (سوم) شک بعد از گذشتن وقت نماز.
- (چهارم) شک کثیرالشک، یعنی کسی که زیاد شک می‌کند.
- (پنجم) شک امام در شماره‌ی رکعت‌های نماز، در صورتی که شماره‌ی آنها را مأوم بداند. و همچنین شک مأوم در صورتی که امام شماره‌ی رکعت‌های نماز را بداند.
- (ششم) شک در نمازهای مستحبی و نماز احتیاط.

## شک‌های صحیح

در نه صورت، اگر در شماره‌ی رکعت‌های نماز چهار رکعتی شک کرد باید فکر کند و بنا بر احتیاط واجب تأخیر نیندازد. پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا کرد، همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند؛ وگرنه به دستورهایی که بیان می‌شود عمل نماید. و بعضی از این نه صورت عبارتند از:

- (اول) آن که بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده‌ی دوم شک کند که دو رکعت خوانده است یا سه رکعت؛ که باید بنا بر این بگذارد که سه رکعت خوانده است و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک

رکعت نماز احتیاط ایستاده به جا آورد.

**(دوم)** شک بین سه و چهار که در هر جای نماز باشد باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند. و بنا بر مشهور، بعد از نماز نیز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد. ولی احتیاط واجب آن است که دو رکعت نماز نشسته را اختیار کند.

**(سوم)** شک بین چهار و پنج بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده‌ی دوم؛ که باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز نیز دو سجده‌ی سهو به جا آورد.

**(چهارم)** شک بین چهار و پنج در حالی که ایستاده است؛ که باید بنشیند و تشهد بخواند و سلام نماز را بدهد. و بنا بر مشهور، بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد. ولی احتیاط واجب آن است که دو رکعت نماز نشسته را اختیار کند.

#### نکته

اگر یکی از شک‌های صحیح برای انسان پیش آید نباید نماز را بشکند، بلکه باید به دستوری که برای آن شک هست عمل نماید.

### نماز احتیاط

کسی که نماز احتیاط بر او واجب است باید بعد از سلام نماز فوراً نیت نماز احتیاط نموده و تکبیر بگوید و حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید. پس اگر یک رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده تشهد بخواند و سلام دهد. نماز احتیاط سوره و قنوت ندارد. و باید آن را آهسته بخواند؛ و نیت آن را به زبان نیاورد؛ و بنا بر احتیاط واجب «بِسْمِ اللَّهِ» آن را هم آهسته بگوید.

### سجده‌ی سهو

برای پنج چیز باید بعد از سلام نماز دو سجده‌ی سهو به دستوری که می‌آید به جا آورد:

**(اول)** آن که در حین نماز سهوا حرف بزند.

**(دوم)** آن که تشهد را فراموش کند.

**(سوم)** آن که در نماز چهار رکعتی بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده‌ی دوم شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت. و همچنین در شک بین پنج و شش در حال ایستادن.

**(چهارم)** آن که بنا بر احتیاط واجب جایی که نباید سلام نماز را بدهد - مثلاً در رکعت اول - سهوا سلام بدهد.

**(پنجم)** آن که بنا بر احتیاط واجب یک سجده را فراموش کند. و همچنین برای هر چیزی که در نماز اشتباها کم یا زیاد کند.

### دستور سجده‌ی سهو

دستور سجده‌ی سهو این است که بعد از سلام نماز فوراً نیت سجده‌ی سهو نموده و پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد؛ و احتیاط واجب آن است که سایر مواضع سجده را هم بر زمین بگذارد و این ذکر را بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ». و بعد باید بنشینند و دوباره به سجده رود و ذکر را که گذشت بگوید و بنشینند و بعد از تشهد سلام دهد. و احتیاط واجب آن است که تشهد به نحو متعارف باشد و در سلام بگوید: «أَلَسَّلَامُ عَلَيْكُمْ».

## نماز مسافر

### ملاک در مبدأ مسافرت شرعی

۷۱ ؟ ملاک برای محاسبه‌ی مسافت بین مبدأ و مقصد چیست؟ آیا باید

مسافت را از درب منزل حساب کنیم؟ یا از محله؟ و یا از اول شهر؟  
ملاک فاصله‌ی آخرین نقطه‌ی شهر یا روستایی است که از آن خارج می‌شوید تا اولین نقطه‌ی جایی که مقصد شماست. و فرقی بین شهرهای بزرگ و کوچک نیست. بنابراین، اگر آن شهر یا روستا دیوار دارد باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوار آن حساب کند. و اگر دیوار ندارد، باید از خانه‌های آخر آن جا حساب نماید.<sup>۱</sup>

### بلاد کبیره (شهرهای بزرگ)

۷۲ ؟ برای محاسبه‌ی مسافت شرعی آیا بین شهرهای بزرگ و

کوچک تفاوتی وجود دارد؟ و آیا در شهرهای بزرگ باید مسافت شرعی را از درب منزل محاسبه نمود؟

بلاد کبیره (شهرهای بزرگ) تا زمانی که به عنوان «شهر واحد» نامیده شوند، هر مقدار هم بزرگ باشند فرقی با شهرهای کوچک ندارند.

۷۳ ؟ اگر کسی در شهرهای بزرگ از یک محل به محل دیگر - داخل

همان شهر - برود و به حد مسافت شرعی برسد، حکم نماز در آن

۱. با توجه به مطلب فوق، مسافت بین آخرین خانه‌های مسکونی متصل به هم شهر یا روستای مبدأ تا اولین خانه‌های مسکونی متصل به هم مقصد، ملاک برای محاسبه‌ی مسافت شرعی است.

### محل به چه صورت است؟

بلاد کبیره (شهرهای بزرگ) تا زمانی که به عنوان «شهر واحد» نامیده شوند، هر مقدار هم که بزرگ باشند؛ اگر از یک طرف به طرف دیگر این شهرها - که به مقدار مسافت شرعی یا بیشتر باشد - سیر شود، نماز تمام (چهار رکعتی) است. و این جابجایی، سفر شرعی به حساب نمی‌آید.

### حد ترخص

حد ترخص یعنی شخص مسافر به قدری از وطن خود دور شود که شخصی که قدرت شنوایی او متوسط است صدای معمولی اذان آن مکان (شهر) را نشنود.<sup>۱</sup> و اگر اهل شهر را - به شرط نبودن مانع - نبیند یقیناً به حد ترخص رسیده است. و در این صورت، باید نمازش را شکسته بخواند. و مسافری که به وطنش باز می‌گردد، وقتی صدای اذان آن جا را بشنود باید نمازش را تمام (چهار رکعتی) بخواند.<sup>۲</sup>

البته، باید توجه داشت که حد ترخص فقط مربوط به وطن و جایی است که در حکم وطن می‌باشد. بنابراین، اگر شخصی در جایی قصد ده روز نموده باشد یا سی روز مردد در آن جا مانده باشد، همین که شروع به خارج شدن از آن محل کرد، نمازش شکسته است.

۱. البته نه صدای با بلندگو و امثال آن

۲. اگر کسی قصد داشته باشد هشت فرسخ یا بیشتر مسافرت کند، همان وقتی که به حد ترخص رسید نمازش شکسته می‌شود. ولی اگر کسی قصد دارد کمتر از مسافت شرعی مسافرت کند، در این صورت، حتی اگر از حد ترخص هم بگذرد نمازش تمام (چهار رکعتی) است.

## کثیر السفر

کثیر السفر (کسی که زیاد سفر می کند) سه قسم است:

### اول: کسی که شغلش سفر (مسافرت کردن) است



کسانی که خود سفر کردن شغل آنهاست - مانند راننده، خلبان، ملوان و امثال اینها - هرچند برای بردن اثاثیه‌ی منزل خود مسافرت کنند، باید نماز را - طبق شرایطی که ذکر می شود - تمام (چهار رکعتی) بخوانند. البته مدار بر این است که عرفاً بگویند شغلش سفر است؛ به عنوان مثال، بگویند کار او رانندگی است.

### دوم: کسی که شغلش در سفر است

کسانی که خود سفر کردن شغل آنها نیست؛ بلکه شغل آنها در سفر است. این دسته افراد باید نماز خود را - طبق شرایطی که ذکر می شود - تمام (چهار رکعتی) بخوانند. مانند کسی که اقامتش در محلی و کارش در محلی دیگر است به گونه‌ای



که بیشتر روزها یا مثلاً یک روز در میان برای انجام کار مسافرت می کند - مثلاً برای تجارت، تدریس، طبابت و....

### ✓ اما تفصیل حکم نماز این دو گروه:

کسی که شغلش سفر یا در سفر است چهار حالت پیدا می کند<sup>۱</sup>:

۱. در رابطه با این دو گروه باید دو مطلب روشن گردد تا حکم آن معلوم شود:

الف - تعداد سفرها در ماه

ب - مدتی که می خواهد این کار را ادامه دهد

**حالت اول:** کمتر از یک ماه می‌خواهد این کار را ادامه دهد. در این حالت، نمازش شکسته است.

**حالت دوم:** از یک ماه تا کمتر از سه ماه می‌خواهد این کار را ادامه دهد. این حالت دو صورت دارد:

■ **صورت اول:** یک روز در هفته به سفر می‌رود. در این صورت، نمازش شکسته است.

■ **صورت دوم:** دو روز در هفته یا بیشتر به سفر می‌رود. در این صورت، بنا بر احتیاط واجب، نماز خود را هم شکسته و هم تمام (چهار رکعتی) بخواند.

**حالت سوم:** سه ماه یا بیشتر می‌خواهد این کار را ادامه دهد. این حالت دارای سه صورت است:

■ **صورت اول:** یک روز در هفته به سفر می‌رود. در این صورت، نمازش شکسته است.

■ **صورت دوم:** دو یا سه روز در هفته به سفر می‌رود. در این صورت، بنا بر احتیاط واجب، نمازش را هم شکسته و هم تمام (چهار رکعتی) بخواند.

■ **صورت سوم:** نیمی از هفته یا چهار روز در هفته یا بیشتر به سفر می‌رود. در این صورت، نمازش تمام (چهار رکعتی) است.<sup>۱</sup>

---

۱. بنابراین، کسی که می‌داند یک تا چهار روز در ماه به سفر می‌رود، نمازش شکسته است. و کسی که پنج تا چهارده روز در ماه به مسافرت می‌رود، بنا بر احتیاط واجب، بین نماز تمام و شکسته جمع نماید. و کسی که پانزده روز در ماه یا بیشتر مسافرت می‌کند، نمازش تمام (چهار رکعتی) است.

**حالت چهارم:** نمی‌داند کمتر از یک ماه است یا بیشتر. در این حالت، باید نمازش را شکسته بخواند.

در جدول زیر، حکم نماز کثیر السفر شغلی به خوبی و به اختصار بیان شده است.

| تعداد ماهها در سال            | تعداد روزها در هفته | حکم نماز          |
|-------------------------------|---------------------|-------------------|
| کمتر از یک                    | هر مقدار که باشد    | شکسته             |
| یک تا کمتر از سه              | یک                  | شکسته             |
|                               | دو یا بیشتر         | جمع (احتیاط واجب) |
| سه و بیشتر                    | یک                  | شکسته             |
|                               | دو یا سه            | جمع (احتیاط واجب) |
|                               | نصف هفته یا بیشتر   | تمام              |
| نداند کمتر یا بیشتر از یک است | —                   | شکسته             |

### شک در تعداد سفرها در یک ماه

شخصی کاری را شروع کرده ولی از تعداد سفرهایش اصلاً اطلاعی ندارد. به عنوان مثال، نمی‌داند در ماه یا در هفته چند روز به سفر کاری می‌رود. در این صورت، حکم نماز او چیست؟  
چنین شخصی باید نمازش را شکسته بخواند.



### سفر غیر شغلی برای کثیر السفر شغلی

کسی که شغلش مسافرت است و همچنین کسی که شغلش در سفر است اگر برای کار دیگری - مانند زیارت یا حج - سفر کند، حکم نمازش چه می‌شود؟  
چنین شخصی باید نمازش را شکسته بخواند.<sup>۱</sup>

### سفر اول کثیر السفر

کسی که می‌خواهد تازه مشغول کار رانندگی و مانند آن شود و نیز کسی که می‌خواهد مشغول کاری شود که در سفر است، از سفر چندم باید نمازش را تمام بخواند؟ آیا از همان سفر اول نماز او تمام است؟  
بلی. از همان سفر اول نماز چنین شخصی تمام (چهار رکعتی) است.

### سفر راننده برای تعمیر ماشین

کسی که شغلش سفر بوده و نمازش نیز در سفر تمام است در صورتی که در سفر شغلی ماشینش خراب شود و برای تعمیر ماشین و آوردن تعمیرکار مجبور باشد با ماشین دیگری مسافت شرعی را طی نماید، حکم نماز او چگونه است؟  
این سفر نیز متعلق به شغل اوست. بنابراین، نمازش در آن تمام (چهار رکعتی) است.

۱. البته، اگر راننده‌ای ماشین خود را برای سفر زیارتی کرایه دهد و در ضمن، خودش هم به زیارت برود، در این صورت، باید نماز خود را تمام (چهار رکعتی) بخواند.

### مقصدهای متفاوت

کثیر السفري که به سفر کاری می‌رود، آیا لازم است همیشه مقصد او یکی باشد یا اگر به مقصدهای متفاوت هم مسافرت کند باز هم نمازش تمام است؟



چنین شخصی برای اینکه نمازش تمام باشد لازم نیست همیشه در یک مسیر یا به یک مکان خاص مسافرت نماید. بلکه، اگر در مسیرهای متفاوت و یا به مکان‌های مختلفی هم سفر کند باید نمازش را تمام (چهار رکعتی) بخواند.

### شغل‌ها و کارهای متفاوت

کثیر السفري که به سفر کاری می‌رود، آیا لازم است فقط برای یک کار خاص سفر نماید یا اگر سفرهای او برای کارهای متفاوت هم باشد کافی است؟ به عنوان مثال، دو روز در هفته رانندگی می‌کند و دو روز دیگر برای درس به محل تحصیلش می‌رود.

چنین شخصی برای اینکه نمازش تمام (چهار رکعتی) باشد لازم نیست برای یک شغل یا کار خاص سفر نماید.

## سفر اول پس از ده روز ماندن

کسی که شغلش سفر یا در سفر است اگر ده روز یا بیشتر در وطن یا جای دیگری بماند، حکم نماز او در سفر اولی که بعد از آن ده روز می‌رود چیست؟



چنین شخصی اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند، چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد و چه بدون قصد بماند؛ و نیز اگر در غیر وطن خود ده روز یا بیشتر بماند و از اول قصد ماندن ده روز داشته باشد، احتیاط واجب آن است که در سفر اول بین نماز شکسته و تمام جمع نماید.<sup>۱</sup>

## شک در ماندن ده روز

کسی که شغلش سفر یا در سفر است اگر شک کند که در وطن خود یا جای دیگر ده روز مانده یا نه، حکم نماز او در سفر اول بعد از آن چیست؟

چنین شخصی باید نمازش را تمام (چهار رکعتی) بخواند.

۱. البته، اگر مکاری (چاروادر) ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند، چه از اول قصد ماندن ده روز داشته باشد و چه بدون قصد بماند، و نیز اگر در غیر وطن خود ده روز یا بیشتر بماند و از اول قصد ماندن ده روز داشته باشد، باید در سفر اول - که بعد از ده روز می‌رود - نمازش را شکسته بخواند.

- **مکاری** به کسی گفته می‌شود که شتر یا اسب و مانند این‌ها را برای مسافرت به دیگران اجاره داده و خودش نیز همراه آنها مسافرت می‌کند.

### سوم: کثیر السفر غیر شغلی

کسی که شغلش مسافرت نیست ولی غرضی در تکرار سفر دارد - مانند اینکه برای زیارت، درمان بیماری، گردش و ... پی در پی مسافرت می کند - چنین شخصی دو حالت خواهد داشت:

**حالت اول:** سفر او مساوی یا کمتر از بودنش در وطن باشد. در این حالت، باید نمازش را شکسته بخواند.

**حالت دوم:** سفر او بیشتر از بودنش در وطن باشد. این حالت چهار صورت دارد:

**صورت اول:** از اول چنین برنامه‌ای برای یک سال یا بیشتر داشته است. در این صورت، نمازش تمام (چهار رکعتی) است؛ ولی در سه ماه اول بین نماز شکسته و تمام (چهار رکعتی) جمع کند.

**صورت دوم:** از اول چنین برنامه‌ای برای یک ماه و نیم تا کمتر از یک سال داشته است. در این صورت، بنا بر احتیاط واجب بین نماز شکسته و تمام (چهار رکعتی) جمع کند.

**صورت سوم:** از اول چنین برنامه‌ای برای کمتر از یک ماه و نیم داشته است. در این صورت، نمازش شکسته است.

**صورت چهارم:** از اول برنامه‌ی منظمی نداشته است. در این صورت، بعد از شروع مسافرت تا قبل از یک ماه و نیم، نمازش شکسته است. و از یک ماه و نیم تا یک سال، احتیاط واجب این است که بین نماز شکسته و تمام (چهار رکعتی) جمع نماید. و در بیشتر از یک سال، نمازش را تمام (چهار رکعتی) بخواند.

در جدول زیر، حکم نماز کثیر السفر غیر شغلی به اختصار بیان شده است.

| میزان سفر            | طول دوره                       | حکم نماز                              |
|----------------------|--------------------------------|---------------------------------------|
| مساوی یا کمتر از حضر | هر مقدار که باشد               | شکسته                                 |
| بیش از حضر           | یک سال یا بیشتر                | تمام (احتیاط واجب: جمع در سه ماه اول) |
|                      | یک ماه و نیم تا کمتر از یک سال | جمع (احتیاط واجب)                     |
|                      | کمتر از یک ماه و نیم           | شکسته                                 |
| نامشخص               | تا کمتر از یک ماه و نیم        | شکسته                                 |
|                      | یک ماه و نیم تا یک سال         | جمع (احتیاط واجب)                     |
|                      | بیش از یک سال                  | تمام                                  |

### اقسام وطن

**یک. وطن اصلی:** به جایی گفته می‌شود که وطن پدر و مادر انسان باشد و در آنجا به دنیا آمده و مقداری رشد و نمو کرده باشد.<sup>۱</sup> و تا زمانی که از آن جا اعراض نکرده، وطن اصلی او حساب شده و نمازش در آن جا تمام (چهار رکعتی) است.

۱. مثلاً به مدت دو سال آن جا بماند.

**دو. وطن اتخاذی:** اگر انسان جایی که وطنش نیست را برای اقامت و زندگی دائمی خود اختیار نماید وطن اتخاذی آن شخص حساب می‌شود. و تا زمانی که از آن جا اعراض نکرده باشد، نمازش در آن جا تمام (چهار رکعتی) است.<sup>۱</sup>

**سه. وطن حکمی:** جایی را که انسان محل زندگی خود قرار داده<sup>۲</sup> و همانند کسی که وطن اوست در آن جا زندگی می‌کند - و هنگامی که مسافرتی برایش پیش آمد، دوباره به همان جا باز می‌گردد - وطن او حساب نمی‌شود ولی احکام وطن بر آن جاری می‌گردد.

### فرق وطن اصلی با وطن اتخاذی

**۸۲**  وطن اصلی با وطن اتخاذی چه تفاوتی دارد؟

در وطن اتخاذی باید قصد داشته باشد که برای همیشه در آن جا بماند ولی در وطن اصلی قصد ماندن دائمی لازم نیست.

### فرق وطن حکمی با وطن اتخاذی

**۸۳**  وطن حکمی (جایی که در حکم وطن است) با وطن اتخاذی

چه فرقی دارد؟

بین این دو وطن دو تفاوت وجود دارد:

۱. در صورتی یک مکان برای انسان وطن اتخاذی محسوب می‌شود که قصد کند برای همیشه در آن جا زندگی نموده و چهار ماه اول را نیز پشت سر هم در آن جا بماند.
۲. البته برای مدت محدود و بدون قصد دوام

یک. در وطن حکمی قصد ماندن دائمی لازم نیست ولی در وطن اتخاذی باید قصد داشته باشد برای همیشه در آن جا بماند.

دو. وطن حکمی اعراض ندارد. یعنی همین که از آن محل خارج و به جای دیگری برای زندگی منتقل شد، از آن به بعد، نمازش در آن جای اول شکسته است؛ چه قصد داشته باشد دوباره به آن جا برگردد و چه چنین قصدی نداشته باشد. ولی در وطن اتخاذی این گونه نیست؛ و تا زمانی که احتمال بجا می‌دهد که در آینده برای زندگی به آن جا بازگردد، نمازش در آن جا تمام (چهار رکعتی) و روزه‌اش صحیح است.

### عدم اعتبار وطن شرعی

کسی در محلی مالک منزلی است و شش ماه پشت سر هم نیز با قصد ماندن دائمی در آن جا مانده ولی فعلاً از آنجا صرف نظر کرده است. آیا احکام وطن بر آن جاری است؟

آن محل، وطن چنین شخصی به شمار نمی‌رود و احکام وطن هم بر آن جاری نیست. هرچند احتیاط مؤکد آن است که هر وقت به آن محل برسد، نمازش را به هر دو صورت شکسته و تمام (چهار رکعتی) بخواند.

### وطن‌های متعدد

یک نفر چند وطن می‌تواند داشته باشد؟

داشتن دو یا سه وطن برای یک نفر بلامانع است. بنابراین، کسی که در دو محل زندگی می‌کند - مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه دیگر در

شهر دیگری می ماند - هر دو جا وطن او به حساب می آید. و همچنین است اگر بیشتر از دو محل برای زندگی خود اختیار کرده باشد، به گونه ای که عرفاً گفته شود آن جا محل و مسکن دائم اوست.

### تبعیت زن در وطن شوهر

در محلی که وطن شوهر حساب می شود و نمازش را در آن جا تمام ۸۶ ?

می خواند، آیا نماز همسر او هم کامل و روزه اش صحیح است؟  
نماز زن در محلی که فعلاً وطن شوهر اوست و زن هم همراه او در همان محل زندگی می کند کامل (چهار رکعتی) بوده و روزه اش نیز صحیح است. ولی نماز زن در محلی که پیشتر وطن شوهر بوده - و وطن زن نبوده - و فعلاً هم زن در آن محل با او زندگی نمی کند، شکسته است.

در فاصله ی بین عقد و عروسی، عروس به شهر شوهر خود رفت و آمد می کند. با توجه به اینکه زن تابع شوهر است و این دختر هم بعد از عروسی می خواهد در شهر شوهرش زندگی کند، آیا آن جا از الآن وطن عروس حساب می شود؟ ۸۷ ?



تا زمانی که دختر عروسی نکرده و به خانه ی شوهر نرفته، آن محل وطن او به حساب نمی آید و نمازش در آن جا شکسته است.

## وطن آینده



در فاصله‌ی بین عقد و عروسی، داماد به خانه‌ی پدرزن خود - که در شهر دیگر است - رفت و آمد می‌کند. با فرض این که داماد قصد دارد بعد از عروسی در شهر همسر خود زندگی کند، آیا می‌تواند قصد کند که از الآن آن شهر وطن او باشد؟

خیر. تا زمانی که برای زندگی دائمی به آن شهر نرفته و در آن جا سکونت پیدا نکرده باشد، وطن او به حساب نمی‌آید.

## تبعیت فرزند در وطن



حکم نماز فرزند در وطن فعلی پدر چیست؟

محلی را که پدر برای زندگی انتخاب نموده است برای فرزندی هم که هنوز مستقل نشده و تحت سرپرستی پدر هستند و با او زندگی می‌کنند وطن محسوب می‌شود.



حکم نماز فرزند در وطن قبلی پدر چیست؟

در محلی که قبلاً وطن پدر بوده - ولی وطن فرزندان او نبوده و فعلاً هم در آن جا زندگی نمی‌کنند - تا زمانی که پدر از آن محل اعراض نکرده، فرزندی که هنوز مستقل نشده‌اند و تحت سرپرستی پدر و با او زندگی می‌کنند بنا بر احتیاط واجب بین نماز تمام (چهار رکعتی) و شکسته جمع نمایند. ولی اگر مستقل شده باشند نمازشان در وطن قبلی پدر شکسته است.

### ۹۱ ؟ حکم نماز فرزند در وطن مادر چیست؟

اگر فرزند هنوز مستقل نشده و تحت سرپرستی مادر و با او زندگی می‌کند، حکم نماز او در وطن قبلی و فعلی مادر همانند وطن قبلی و فعلی پدر است.

### ۹۲ ؟ پدر و مادری از وطن خود به شهر دیگری منتقل شده‌اند. اگر فرزندان

برای دیدار با آنها به آن محل بروند، حکم نمازشان چیست؟  
اگر فرزندان مستقل شده و تحت سرپرستی آنها زندگی نمی‌کنند، نمازشان در وطن جدید پدر و مادر شکسته است.

## اعراض از وطن

### ۹۳ ؟ اعراض از وطن یعنی چه و حکم آن چیست؟

کسی که از وطن خود به جای دیگری نقل مکان کرده است، تا زمانی که بداند یا احتمال عقلایی (احتمال بجا) بدهد که برای زندگی دوباره به آن جا باز می‌گردد، آن محل همچنان وطن اوست و اعراض از آن جا برای او محقق نشده است. بنابراین، نمازش در آن جا کامل (چهار رکعتی) و روزه‌اش صحیح است. ولی چنانچه به هیچ وجه احتمال بازگشت به آن محل را نمی‌دهد یا اگر احتمال می‌دهد درصد احتمال بسیار ضعیف است، در این صورت، اعراض از آن محل محقق شده و دیگر آن محل وطن او به شمار نمی‌آید و نمازش نیز در آن جا شکسته و روزه‌اش باطل است.

## احکام وطن حکمی

### ۹۴ ؟ چگونه یک مکان حکم مَقَرّ (وطن حکمی) را پیدا می‌کند؟

مدت زمانی که انسان قصد دارد در محلی بماند سه حالت دارد:

**حالت اول:** از اول قصد دارد کمتر از شش ماه در آن جا بماند. در این حالت، وطن حکمی او به حساب نمی‌آید.

**حالت دوم:** از اول قصد دارد بین شش ماه تا کمتر از دو سال در آن جا بماند. این حالت دو صورت پیدا می‌کند:

**صورت اول:** یک روز در هفته در آن محل می‌ماند. در این صورت، وطن حکمی (مقر) به حساب نمی‌آید.

**صورت دوم:** دو روز در هفته یا بیشتر در آن جا می‌ماند. در این صورت، بنا بر احتیاط واجب وطن حکمی (مقر) به حساب نمی‌آید.

**حالت سوم:** از اول قصد دارد دو سال یا بیشتر در آن جا بماند. این حالت سه صورت پیدا می‌کند:

**صورت اول:** یک روز در هفته در آن محل می‌ماند. در این صورت، وطن حکمی (مقر) به حساب نمی‌آید.

**صورت دوم:** دو یا سه روز در هفته یا نیمی از روزها را در آن جا می‌ماند. در این صورت نیز بنا بر احتیاط واجب وطن حکمی (مقر) محسوب نمی‌شود.

**صورت سوم:** بیشتر روزهای هفته را در آن محل می‌ماند. در این صورت، وطن حکمی (مقر) به حساب می‌آید.<sup>۱</sup>

---

۱. البته، در دو ماه اول - اگر قصد ده روز یا شرایط کثیرالسفر را نداشته باشد - بنا بر احتیاط واجب نماز را به هر دو صورت تمام (چهار رکعتی) و شکسته بخواند و بعد از دو ماه، نمازش کامل (چهار رکعتی) است.

در جدول زیر، احکام نماز در وطن حکمی به اختصار آمده است:

| طول دوره‌ی ماندن         | تعداد روزها در هفته  | حکم نماز                       |
|--------------------------|----------------------|--------------------------------|
| کمتر از شش ماه           | –                    | شکسته <sup>۱</sup>             |
| شش ماه تا کمتر از دو سال | یک                   | شکسته                          |
|                          | دو یا بیشتر          | جمع (احتیاط واجب) <sup>۲</sup> |
| دو سال یا بیشتر          | یک                   | شکسته                          |
|                          | دو یا سه یا نصف هفته | جمع (احتیاط واجب) <sup>۳</sup> |
|                          | بیشتر روزها          | تمام <sup>۴</sup>              |

### قصد ده روز ماندن

مسافری که قصد دارد ده روز پشت سر هم در محلی بماند یا می‌داند که بدون

۱. مگر آن که شرایط کثیر السفر را داشته باشد که نمازش کامل (چهار رکعتی) است.
۲. اگر دو یا سه روز در هفته باشد، احتیاط در جمع است. ولی اگر چهار روز یا بیشتر باشد، چنانچه شرایط کثیر السفر را دارد نمازش کامل (چهار رکعتی) است.
۳. اگر دو یا سه روز باشد، احتیاط در جمع است؛ ولی اگر نیمی از روزهای هفته باشد، چنانچه شرایط کثیر السفر را داشته باشد نمازش کامل (چهار رکعتی) است.
۴. البته، در دو ماه اول -اگر قصد ده روز یا شرایط کثیر السفر را نداشته باشد- بنا بر احتیاط واجب نماز را به هر دو صورت تمام (چهار رکعتی) و شکسته بخواند و بعد از دو ماه نمازش کامل (چهار رکعتی) است.

اختیار ده روز در محلی می ماند، در آن محل باید نماز را تمام (چهار رکعتی) بخواند و روزه اش را نیز بگیرد.

### روش محاسبه‌ی ده روز

اگر کسی بخواهد ده روز در محلی بماند، چگونه باید ده روز را حساب 



کند؟ آیا باید مجموع ده روز

دویست و چهل ساعت باشد؟

این مسأله سه حالت دارد:

**حالت اول:** اگر موقع اذان

صبح وارد آن محل شود، در این حالت چنانچه تا غروب روز دهم بماند کافی است.<sup>۱</sup>

**حالت دوم:** اگر بعد از اذان صبح و قبل از طلوع آفتاب وارد آن محل شود، در این حالت در صورتی ده روزش کامل می شود که قصد کند تا همان ساعت از روز یازدهم آن جا بماند. ولی اگر بخواهد غروب روز دهم از آن محل خارج شود، باید بنا بر احتیاط واجب بین نماز تمام (چهار رکعتی) و نماز شکسته جمع نماید.

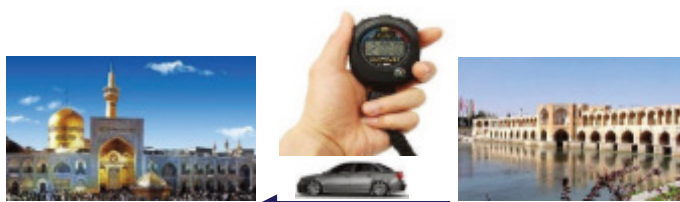
**حالت سوم:** اگر بعد از طلوع آفتاب وارد آن محل شود، در این حالت باید کسری آن روز را از روز یازدهم جبران کند تا ده روزش کامل شود. به عنوان مثال، اگر ساعت ده صبح روز اول وارد شده باید قصد کند تا ساعت ده صبح روز یازدهم در آن محل بماند.<sup>۲</sup>

۱. البته، در این حالت از دویست و چهل ساعت کمتر می شود.

۲. که در این حالت، دویست و چهل ساعت کامل می شود.

### مسیر رفت و برگشت

برای محاسبه‌ی ده روز آیا باید مدت زمان رفت و برگشت را هم جزو ده روز حساب کرد؟ مثلاً مدت زمان رفت به مشهد دوازده ساعت و برگشت نیز دوازده ساعت است. آیا این مدت نیز جزو ده روز به شمار می‌رود؟



خیر. مدت زمان رفت و برگشت جزو ده روز محاسبه نمی‌شود. بنابراین، باید از لحظه‌ی ورود به مقصد تا لحظه‌ی خروج از آن‌جا را حساب کند.

### قصد ده روز و ماندن بیشتر

شخص مسافری که قصد کرده است ده روز در محلی بماند اگر بخواهد بیشتر از ده روز (مثلاً پانزده روز) در آن‌جا بماند آیا لازم است دوباره قصد ده روز نماید؟  
خیر. تا وقتی که مسافرت نکرده باید نمازش را تمام (چهار رکعتی) بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز نماید.

### ماندن ده روز در دو محل

آیا جایز است در دو محل یا بیشتر قصد ده روز نمود؟ به عنوان مثال، قصد کند در سه روستای هم‌جوار - و نزدیک به هم - ده روز بماند.  
خیر؛ صحیح نیست. و قصد ده روز نمودن در صورتی صحیح است که انسان بخواهد ده روز در یک مکان بماند.

### احتمال مانع در بین ده روز

کسی که تصمیم دارد ده روز در محلی بماند اگر احتمال دهد برای ماندن او مانعی پیدا می‌شود، در این صورت، وظیفه‌ی او چیست؟  
 اگر احتمالش عقلایی (احتمال بجا) باشد، باید نمازش را شکسته بخواند.  
 ولی اگر درصد احتمال بسیار ضعیف باشد، قصد ده روزش صحیح و نمازش نیز کامل (چهار رکعتی) است.

### رفتن به حد مسافت شرعی در بین ده روز

کسی که قصد دارد ده روز در محلی بماند آیا می‌تواند در بین ده روز به محل دیگری که به حد مسافت شرعی است - مثلاً پنجاه کیلومتر - رفت و آمد کند؟



این مسأله دو حالت دارد:

**حالت اول:** اگر از اول قصد داشته است که در بین ده روز به آن محل برود، در این حالت، قصد ده روز اصلاً محقق نشده و نمازش از همان ابتدا شکسته است.

**حالت دوم:** اگر از اول قصد نداشته و بعد از خواندن یک نماز ادای چهار رکعتی چنین تصمیمی گرفته، در این حالت، تا زمانی که از آن محل خارج نشده است نمازش کامل (چهار رکعتی) و روزه‌اش صحیح می‌باشد. ولی وقتی از آن محل خارج شد و دوباره برگشت، نمازش شکسته است؛ مگر اینکه دوباره قصد ده روز نماید.

### رفتن به کمتر از مسافت شرعی در بین ده روز

کسی که قصد دارد ده روز در محلی بماند آیا می‌تواند در  ۱۰۱ بین ده روز به اطراف محل اقامت خود - که کمتر از مسافت شرعی و برای مثال ده کیلومتر است - رفت و آمد نماید؟  
این مسأله دو حالت دارد:

**حالت اول:** شخص مسافر از اول قصد داشته که در بین ده روز به آن مکان برود. این حالت سه صورت پیدا می‌کند:

**صورت اول:** مجموع رفت و برگشت و ماندن او در آن مکان در هر روز به اندازه‌ای نیست که با قصد ده روز او منافات داشته باشد. به عنوان نمونه، بیشتر از دو ساعت نمی‌شود. در این صورت، قصد ده روز او صحیح و نمازش در محل اقامت و آن جا و بین راه تمام (چهار رکعتی) است.

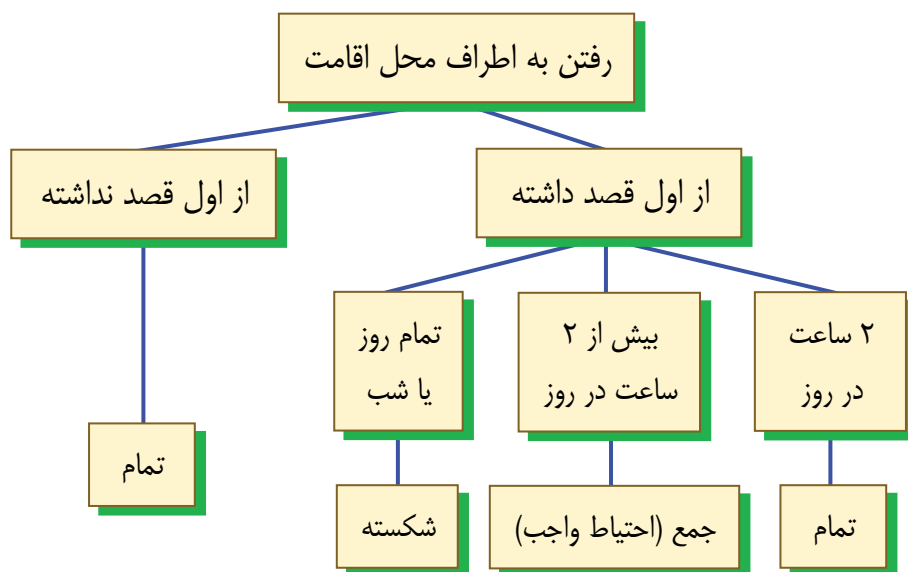
**صورت دوم:** مجموع رفت و برگشت و ماندن او در آن مکان در هر روز بیشتر از دو ساعت - مثلاً نصف روز - می‌شود. در این صورت، قصد ده روز او اشکال دارد و بنا بر احتیاط واجب بین نماز تمام (چهار رکعتی) و شکسته جمع نماید.

**صورت سوم:** تمام روز یا شب را بخواهد در آن مکان بماند. در این صورت، قصد ده روز او صحیح نیست و نمازش نیز شکسته است.

**حالت دوم:** شخص مسافر از اول قصد نداشته که در بین ده روز به آن مکان برود. در این حالت، اگر بعد از خواندن یک نماز ادای چهار رکعتی چنین تصمیمی گرفته باشد، رفت و آمد او - به هر اندازه‌ای که باشد -

ضرری به اقامت او نمی‌زند و نمازش تمام (چهار رکعتی) است؛ حتی اگر بخواهد به طور کامل آن‌جا بماند و به مکان اول برنگردد.

در نمودار زیر، این مسأله به صورت مختصر و روشن آمده است.



### رفتن به کمتر از مسافت شرعی بعد از ده روز

مسافری که قصد دارد بیش از ده روز (مثلاً یک ماه) در محلی بماند اگر بخواهد پس از تمام شدن ده روز به مکان دیگری که کمتر از مسافت شرعی است رفت و آمد کند، نمازش چه حکمی پیدا خواهد کرد؟

نماز او کامل (چهار رکعتی) و روزه‌اش صحیح است؛ چه از روز اول قصد داشته به آن مکان برود و چه از اول چنین قصدی نداشته باشد.

## عوض شدن تصمیم



مسافری که قصد داشته ده روز در محلی بماند چنانچه از قصد خود منصرف شود یا مردد شود که ده روز بماند یا نه، حکم نمازش چگونه است؟  
این مسأله سه حالت دارد:

**حالت اول:** قبل از خواندن یک نماز ادای چهار رکعتی منصرف یا مردد گشته است. در این حالت، نمازش شکسته است. و نیز اگر شک دارد که یک نماز ادای چهار رکعتی خوانده یا نه، همین حکم جاری است.

**حالت دوم:** بعد از خواندن یک نماز ادای چهار رکعتی منصرف یا مردد شده است. در این حالت، تا زمانی که در آن مکان است باید نمازش را کامل (چهار رکعتی) بخواند.

**حالت سوم:** در حین نماز ادای چهار رکعتی منصرف یا مردد شود. در این حالت، چنانچه مشغول رکعت سوم نشده باید نماز را دو رکعتی خاتمه دهد و بقیه‌ی نمازهای خود را نیز شکسته به جا آورد. و همین حکم جاری خواهد بود اگر مشغول رکعت سوم شده و به رکوع نرفته باشد؛ که باید بنشیند و نماز را به صورت دو رکعتی (شکسته) به اتمام رساند. و اگر قرائت یا تسبیحی زیاد کرده، بنا بر احتیاط واجب دو سجده‌ی سهو به جا آورد. و اگر به رکوع رفته باشد، نمازش باطل است و باید آن را به صورت شکسته (دو رکعتی) اعاده نماید. و تا زمانی که در آن مکان است نمازش شکسته خواهد بود.

**مسافری که قصد نداشته ده روز در محلی بماند اگر بعد از چند روز تصمیم بگیرد ده روز در آن محل بماند، حکم نماز او چه خواهد بود؟** 

این مسأله دو حالت دارد:

**حالت اول:** با احتساب چند روز گذشته می‌خواهد ده روز بماند. به عنوان نمونه، پنج روز در آن محل بوده و بعداً تصمیم گرفته پنج روز دیگر هم بماند. در این حالت، نمازش شکسته است.

**حالت دوم:** بدون احتساب چند روز گذشته می‌خواهد ده روز بماند. مثلاً پنج روز در آن محل بوده و سپس تصمیم می‌گیرد ده روز کامل دیگر در آن جا بماند. در این حالت، نمازهایی که پیشتر به صورت شکسته خوانده صحیح است و باید در ده روز آینده هم کامل (چهار رکعتی) بخواند.

### قصد ده روز در بین نماز

**مسافری که قصد نداشته ده روز در محلی بماند اگر در بین نماز تصمیم بگیرد ده روز یا بیشتر در آن محل بماند، چه حکمی دارد؟** 

این شخص باید نماز خود را تمام (چهار رکعتی) بخواند؛ و قصد او نیز صحیح است.

### انصراف از ده روز، در حال روزه

**شخص مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر در حال روزه از تصمیم خود منصرف گردد یا مردد شود که آیا ده روز در آن** 

### محل بماند یا نه، حکم روزهی او چیست؟

اگر بعد از ظهر منصرف یا مردد شود، چنانچه یک نماز ادای چهار رکعتی خوانده باشد تا وقتی که در آن محل هست روزه‌هایش صحیح و نمازهایش کامل (چهار رکعتی) است. و اگر نماز ادای چهار رکعتی نخوانده باشد، بنا بر احتیاط واجب روزهی آن روز را به اتمام رسانده و سپس قضا نماید. و نمازهای خود را نیز شکسته بخواند. در ضمن، روزه‌های بعد هم نمی‌تواند روزه بگیرد. و اگر بعد از غروب آفتاب و قبل از خواندن یک نماز ادای چهار رکعتی منصرف شد، روزهی آن روزش صحیح است و قضا لازم ندارد.

### سی روز ماندن با تردید

اگر مسافری بدون قصد قبلی و همراه با تردید سی روز در محلی بماند و در تمام این سی روز میان رفتن و ماندن مردد باشد، بعد از گذشت سی روز - اگرچه مقدار کمی در آن جا بماند - باید نماز خود را تمام (چهار رکعتی) بخواند.

### اقامت سی روزه در مکان واحد

اگر مسافر در چند مکان متعدد با تردید سی روز بماند - برای نمونه، ده روز در مکان اول، ده روز در مکان دوم، و ده روز دیگر در مکان سوم - آیا نمازش در روز سی و یکم تمام است؟  
 خیر. شخص مسافر بعد از سی روز در صورتی باید نمازش را تمام (چهار رکعتی) بخواند که سی روز را در یک مکان مانده باشد.



### چهار مکان تخییر

در چهار مکان زیر، مسافر مُخَيَّر است نماز خود را تمام (چهار رکعتی) یا شکسته بخواند<sup>۱</sup>:

یک. شهر قدیم مکه‌ی مکرمه که از عقبه‌ی مدینین است تا ذی طوی.

دو. شهر قدیم مدینه‌ی منوره که مدینه‌ی زمان پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ را شامل می‌شود.

سه. شهر کوفه.

چهار. حرم مطهر حضرت ابا عبد الله الحسین علیهما السلام.



البته، احتیاط [مستحب] آن است که در خارج از مسجد الحرام و خارج از مسجد النبی ﷺ - حتی ملحقات این دو مسجد بعد از زمان ائمه‌ی معصومین علیهم السلام - و بیرون

۱. البته اگر تمام (چهار رکعتی) بخواند بهتر است. و اگر شکسته بخواند احوط می‌باشد.

مسجد کوفه و دورتر از اطراف ضریح مطهر امام حسین علیه السلام، شخص مسافر نمازش را تمام (چهار رکعتی) نخواند.

### مکه‌ی مکرمه و مدینه‌ی منوره‌ی جدید

۱۰۸  حکم نماز مسافر در شهر مکه و شهر مدینه‌ی جدید چیست؟

نماز در توسعه‌ی جدید شهر مکه‌ی مکرمه و شهر مدینه‌ی منوره شکسته است. و در اینکه کدام قسمت شهر، قدیم و کدام یک جدید است باید به اهل خبره مراجعه شود.

### جاهل بودن به خصوصیات نماز مسافر

۱۰۹  افرادی که می‌دانند نماز مسافر شکسته است ولی نسبت به

بعضی از جزئیات و خصوصیات نماز مسافر جاهلند اگر از روی ندانستن این جزئیات و خصوصیات، نماز شکسته را به صورت تمام بخوانند چه حکمی پیدا خواهد کرد؟

اگر در وقت نماز بفهمند، باید دوباره بخوانند. و اگر بعد از وقت نماز بفهمند، قضا ندارد.

### نماز و روزه‌ی افراد دانشجو، سرباز و مانند آن

۱۱۰  شخصی برای تحصیل در دانشگاه یا خدمت سربازی و مانند

آن به شهری می‌رود و آخر هفته به وطن خود باز می‌گردد. حکم نماز و روزه‌ی او چیست؟

این مسأله چند حالت دارد:

**حالت اول:** حداقل به مدت دو سال در آن مکان می ماند. در این حالت، آن مکان برای او مقر (وطن حکمی) به حساب می آید و نمازش در آن جا کامل و روزه هایش صحیح است.<sup>۱</sup>

**حالت دوم:** بین شش ماه تا کمتر از دو سال در آن جا می ماند. در این حالت، بنا بر احتیاط آن مکان برای او مقر (وطن حکمی) به شمار نمی آید؛ ولی نمازش تمام (چهار رکعتی) و روزه اش صحیح است.<sup>۲</sup>

**حالت سوم:** حداقل سه تا کمتر از شش ماه در آن مکان می ماند. در این حالت، حکم مقر را ندارد ولی به خاطر کثیرالسفر شغلی بودن، نمازش کامل (چهار رکعتی) و روزه اش صحیح است.

و اما حکم نماز و روزه ی این افراد در بین راه. این مسأله نیز چند حالت دارد:

**حالت اول:** از یک تا چهار روز در ماه رفت و آمد دارد. در این حالت، نمازش در بین راه شکسته است.

**حالت دوم:** از پنج تا چهارده روز در ماه رفت و آمد دارد. در این حالت، بنا بر احتیاط، جمع کند (یعنی نمازش را هم تمام و هم شکسته بخواند).

**حالت سوم:** پانزده روز به بالا در ماه رفت و آمد دارد. در این حالت، نمازش تمام (چهار رکعتی) و روزه اش صحیح است.

---

۱. در دو ماه اول هم نیازی به احتیاط نیست؛ به جهت علم اجمالی به تحقق مناط مقر یا مناط کسی که شغلش در سفر است.

۲. به جهت علم اجمالی به تحقق مناط مقر یا مناط کسی که شغلش در سفر است.

## نماز قضا

آیا نمازهای قضا باید به ترتیب خوانده شود؟ 

در قضای نمازهای یومیه ترتیب لازم نیست، مگر در نمازهایی که در ادای آنها ترتیب هست مثل نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا از یک روز، اگرچه احتیاط مستحب آن است که در غیر اینها نیز مراعات ترتیب بشود.

آیا می‌شود نماز قضای انسان را شخص دیگری بخواند؟ 

تا انسان زنده است، اگر چه از قضای نمازهای خود عاجز باشد، دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا نماید.

## نماز قضای پدر

اگر پدر نمازهای واجب خود را به جا نیاورده باشد و می‌توانسته است قضا کند - و بنا بر احتیاط - هرچند از روی نافرمانی ترک کرده باشد یا صحیح به جا نیاورده باشد، بر پسر بزرگترش واجب است که بعد از مرگش به جا آورد یا برای او اجیر بگیرد. و قضای نمازهای مادر بر او واجب نیست هر چند احوط است.

## نماز جماعت

### وظیفه‌ی امام و مأموم در نماز جماعت

بنا بر احتیاط واجب، اگر مأموم یک مرد باشد طرف راست امام بایستد.



-



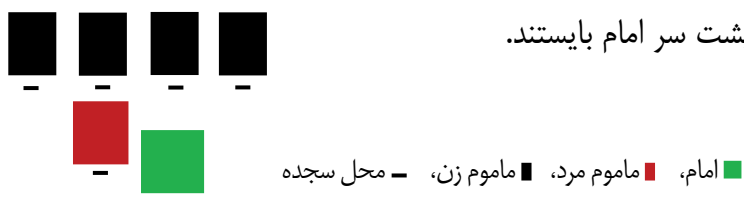
-

■ امام

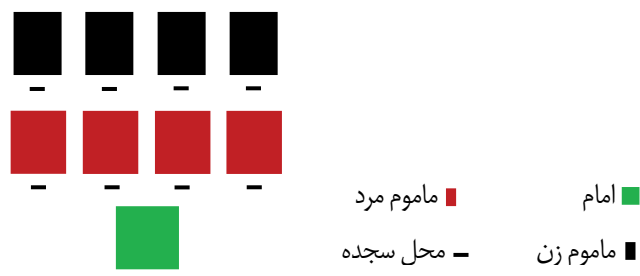
■ مأموم مرد

- محل سجده

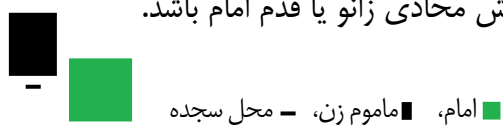
و اگر مأموم یک مرد و یک زن یا یک مرد و چند زن باشند، مرد طرف راست امام بایستد و بقیه پشت سر امام بایستند.



و اگر چند مرد و یک یا چند زن باشند، مردها پشت سر امام و زن‌ها پشت سر مردها بایستند.



و در صورتی که مأموم یک زن باشد، مستحب است پشت سر در طرف راست امام طوری بایستد که جای سجده‌اش محاذی زانو یا قدم امام باشد.



و اگر یک یا چند زن باشد، پشت سر امام بایستند.





## روزه

### وقت نیت روزه

| نوع روزه      | مثال                | وقت نیت                                                                                           |
|---------------|---------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------|
| واجب معین     | روزه‌ی ماه رمضان    | تا قبل از اذان صبح                                                                                |
| واجب غیر معین | روزه‌ی قضا          | تا قبل از اذان ظهر (مگر در روزه‌ی استیجاری که باید بنا بر احتیاط واجب تا قبل از اذان صبح نیت کند) |
| مستحبی        | روزه‌ی روز عید غدیر | تا قبل از غروب                                                                                    |

### کفاره‌ی روزه

کفاره‌ی<sup>۱</sup> افطار روزه‌ی ماه مبارک رمضان این است که یک بنده آزاد کند، یا دو ماه روزه بگیرد، یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام یک

---

۱. اگر کسی روزه‌ی خود را عمدًا با کار حلالی باطل کند باید، علاوه بر قضا، کفاره‌ی آن را به جا آورد.

مُدّ طعام یعنی گندم یا آرد یا نان یا خرما و مانند این‌ها بدهد.

## نزدیکی در حال روزه

اگر مردی در حال روزه با همسرش که روزه است نزدیکی کند،  
تکلیف چیست؟ 

این مسأله چند صورت دارد:

**صورت اول:** اگر زن و مرد هر دو راضی به نزدیکی باشند، در این صورت:

- هر دو گناه کرده‌اند.
- روزه‌ی آنها باطل است.
- بنا بر احتیاط واجب، تا مغرب امساک کنند (یعنی مبطلات روزه را انجام ندهند).
- باید هر کدام کفاره‌ی روزه‌ی خود را بپردازند. یعنی شصت فقیر را سیر کنند یا به هر کدام از آنها هفتصد و پنجاه گرم طعام بدهند و یا دو ماه پی‌درپی روزه بگیرند.

**صورت دوم:** اگر مرد همسر خود را اکراه به نزدیکی کرده باشد، در این

صورت سه حالت وجود دارد:

- حالت اول:** اجبار مرد به نحوی است که زن هیچ اختیاری ندارد. برای نمونه، دست و پای او را بسته باشد. در این حالت، روزه‌ی زن صحیح است ولی مرد گناه کرده و روزه‌اش باطل شده و باید کفاره بدهد.
- حالت دوم:** اکراه مرد به نحوی است که زن قدرت بر تمکین نکردن

دارد ولی به خاطر ترس از غضب شوهر و کتک خوردن و مانند آن مجبور به تمکین می‌شود. در این حالت:

- مرد گناه کرده و روزه‌اش باطل می‌شود.
- مرد باید کفاره‌ی روزه‌ی خودش و، بنا بر احتیاط، کفاره‌ی روزه‌ی همسرش را بدهد.
- زن گناه نکرده ولی روزه‌اش باطل است.

**حالت سوم:** اگر زن مجبور به نزدیکی شده باشد ولی در بین نزدیکی راضی شود، در این حالت، بنا بر احتیاط واجب مرد دو کفاره و زن یک کفاره بدهد.

**صورت سوم:** اگر زن شوهر خود را مجبور به نزدیکی کند، گناه کرده و روزه‌اش باطل است ولی واجب نیست کفاره‌ی روزه شوهر را بدهد.

### روزه در دوران حاملگی و شیردهی

حکم روزه‌ی زن باردار چیست؟  ۱۱۴

در این مسأله چهار حالت وجود دارد:

**حالت اول:** زن می‌داند که روزه گرفتن نه برای خودش ضرر دارد و نه برای حمل او. در این حالت، باید روزه‌اش را بگیرد.

**حالت دوم:** روزه گرفتن فقط برای خودش ضرر دارد و به بیچه ضرری نمی‌زند. در این حالت:

- نباید روزه بگیرد.

- بعدا باید قضای روزه‌هایش را بگیرد.
  - بنا بر احتیاط مستحب، یک مد طعام به فقیر بدهد.
- حالت سوم:** روزه گرفتن برای خودش ضرر ندارد ولی برای بچه مضر است. در این حالت:
- نباید روزه بگیرد.
  - باید قضای روزه‌هایش را بعدا به جا آورد.
  - باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.
- حالت چهارم:** روزه گرفتن هم برای خودش ضرر دارد و هم برای بچه. این حالت حکم حالت دوم را دارد.

**حکم روزه‌ی زنی که به بچه شیر می‌دهد چیست؟**



این مسأله چهار حالت دارد:

- حالت اول:** زن می‌داند که روزه گرفتن نه برای خودش ضرر دارد و نه برای بچه‌اش. در این حالت باید روزه‌اش را بگیرد.
- حالت دوم:** روزه گرفتن فقط برای خودش ضرر دارد و به بچه ضرری نمی‌زند. در این حالت:
- نباید روزه بگیرد.
  - باید قضای روزه‌هایش را بعدا به جا آورد.
  - احتیاط مستحب آن است که برای هر روز یک مد طعام به

فقیر بدهد.

**حالت سوم:** روزه گرفتن برای خودش ضرر ندارد ولی برای بچه

مضر است. در این حالت:

- نباید روزه بگیرد.
- باید قضای روزه‌هایش را بعداً به جا آورد.
- باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.

**حالت چهارم:** روزه گرفتن هم برای خودش ضرر دارد و هم برای

بچه. این حالت حکم حالت دوم را دارد.

#### نکته

حکم حالت دوم تا چهارم در صورتی است که شیر خوردن این بچه از راه دیگری میسر نباشد. و اگر میسر باشد، واجب است آن زن روزه بگیرد.

اگر زن حامله یا شیرده قضای روزه‌هایش را تا ماه رمضان سال بعد

نگیرد وظیفه‌ی او چیست؟

دو حالت دارد:

**حالت اول:** می‌توانسته قضا کند ولی عمداً به جا نیاورده است. در این

حالت، علاوه بر قضا باید فدیة تأخیر – که همان یک مد طعام است – را به فقیر بدهد.

**حالت دوم:** به خاطر بارداری یا شیردهی نتوانسته قضای روزه‌هایش

را به جا آورد. در این حالت، باید قضای روزه‌هایش را گرفته و بنا بر احتیاط

واجب فدیہی تأخیر را بدهد.<sup>۱</sup>

## کفاره

اگر روزه‌دار به چیز حرامی روزه‌اش را باطل کند چه کفاره‌ای بر او واجب می‌شود؟ 

اگر به چیز حرامی روزه‌ی خود را باطل کند، بنا بر احتیاط کفاره‌ی جمع بر او واجب می‌شود. یعنی باید یک بنده آزاد کند و دو ماه پی‌درپی روزه

۱. تذکر: چند نکته برای کفاره و فدیہ لازم است:

**یک:** کفاره و فدیہ‌ی روزه‌های زن جزو نفقه نیست که بر شوهر واجب باشد. بلکه، بر خود زن واجب است.

**دو:** پرداخت کفاره و فدیہ واجب فوری نیست؛ ولی نباید در پرداخت آنها کوتاهی شود. **سه:** در کفاره و فدیہ باید خود طعام را به فقیر بدهد؛ و اگر پول آن را حساب کند و به فقیر بدهد کفاره یا فدیہ حساب نمی‌شود. بله، اگر پول آن را به شخص یا مراکزی که مورد اطمینان و اعتماد او هستند بدهد که آنها از طرف او طعام تهیه کنند و به فقرا برسانند اشکال ندارد.

**چهار:** بین کفاره و فدیہ دو تفاوت وجود دارد:

(یک) کفاره را باید به افراد متعدد بدهند. برای مثال، در افطار عمدی روزه‌ی ماه رمضان باید به شصت فقیر طعام بدهد، یا اگر قضای روزه‌ی ماه رمضان را بعد از ظهر عمداً باطل کند، باید به ده فقیر طعام بدهد. ولی فدیہ را می‌توان جمع کرد و همه را به یک فقیر داد.

(دو) در کفاره، اختیار با خود انسان است که فقرا را سیر کند یا اینکه مد طعام را به آنها تحویل دهد. ولی در فدیہ، سیر کردن کافی نیست و باید مد طعام را به فقیر بدهد تا فدیہ حساب شود.

بگیرد و شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام آنها یک مد طعام بدهد.

### کفاره‌ی باطل کردن روزه‌ی قضا

کسی که قضای روزه‌ی ماه مبارک رمضان را گرفته اگر بعد از ظهر عمدا کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد باید به ده فقیر هر کدام یک مد طعام بدهد. و اگر نمی‌تواند، باید سه روز روزه بگیرد؛ و احوط آن است که پی‌درپی باشد.

#### نکته

انسان نباید در به جا آوردن کفاره کوتاهی کند ولی لازم نیست فوراً آن را انجام دهد.<sup>۱</sup>

### روزه‌ی قضا

در قضای روزه‌ی ماه مبارک رمضان، انسان می‌تواند پیش از ظهر روزه‌ی خود را باطل نماید. ولی اگر وقت قضا تنگ باشد<sup>۲</sup> - بنا بر احتیاط واجب - نمی‌تواند باطل نماید.

۱. چند نکته در مورد کفاره:

- (یک) هر مد طعام تقریباً هفتصد و پنجاه گرم است.
- (دو) کفاره باید به صورت جنس به فقیر داده شود (گندم یا آرد یا نان یا خرما و مانند این‌ها) و اگر کسی پول آن را به فقیر بدهد کفاره حساب نمی‌شود.
- (سه) اگر بخواهد به شصت فقیر طعام بدهد باید به هر نفر هفتصد و پنجاه گرم طعام بدهد و نمی‌تواند همه را به یک فقیر بدهد.

۲. مثلاً پنج روزه‌ی قضا دارد و فقط پنج روز به ماه رمضان باقی مانده است.

## روزه‌ی قضای پدر

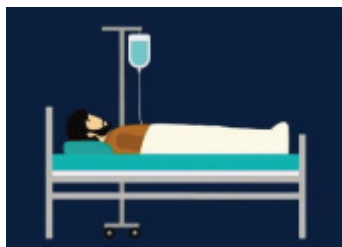
بعد از مرگ پدر، پسر بزرگتر باید قضای روزه‌های او را به‌جا آورد.

## فدیه‌ی تأخیر

در چه صورتی فدیه‌ی تأخیر واجب می‌شود؟ 

اگر در ماه مبارک رمضان به واسطه‌ی عذری روزه نگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا ماه رمضان سال آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید روزه را قضا کند و برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.<sup>۱</sup> اگر قضای روزه‌ی ماه رمضان را چند سال تأخیر بیندازد، باید قضای آن را بگیرد و از جهت تأخیر در سال اول، برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد، و اما از جهت تأخیر سال بعدی، چیزی بر او واجب نیست.

## وظیفه‌ی مریض



کسی که همیشه مریض است 

وظیفه‌اش نسبت به روزه چیست؟

اگر به واسطه‌ی مرضی روزه‌ی ماه رمضان را نگیرد و مرض او تا ماه رمضان سال بعد طول بکشد، قضای روزه‌هایی را که نگرفته بر او واجب نیست؛ و باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد. کسی که باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد می‌تواند کفاره‌ی چند روز را به یک فقیر بدهد.

۱. به این مد طعام، کفاره‌ی تأخیر هم می‌گویند.

## روزه گرفتن در صورتی که پزشک نهی کند



اگر پزشک به شخصی بگوید که روزه برایش ضرر دارد و او را از روزه منع نماید، در صورتی که از گفته‌ی پزشک برای شخص گمان به ضرر یا خوف ضرر حاصل شود، بر

شخص واجب است که روزه نگیرد. و همچنین اگر طبیب حاذق بوده و مورد اطمینان و وثوق او باشد و شخص اطمینان نداشته باشد که پزشک در خطا باشد، باز هم نباید روزه بگیرد. و در غیر این صورت، روزه بر او واجب است.

## خوف ضرر در موردی که پزشک می‌گوید ضرر ندارد

اگر پزشک بگوید روزه گرفتن برای شخص ضرر ندارد ولی او ترس ضرر داشته باشد، در صورتی که ترس او دارای منشأ عقلایی باشد، روزه گرفتن برای او جایز نیست.

## روزه گرفتن در صورت بیماری معده

اینجانب ناراحتی شدید معده دارم و به توصیه‌ی دکتر متخصص ۱۲۰؟ حق گرفتن روزه ندارم. آیا در این صورت هم روزه بر من واجب است و ترک آن گناه می‌باشد؟

در صورتی که از گفته‌ی پزشک اطمینان پیدا می‌کنید و یا ترس ضرر مهمی داشته باشید و منشأ این ترس شما نیز عقلایی باشد، روزه بر شما

واجب نیست و گناهی هم مرتکب نمی‌شوید و در پیشگاه خداوند متعال معذور هستید.

### روزه برای بیماران کلیوی

شخصی در اثر بیماری کلیوی باید در طول روز آب بخورد و گرنه بیماری‌اش شدیدتر شده و ممکن است کلیه‌ی خود را از دست بدهد. حکم روزه‌ی او چیست؟

در فرض مذکور که از روی ضرورت لازم است آب بنوشد باید بنا بر احتیاط واجب از نوشیدن آب بیش از حد ضرورت و نیز از سایر مفطرات اجتناب نماید ولی روزه‌ی او صحیح نیست و اگر بهبود یافت باید روزه‌های خود را قضا کند.

### تزریق آمپول و سرم در حال روزه

آیا شخص روزه‌داری که بیمار است می‌تواند آمپول یا سرم تزریق کند؟



تزریق آمپولی که به جای دارو به کار می‌رود یا عضو را بی‌حس می‌کند، اشکال ندارد.

همچنین، آمپولی که به جای آب و غذا به کار می‌رود نیز مانعی ندارد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که از استعمال آمپولی که به جای آب و غذا به کار می‌رود خودداری نماید. اما در مورد سرم، احتیاط واجب آن است که از آن اجتناب کند و در صورتی که ضرورتی برای استعمال آن وجود داشته باشد باید بنا بر احتیاط واجب روزه را گرفته و بعداً آن را قضا نماید.

## استفاده از اسپری در حال روزه

روزه‌داری که به جهت تنگی نفس مجبور است از اسپری استفاده **۱۲۳** ؟



کند، آیا استفاده از اسپری موجب بطلان روزه‌ی او می‌گردد یا روزه‌ی او صحیح است؟

حتی‌الامکان شب‌ها از آن

استفاده نماید. ولی اگر استعمال آن در طول روز ضروری شد، بنا بر احتیاط واجب به اندازه‌ی ضرورت از اسپری استفاده نموده و بنا بر احتیاط واجب روزه را تا مغرب ادامه دهد؛ و بنا بر احتیاط واجب بعد از قضای آن را به جا آورد. پس اگر تا ماه رمضان سال بعد بتواند بدون استفاده از اسپری قضای آن را به جا آورد، باید همین کار را انجام دهد. و چنانچه تا ماه رمضان بعدی ممکن نشد که بدون استفاده از اسپری قضای آن را به جا آورد، بنا بر احتیاط واجب برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.

## خونریزی لثه‌ی روزه‌دار

شخصی به خونریزی لثه مبتلاست. وظیفه‌اش در خصوص **۱۲۴** ؟

روزه گرفتن چیست؟

واجب است در صورت امکان مداوا نماید و نباید خون را فرو دهد و یا به حلق برساند. و اگر علم دارد که اگر بخوابد خون به حلقش می‌رسد یا فرو می‌رود، چنانچه در سختی نیست نباید بخوابد؛ و اگر در سختی بود و خوابید و خون به حلقش رسید، بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش را قضا نماید.

## روزه و مشاغل سخت

روزه گرفتن برای کسانی که مشغول به کارهای دشوار هستند چه حکمی دارد؟ آیا راهی برای روزه نگرفتن آنان وجود دارد؟ **۱۲۵ ؟**



اگر ضعف یا تشنگی به ناتوانی از کاری منجر شود که برای معاش لازم است و اشتغال به کار دیگری برای شخص ممکن نباشد، افطار جایز است. اما واجب است در خوردن و آشامیدن بر مقدار ضرورت اکتفا نماید و از بیشتر از آن امساک کند. و روزه‌ی او باطل می‌شود و واجب است بعد از ماه مبارک رمضان قضای آن را به جا آورد. و واجب است چنین شخصی با نیت روزه وارد صبح شود و روزه را بگیرد و چنانچه حالت مذکور پیش آمد، جایز است افطار کند. و اگر بدون نیت روزه وارد صبح شود و افطار نماید، قضا و کفاره بر او واجب می‌شود و معصیت کرده است.

## روزه و اعتیاد به سیگار

حکم روزه گرفتن برای کسانی که **۱۲۶ ؟**

معتاد به سیگار هستند چیست؟

باید روزه بگیرند.



## شیاف در حال روزه

۱۲۷  حکم استفاده از شیاف برای انسان روزه‌دار چیست؟

اگر جامد است و در درون بدن هم به مایع تبدیل نمی‌شود، برای روزه اشکالی ندارد (فقط کراهت دارد). اما اگر در داخل بدن به مایع تبدیل می‌شود، بنا بر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.

## کرم‌های واژینال در حال روزه

۱۲۸  استفاده کردن از کرم واژینال، پماد، دارو و مانند آن از طریق فرج

برای زن روزه‌دار چه حکمی دارد؟

اگر جامد است و در درون بدن هم به مایع تبدیل نمی‌شود، برای روزه اشکالی ندارد. اما اگر در داخل بدن به مایع تبدیل می‌شود، بنا بر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.

## روزه‌ی بچه‌ی تازه بالغ

۱۲۹  روزه گرفتن برای بچه‌هایی که تازه به سن بلوغ رسیده‌اند و روزه

گرفتن برای آن‌ها سخت است چه حکمی دارد؟

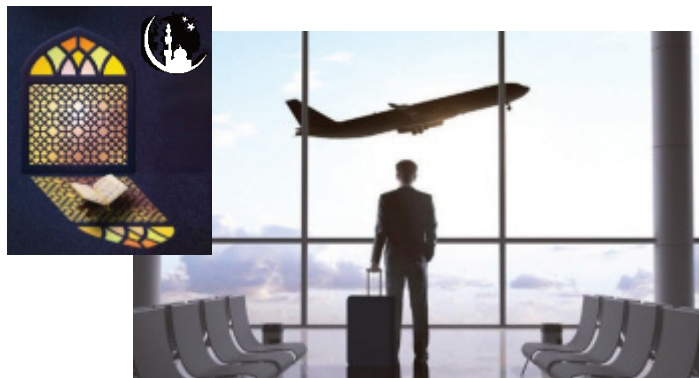
واجب است روزه بگیرند. و اگر ضعف بر آنان عارض شد، حتی اگر شدید باشد، مجوزی برای افطار روزه‌های ماه رمضان نیست؛ حتی در دخترانی که تازه به سن تکلیف رسیده‌اند، مگر این که حرجی باشد که در این صورت، جایز است افطار کنند. ولی واجب است در خوردن و آشامیدن به اندازه‌ی ضرورت اکتفا کنند و از بیشتر از آن امساک نمایند؛ اما قضای

روزه واجب است. و در فرض سؤال، باید با نیت روزه وارد صبح شوند حتی اگر احتمال می‌دهند که در بین روز ضعف شدید آنها را به حرج بیندازد. و اگر بدون نیت روزه وارد صبح شده و افطار کنند، قضا و كفاره بر آنها واجب است و کارشان گناه محسوب می‌شود.

### روزه‌ی مسافر

مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را حین سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد. و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند - مانند کسی که شغلش مسافرت یا سفر او سفر معصیت است - باید در سفر روزه بگیرد.

### حکم مسافرت در ماه رمضان



مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد ولی مکروه است؛ هرچند برای فرار از روزه نباشد، مگر اینکه سفر به جهت ضرورتی باشد و یا به مقتضای بعضی از روایات برای حج یا عمره باشد.

حکم روزه‌ی کسی که در سفر روزه گرفته است چیست؟ ۱۳۰ ؟

کسی که نمی‌داند روزه‌ی مسافر باطل است اگر در سفر روزه

بگیرد و در بین روز مسأله را بفهمد، روزه‌اش باطل می‌شود. و اگر تا مغرب نفهمد، روزه‌اش صحیح است.

**۱۳۱**  در چه وقتی از روز اگر انسان مسافرت کند روزه‌اش باطل می‌شود؟  
اگر روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت نماید، باید روزه‌ی خود را تمام کند. و اگر پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به حد ترخص برسد روزه‌اش باطل می‌شود.<sup>۱</sup>

### شب و روز غیر متعارف

**۱۳۲**  در بعضی کشورها شب و روز غیر متعارف است. به عنوان مثال، گاهی شب آن بیست و دو ساعت و روز آن فقط دو ساعت می‌باشد یا بالعکس. حکم روزه در این مناطق چیست؟  
باید روزه را در وقت شرعی آن - از اذان صبح تا مغرب - بگیرد اگرچه روز طولانی باشد. و اگر در بین روز، روزه گرفتن به نحوی سخت شد که عرفاً قابل تحمل نبود، می‌توانید به اندازه‌ای که سختی آن برطرف شود آب یا غذا خورده و بقیه‌ی روز را امساک کنید و باید بعداً قضای آن را به‌جا آورید.

**۱۳۳**  در بعضی کشورها که مثلاً شش ماه شب و شش ماه روز است وظیفه‌ی مکلف نسبت به روزه چیست؟

اگر می‌توانید به محلی بروید که در بیست و چهار ساعت شب و روز دارد، باید به آن‌جا رفته و روزه‌ی خود را بگیرد. و اگر رفتن به آن‌جا ممکن

۱. بنابراین، نباید تا قبل از اینکه به حد ترخص برسد کاری که روزه را باطل می‌کند انجام بدهد.

نبود، باید قضای روزه را بعدا به جا آورید.

**۱۳۴ ؟** وظیفه‌ی شخص روزه‌دار نسبت به اوقات شرعی در کشورهای غیر اسلامی چیست؟

اگر شخص مورد اعتمادی نبود که به حرف او رفتار نمایید و خودتان شخصا هم توانایی تشخیص اوقات شرعی را ندارید، باید احتیاط را رعایت نمایید. مثلا اگر شک داشتید که مغرب شده یا نه، باید به مقداری که مطمئن شوید مغرب شده صبر کرده و بعد از آن افطار نمایید.

### ثابت شدن اول ماه

**۱۳۵ ؟** برای ثابت شدن اول ماه قمری - مثلا اول ماه رمضان یا شوال - آیا لازم است ماه در شهر یا کشور محل سکونتمان دیده شود؟ یا اگر در کشورهای دیگر هم دیده شود کافی است؟



خیر، لازم نیست. بنابراین، اگر برای شما ثابت شد که ماه در کشور دیگری دیده شده، چنانچه آن کشور در بیشتر ساعات شب با محل سکونت شما

مشترک باشد کافی است. به عنوان نمونه، اگر شب ده ساعت است، در شش ساعت آن با محل سکونت شما مشترک باشد. و اگر در بیشتر ساعات شب مشترک نباشد، بنا بر احتیاط واجب اول ماه ثابت نمی‌شود.



## خمس

### اهمیت خمس

در شرع مقدس اسلام، خمس یکی از واجبات است که هیچ خلاقی نسبت به اصل وجوب آن نیست؛ اگرچه در بعضی مسائل و خصوصیات آن اختلاف نظر وجود دارد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَ  
الْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾<sup>۱</sup>

آگاه باشید! از هر چیزی که فایده بردید یک پنجم آن برای خدا و رسول خدا و ذی‌القربی و یتامی و مساکین و ابن‌السبیل است.

و در روایات متعددی آمده است که خداوند متعال این فریضه (خمس) را برای رسول خدا ﷺ و ذریه‌ی ایشان به جای زکات قرار داده است تا آنها را اکرام نماید. از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت شده است که:

إِنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَمَّا حَرَّمَ عَلَيْنَا الصَّدَقَةَ أَنْزَلَ لَنَا الْخُمْسَ فَالصَّدَقَةُ عَلَيْنَا

---

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۴۱.

حَرَامٌ وَ الْخُمْسُ لَنَا قَرِيضَةٌ وَ الْكَرَامَةُ لَنَا حَلَالٌ<sup>۱</sup>

هر آینه خداوند - که خدایی (معبودی) جز او نیست - هنگامی که صدقه را بر ما حرام کرد، خمس را برای ما نازل فرمود. پس صدقه بر ما حرام است و خمس برای ما فریضه و کرامت، برای ما حلال است

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که:

لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْتَرِيَ مِنَ الْخُمْسِ شَيْئًا حَتَّى يَصِلَ إِلَيْنَا حَقُّنَا<sup>۲</sup>

برای هیچ کس حلال نیست که از خمس (مالی که به آن خمس تعلق گرفته) چیزی بخرد تا اینکه حق ما به ما برسد

بنابراین، کسی که از پرداخت خمس خودداری نماید جزو ظالمان به محمد و آل محمد علیهم السلام شمرده شده و نام او در زمره‌ی کسانی است که حق آنها را غصب کرده‌اند.

### وجوب خمس

خمس بر چه کسی واجب است؟ 

خمس بر هر کسی که مالی به دست آورد - فایده‌ای ببرد - و تا سر سال در مؤونه‌ی زندگی‌اش مصرف نکند واجب است. و باید با قصد قربت و خلوص نیت آن را پرداخت نماید.

۱. الوسائل، ج ۹، ص ۴۸۳

۲. الوسائل، ج ۹، ص ۴۸۴

### فقر و خمس

آیا بر کسی که فقیر است هم خمس واجب است؟ 

بله. فقیر هم اگر منفعتی ببرد و تا سر سال در مؤونه‌ی زندگی‌اش مصرف نکند، باید خمس آن را بپردازد. بنابراین، در وجوب خمس فرقی میان فقیر و غنی وجود ندارد.

### قناعت و خمس



شخصی تنگدست و قناعت کار است و سر 

سال مقداری از اموالش باقی مانده است.

آیا خمس دارد؟

بله. اگر به واسطه‌ی قناعت کردن هم چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

### اشتغال و خمس

آیا خمس فقط بر شخص شاغل واجب است یا بر انسان بیکار هم 

خمس واجب می‌شود؟

در وجوب خمس، فرقی میان انسان شاغل و انسان بیکار نیست. بله؛ تفاوتی که وجود دارد این است که اگر کسی شاغل و دارای درآمد مستمر باشد باید سال خمسی داشته باشد و شخصی که بیکار است و درآمد مستمری هم ندارد می‌تواند برای هر مالی که بدست می‌آورد یک سال جداگانه قرار دهد.

### بلوغ و خمس



آیا خمس فقط بر انسان بالغ واجب است؟ ۱۴۰

یا به اموال بچه‌ی نابالغ هم تعلق می‌گیرد؟  
خمس فقط بر انسان بالغ واجب نیست. بلکه، اگر  
بچه‌ی صغیر هم مالی بدست آورد و تا یک سال  
در مؤونه‌ی زندگی او مصرف نشود، خمس دارد و  
بر ولی او واجب است که خمس آن را بردارد و  
بپردازد؛ و اگر ولی این کار را نکرد، آن صغیر باید خودش پس از بلوغ بپردازد.

### مجنون و خمس

آیا شرط وجوب خمس عاقل بودن شخص است یا به اموال انسان؟ ۱۴۱

مجنون (دیوانه) هم خمس تعلق می‌گیرد؟

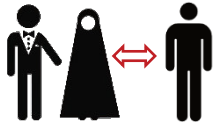
خمس به اموال انسان مجنون هم تعلق می‌گیرد. بنابراین، اگر مجنون مالی  
داشته باشد و تا سر سال در مؤونه‌ی زندگی او صرف نشود، بر ولی او واجب  
است که خمس آن را بردارد و پرداخت نماید. و اگر او این کار را انجام نداد،  
اگر مجنون خوب شد باید خودش بپردازد.

### کافر و خمس

آیا به مال کفار هم خمس تعلق می‌گیرد؟ ۱۴۲

بله. کفار هم مکلف به پرداخت خمس هستند ولی اگر مالی از آنها به دست  
شیعه‌ی دوازده امامی رسید، استفاده از آن برای او حلال است؛ اگرچه می‌داند  
که آن کافر خمس آن را نداده است.

## مجرد و متأهل



آیا برای شخص مجرد هم خمس واجب است؟ ۱۴۳

در وجوب خمس، فرقی میان انسان مجرد و انسان متأهل نیست.

## زن و مرد

آیا در وجوب خمس، بین زن و مرد فرقی هست؟ ۱۴۴

خیر. تفاوتی وجود ندارد.



## زن و شوهر

در زندگی مشترک آیا زن هم موظف است حسابرسی خمس داشته باشد یا همین که شوهرش اهل خمس باشد کافی است؟ ۱۴۵

هر کدام جداگانه باید اموالشان را محاسبه نموده و به مسائل خمسی خود رسیدگی کنند. بله؛ زن می‌تواند به شوهر خود وکالت دهد که مسائل خمسی او را پرسیده و اگر خمسی تعلق گرفت از مال زن بردارد و پرداخت نماید.

## سال خمسی

منظور از سال خمسی چیست؟ ۱۴۶

کسی که درآمد (هر منفعتی) داشته باشد و آن درآمد از سر سال او زیاد بیاید باید خمس آن را بدهد. و منظور از سر سال برای کسی که شغل و درآمد مستمر ندارد این است که از آن درآمد دوازده ماه<sup>۱</sup> بگذرد؛ و برای

۱. بنا بر احتیاط واجب، دوازده ماه قمری

کسی که شغل و درآمد مستمر دارد آن است که روزی که اولین درآمد برای او حاصل شده برسد. مثلاً سال خمسی کارگر اولین روزی است که به سر کار می‌رود اگرچه چیزی دریافت نکرده و فقط طلبکار شده باشد.

### تحقق سال خمسی

سال خمسی چگونه محقق می‌شود؟ آیا خود انسان می‌تواند یک



روز را به سلیقه‌ی خود به عنوان سال خمسی قرار دهد؟

دو حالت دارد:

**حالت اول:** اگر کسی شغل و درآمد مستمر دارد، اولین درآمدی که برای او حاصل می‌شود مبدأ سال خمسی اوست. بنابراین، اگر درآمد او تا همان تاریخ در سال بعد زیاد بیاید، باید خمس آن را بپردازد. و هر ساله باید خمس اموال خود را در آن روز محاسبه نماید.

**حالت دوم:** اگر کسی شغل و درآمد مستمر ندارد، هر مالی که بدست می‌آورد دوازده ماه وقت دارد که اگر تا قبل از آن در مؤونه‌ی زندگی‌اش خرج نکرد باید خمس آن را بپردازد.

- بنابراین، تعیین سال خمسی به دست خود انسان نیست؛ بلکه خود به خود تعیین پیدا می‌کند.

### منظور از حصول درآمد

منظور از حصول درآمد که مبدأ سال خمسی است چیست؟ اولین



روزی که انسان مشغول کار می‌شود یا اولین روزی که درآمد بدست

می‌آورد یا اولین روزی که درآمد وصول می‌شود؟

منظور از آن، اولین درآمدی است که برای او حاصل می‌شود؛ حتی اگر آن درآمد وصول نشده باشد و فقط طلبکار شده باشد.

### سال شمسی یا قمری

آیا سال خمسی باید قمری باشد یا اگر شمسی هم باشد مانعی ندارد؟ 

بنا بر احتیاط واجب، سال خمسی باید قمری باشد.

### تغییر سال خمسی

آیا جایز است انسان سال خمسی خود را تغییر دهد؟ 

دو حالت دارد:

**حالت اول:** اگر می‌خواهد خمس خود را زودتر از سال خمسی بپردازد، اشکال ندارد. مثلاً اگر سال خمسی او اول ماه محرم است، بخواهد اول ماه ذی‌الحجه حساب نماید اشکال ندارد. و می‌تواند از سال بعد، اول ذی‌الحجه را سال خمسی خود قرار داده و اموال خود را محاسبه نماید.

**حالت دوم:** اگر می‌خواهد سال خمسی او دیرتر باشد، برای تغییر سال خمسی باید سر همان سال خمسی قبل اموال خود را محاسبه نماید و دوباره سر تاریخ جدید هم خمس اموال مازاد خود را بپردازد. و در سال‌های بعد، سال خمسی او به تاریخ جدید تغییر می‌کند. برای نمونه، اگر سال خمسی او اول محرم است، چنانچه بخواهد سال خمسی‌اش اول جمادی‌الاول باشد باید یک بار در اول محرم اموال خود را محاسبه

نماید و دوباره در اول جمادی الاول نیز خمس اموالی را که از اول محرم به بعد بدست آورده و صرف مؤونه‌ی زندگی نشده بپردازد. و از سال بعد، سال خمسی او اول جمادی الاول خواهد بود.

### درآمدهای متفرقه و سال خمسی

**۱۵۱ ؟** کسی که شغل مستمر ندارد و دیگران متکفل مخارج او شده‌اند و به صورت مستمر برای او پول می‌فرستند، آیا باید سال خمسی داشته باشد یا اینکه می‌تواند برای هر پولی یک سال جداگانه قرار دهد؟  
باید سال خمسی داشته باشد.

### سال خمسی کسی که فوت شده

**۱۵۲ ؟** شخصی در بین سال از دنیا رفته و اموالی به جا گذاشته است. آیا باید خمس آن اموال را فوری بدهند یا این که می‌توانند تا سر سال خمسی او صبر کنند؟

وقتی انسان از دنیا می‌رود، سال خمسی جدید او تمام می‌شود. بنابراین، آن چه بعد از سال خمسی قبل بدست آورده و تا زمان مرگ در مؤونه‌ی زندگی‌اش خرج نکرده خمس دارد و باید خمس آن فوراً پرداخت شود. برای نمونه، اگر سال خمسی شخصی اول محرم بوده و خمس خود را حساب کرده، چنانچه اول ماه ربیع الاول از دنیا برود باید خمس اموالی را که در ماه‌های محرم و صفر به دست آورده و در مؤونه مصرف نکرده بدهند. و همچنین است اگر خمسی بر ذمه‌ی او بوده و پرداخت نشده - هرچند مربوط به اموال موجود او نباشد - که باید فوراً پرداخت گردد.

## موارد خمس

در هفت چیز خمس واجب می‌شود. در اینجا فقط احکام یک مورد آن که بیشتر مورد نیاز است بیان می‌شود. و آن مورد، منفعت کسب است.



## منفعت کسب

هرگاه انسان از تجارت یا صنعت یا کسب‌های دیگر، مالی به دست آورد، هر چند مثلاً اجرت به جا آوردن نماز و روزه‌ی میتی باشد، چنانچه از مخارج سال خود و عیالاتش زیاد بیاورد، باید خمس آن را بدهد.

## آنچه خمس ندارد

آنچه از منافع کسب که در بین سال به مصرف خوراک و پوشاک و اثاثیه و خرید منزل و ازدواج فرزند و زیارت و مانند اینها از اموری که از مخارج آن سال حساب می‌شود می‌رسد - در صورتی که از شأن او زیاد نباشد - خمس ندارد.

## اقسام اموال

اموال انسان ممکن است یکی از چهار حالت زیر را داشته باشد:

۱. اموالی که اصلاً خمس ندارند
۲. اموالی که خمس آن داده شده است
۳. اموالی که در معرض وجوب پرداخت خمس است
۴. اموالی که از آنها سال گذشته و پرداخت خمس آنها واجب شده است

اموالی که اصلاً خمس ندارد عبارتند از:

**یک- مؤونه‌ی زندگی:** آنچه از درآمد بین سال در موارد زیر مصرف می‌شود، اگر از شأن او زیاد نباشد جزو مؤونه‌ی سال حساب شده و خمس ندارد:



## شأن افراد

منظور از این که گفته می‌شود: «اگر از شأن او زیاد نباشد، جزو مؤونه

۱۵۳ ؟

حساب می‌شود»، چیست؟ شأن افراد چگونه لحاظ می‌شود؟

به جایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد شأن می‌گویند. و تشخیص شأن افراد با عرف مردم است؛ یعنی به نحوی باشد که عقلا بر او خرده نگیرند.

از لحاظ خمسی، اگر کسی مالش را بیشتر از شأن خود خرج و

۱۵۴ ؟

صرف کند چه حکمی دارد؟

باید خمس اموالی را که مازاد بر شأنش مصرف کرده است بپردازد.

## جهیزیه

منظور از این که «جهیزیه خمس ندارد» چیست؟ آیا منظور جهیزیه‌ای

۱۵۵ ؟

است که در خانه‌ی پدر تهیه می‌شود یا منظور بعد از ازدواج است که دختر جهیزیه را به خانه‌ی شوهر می‌برد؟



اگر انسان در شهری باشد که معمولاً هر سال مقداری از جهیزیه‌ی دختر

را تهیه می‌کنند، در صورتی که آن شخص نتواند در غیر این صورت جهیزیه را تهیه کند و ندادن جهیزیه منافی شأن او باشد، چنانچه در بین سال از منافع آن سال جهیزیه بخرد، خمس ندارد؛ و اگر از منافع آن سال، در سال بعد جهیزیه تهیه نماید، باید خمس آن را بپردازد.

و اما نسبت به بعد از ازدواج که دختر جهیزیه را به خانه‌ی شوهر می‌برد، اگر تا سر سال خمسی - اگر شاغل است و سال خمسی دارد - یا تا دوازده ماه بعد از ازدواج - اگر شاغل نیست و سال خمسی ندارد - از هر کدام از آن وسایل استفاده نکرده باشد باید خمسش را بپردازد.<sup>۱</sup>

**۱۵۶؟** آیا به مالی که داماد برای خرید مقداری از جهیزیه کنار می‌گذارد و سال بر آن می‌گذرد خمس تعلق می‌گیرد؟

اگر راهی بجز پس‌انداز کردن برای تهیه‌ی آن وسایل ندارد، بنا بر احتیاط واجب خمس دارد.

**دو- ارث:** ارث خمس ندارد؛ مگر ارثی باشد که انسان انتظار آن را نداشته است (مثلاً خویشان دوری داشته و اصلاً انتظار نداشته که از آنها ارث ببرد) و یا از قبل به مال یا ذمه‌ی میت خمس تعلق گرفته ولی نپرداخته باشد.

**سه- مهر:** مهر زن خمس ندارد؛ چه مهر در عقد دائم باشد و چه مهر در عقد موقت.

**چهار- دیه‌ی اعضا و منافع بدن:** دیه بر دو قسم است:

**الف) دیه‌ی نفس** (یعنی کسی را کشته باشند و دیه‌اش را به ورثه‌ی او

۱. البته، وسایلی که به صورت سرویسی تهیه می‌شود چنانچه در بین سال از بعضی از تکه‌های آن استفاده شود، به بقیه‌ی آن دیگر خمس تعلق نمی‌گیرد.

بدهند؛ که بنا بر احتیاط واجب اگر از مخارج سال زیاد بیاید خمس دارد.  
(ب) دیه‌ی اعضا و منافع (مثل این که دست کسی را قطع کنند  
و دیه‌اش را به او بپردازند)؛ که خمس ندارد.

**پنج- هدیه‌ی غیر معتنا به:** هدیه، بخشش و جایزه‌ای که قدر و قیمت مهمی نزد  
مردم نداشته باشد خمس ندارد. ولی اگر قابل توجه باشد و تا سر سال خمسی در  
مؤونه‌ی زندگی مصرف نگردد، خمس دارد.

### ذخیره برای خرید یا ساخت خانه

**۱۵۷ ؟** اگر پولی را برای خرید یا ساخت خانه ذخیره کنیم، از لحاظ خمسی



چه حکمی خواهد داشت؟

اگر کسی نیاز به خانه‌ی ملکی  
دارد و هیچ راهی برای خانه‌دار  
شدن ندارد مگر با ذخیره کردن  
مال، بنا بر احتیاط واجب پس از  
گذشت یک سال، به آن خمس تعلق می‌گیرد.

### ذخیره برای عروسی

**۱۵۸ ؟** اگر کسی درآمدش را برای مخارج عقد و عروسی ذخیره کند، آیا

خمس دارد؟

کسی که سن ازدواج او فرارسیده و راهی برای تهیه‌ی مخارج آن ندارد  
مگر با ذخیره کردن مال، چنانچه آن ذخیره تا قبل از سال خمسی در  
مؤونه‌ی زندگی صرف نشود، بنا بر احتیاط واجب خمس دارد.

### ذخیره برای سرمایه‌ی کار

۱۵۹ ؟ اگر شخصی درآمدش را جمع کند که با آن سرمایه‌ای تهیه نماید

(مثلاً مغازه یا تاکسی)، آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

اگر راهی غیر از آن برای تأمین مخارج زندگی خود ندارد، بنا بر احتیاط واجب خمس دارد.

### پس انداز داماد برای جهیزیه

۱۶۰ ؟ در بعضی شهرها، داماد وسایل زندگی را برای ازدواج تهیه می‌کند و

خانواده‌ی دختر چیزی نمی‌خرند. اگر داماد درآمدش را برای خرید

جهیزیه ذخیره کند، آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

اگر تمام جهیزیه بر عهده‌ی داماد است و بدون پس‌انداز نمی‌تواند آن را تهیه نماید نه فعلاً و نه در زمان خودش، به پول ذخیره شده خمس تعلق نمی‌گیرد.

### ذخیره برای خرید خودرو

۱۶۱ ؟ بنده به ماشین شخصی نیاز دارم ولی نمی‌توانم یک جا پول آن

را فراهم کنم. اگر کم‌کم پول ذخیره کنم تا پس از چند سال بتوانم

ماشین مورد نیاز خود را تهیه کنم، آیا خمس به آن پول تعلق می‌گیرد؟



کسی که به ماشین شخصی نیاز دارد و راهی غیر از ذخیره کردن مال برای خرید آن ندارد، بنا بر احتیاط واجب خمس دارد.

### پس انداز برای تعمیر خانه



۱۶۲ منزل مسکونی ما قدیمی و

مخروبه شده است ولی برای  
تعمیر آن پول کافی در اختیار  
نداریم. اگر به نیت تعمیر منزل،  
کم کم درآمد خود را ذخیره

کنیم، آیا باز هم خمس خواهد داشت؟

بله. بنا بر احتیاط واجب خمس به آن تعلق می گیرد.

### ذخیره برای سفر زیارتی

۱۶۳ مبلغی پول برای رفتن به زیارت و مخارج ولیمه‌ی آن کنار

گذاشته‌ام. آیا خمس دارد؟

اگر سال بر آن بگذرد و از آن استفاده نکنید، خمس به آن تعلق می گیرد.

### پس انداز برای تحصیل



۱۶۴ بنده مشغول کار هستم ولی برای

تحصیلات بالاتر باید مبلغی را جمع کنم  
تا بتوانم هزینه‌ی دانشگاه را بپردازم. اگر

سال بر آن پول بگذرد، آیا خمس خواهد داشت؟

اگر تحصیل برای شخص ضرورت دارد و او راهی بجز پس انداز کردن برای

تأمین مخارج آن ندارد، بنا بر احتیاط واجب، خمس دارد.

## ذخیره برای عزاداری



۱۶۵ ؟ اگر پول یا مواد خوراکی را - مانند  
برنج و روغن - برای اطعام در  
عزاداری کنار گذاشته باشیم و سال  
بر آن بگذرد، آیا خمس دارد؟

خیر. اگر آن را به قصد قربت کنار گذاشته‌اید، خمس ندارد.

## استفاده از اموال دیگران

۱۶۶ ؟ اگر انسان به منزل کسی برود که می‌داند حسابرسی خمس ندارد،  
وظیفه‌اش چیست؟ آیا می‌تواند از مواد خوراکی او و نظیر آن استفاده  
نماید؟

اگر می‌داند یا حجت شرعیه دارد که به عین مالی که به او تعارف  
کرده خمس تعلق گرفته است، حق ندارد از آن استفاده کند. ولی  
اگر می‌داند که او اهل خمس نیست اما نمی‌داند به آن مال خمس  
تعلق گرفته یا نه، می‌تواند از آن استفاده کند.

## استفاده از اموال شبهه‌ناک

۱۶۷ ؟ اگر از دیگران به ما مالی برسد و شک کنیم که آیا خمس دارد یا  
نه، تکلیف چیست؟

تا زمانی که یقین یا اطمینان یا حجت شرعیه پیدا نکرده‌اید که به عین آن  
مال خمس تعلق گرفته است، استفاده کردن از آن برای شما اشکال ندارد.

### فیش حج

آیا به پولی که برای خرید فیش حج پرداخت می‌شود خمس تعلق می‌گیرد؟ **۱۶۸**



اگر در بین همان سال به حج نرود، باید خمس فیش حج را بپردازد.

### فیش عمره

آیا به پولی که برای خرید فیش عمره پرداخت می‌شود خمس تعلق می‌گیرد؟ **۱۶۹**

اگر در بین همان سال به عمره نرود، باید خمس آن را بپردازد.

### سود فیش حج و عمره

بانک مقداری سود به صاحب فیش حج و عمره می‌پردازد. آیا به این سود هم خمس تعلق می‌گیرد؟ **۱۷۰**

به مقداری از سود که سال بر آن گذشته است خمس تعلق می‌گیرد.

### ثبت نام مشهد یا کربلا



اگر پیش از سال خمسی برای تور زیارتی مشهد یا کربلا ثبت نام کنیم ولی تاریخ حرکت بعد از سال خمسی باشد، حکم خمس آن چگونه است؟ **۱۷۱**

باید خمس آن مبلغ را بپردازید.

### خمس صدقه

اگر صدقات خود را جمع‌آوری کنیم تا به فقیر مورد نظرمان بدهیم  ۱۷۲ و بر آن سال بگذرد، آیا خمس دارد؟  
اگر به قصد صدقه کنار گذاشته‌اید، خمس ندارد.

### خمس طلبکاری

اگر سر سال خمسی، انسان از دیگران طلبکار باشد ولی وصول نشده باشد، وظیفه‌اش نسبت به خمس آن چیست؟  ۱۷۳  
اگر قابل وصول است، باید همان سر سال خمس آن را بدهد. ولی اگر قابل وصول نیست، می‌تواند صبر کند هرگاه وصول شد خمس آن را فوراً بپردازد.

### معامله با مال خمس نداده

کسی با پولی که خمس آن پرداخت نشده چیزی خریده است. حکم این معامله چیست؟  ۱۷۴

اگر با عین پول خمس نداده جنسی را بخرد، یعنی به فروشنده بگوید: «این جنس را به این پول می‌خرم»، چنانچه مجتهد جامع‌الشرایط معامله‌ی یک پنجم آن را اجازه بدهد، معامله صحیح است و خریدار باید یک پنجم آن جنس را به حاکم شرع بدهد. و اگر اجازه ندهد، معامله‌ی آن مقدار (یک پنجم) باطل است. پس اگر پولی را که فروشنده گرفته هنوز از بین نرفته است، حاکم شرع از همان پول خمس آن را برمی‌دارد. و اگر از بین رفته باشد، عوض خمس را از فروشنده یا خریدار مطالبه می‌کند.

ولی اگر جنسی را به ذمه بخرد (نه با عین پول خمس نداده) و بعد از معامله، بهای آن را از پول خمس نداده بپردازد، معامله‌ای که صورت گرفته صحیح است و به مقدار یک پنجم آن پول به فروشنده مدیون است. و حاکم شرع یک پنجم پولی را که به فروشنده داده، اگر از بین نرفته، از همان پول بر می‌دارد؛ و اگر از بین رفته، عوض آن را از خریدار یا فروشنده مطالبه می‌نماید.

### کم شدن بدهکاری در محاسبه

سر سال خمسی، مقداری مال اضافه آمده و مقداری هم بدهی داریم.  ۱۷۵ ؟  
آیا باید اول بدهی را کم کنیم و خمس مابقی را بپردازیم یا خیر؟

این مسأله چند حالت دارد:

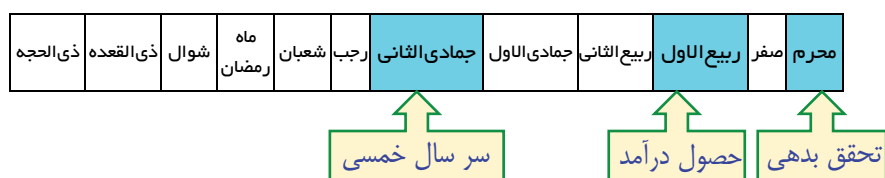
**حالت اول:** این بدهی مربوط است به همان اموالی که از سر سال اضافه آمده است (مثلاً آن دسته از مواد خوراکی را که اضافه آمده به صورت نسیه خریده است). در این حالت، اول بدهی را کم کند سپس خمس مابقی را پرداخت نماید.

**حالت دوم:** بدهی او ربطی به آن اموال اضافه ندارد. در این حالت، دو صورت پیش می‌آید:

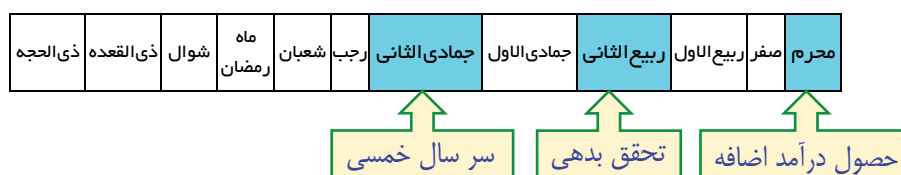
**صورت اول:** این بدهی مربوط است به مؤننه‌ی زندگی؛ که دو فرض در آن موجود است:

فرض یک: این بدهی قبل از حاصل شدن آن اموال اضافه‌ی سر سال محقق شده و مصرف شده است. در

این فرض، بدهی از آن اموال کم نمی‌شود. به عنوان مثال، در ماه محرم برای خرید خودروی سواری شخصی پول قرض کرده است در حالی که اموال اضافی سر سال مربوط به ماه ربیع الاول می‌باشد. در این فرض، بدهی کم نمی‌شود.

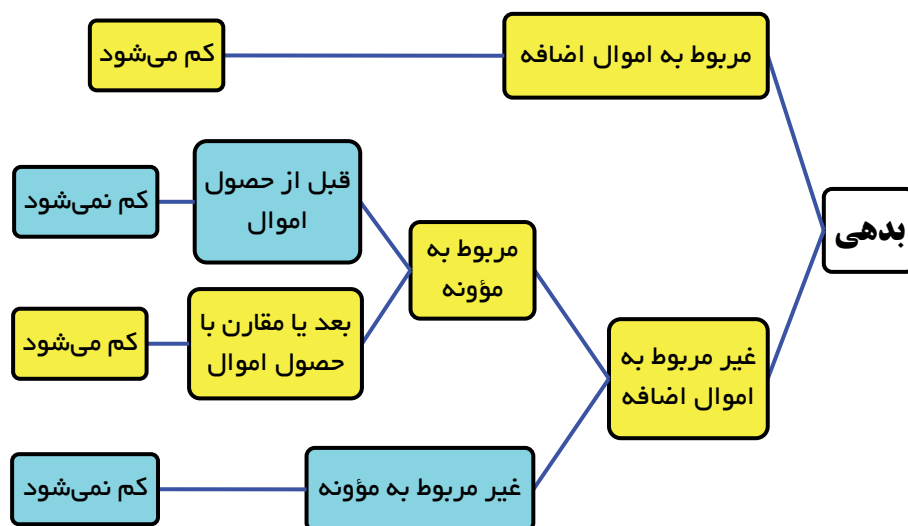


فرض دو: این بدهی پس از حاصل شدن آن اموال اضافی سر سال یا مقارن با آن محقق شده است. در این فرض، اول بدهی را از اموال اضافه کم کرده و سپس خمس مابقی را می‌پردازند.



صورت دوم: این بدهی مربوط به مؤونه نیست. در این صورت، بدهی از اموال اضافی سر سال کم نمی‌شود. به عنوان نمونه، کسی سر سال صد میلیون تومان پول و آذوقه اضافه آورده است و مبلغ پنجاه میلیون تومان بابت ساخت مغازه بدهکار شده است. در این صورت، بدهی کم نمی‌شود؛ بلکه، باید خمس صد میلیون تومان را بپردازد.

جواب سؤال ۱۷۵ در نمودار زیر به اختصار بیان شده است.



اگر شخصی زمان بدهی‌اش قبل از حصول درآمد جدید و اضافی ۱۷۶ ؟  
 سر سال بوده ولی زمان مصرف آن مال (که به خاطرش بدهکار شده) بعد از حصول درآمد اضافه باشد، آیا آن بدهی از اموال اضافه‌ی سر سال کم می‌شود؟ برای مثال، در ماه صفر پولی را قرض گرفته، ربیع‌الثانی درآمد کسب کرده و ماه رجب آن پول قرضی را برای مؤونه‌ی زندگی صرف می‌کند.

معیار برای کم شدن و کم نشدن بدهی از درآمد اضافه، زمان مصرف آن است. بنابراین، در مثالی که در سؤال آمده بدهی از درآمد اضافه کم می‌شود.

### کم شدن مال خمس داده شده

سال گذشته، مجموع پول نقد و آذوقه‌ی اضافه‌ی منزل شخصی ۱۷۷ ؟  
 پنجاه میلیون تومان شده که خمس آن را پرداخت نموده است. آیا

برای امسال باید مقدار مال خمس داده شده‌ی سال پیش را کم کرده و خمس مابقی را بدهد یا نباید کم کند؟

این مسأله دو حالت دارد:

**حالت اول:** اگر مال خمس داده شده را قبل از حاصل شدن درآمد جدید امسال خرج کرده است، در این حالت، کم نمی‌شود. به عنوان نمونه، سال خمسی او اول محرم بوده و خمس اموال خود را داده و اموال خمس داده شده را تا ربیع‌الثانی به طور کامل مصرف کرده و بعداً در ماه رجب درآمد جدیدی برای او حاصل می‌شود. در این حالت، باید خمس همه‌ی درآمد جدیدی را که امسال اضافه آمده است، بپردازد.

**حالت دوم:** اگر مال خمس داده شده را مقارن یا بعد از حاصل شدن درآمد جدید امسال خرج کرده باشد، در این حالت، مقدار مال خمس داده شده‌ی سال پیش را از درآمد اضافی امسال کم کرده و سپس اگر باقیمانده‌ای داشته باشد، خمس مابقی را می‌پردازد. برای مثال، اگر اضافه‌ی درآمد سال پیش او پنجاه میلیون تومان بوده و خمس آن را از روی خود آن مال پرداخت نموده، مبلغ چهل میلیون تومان از درآمد اضافی امسال کم می‌شود.

### خمس رهن خانه

آیا به مبلغی که به عنوان قرض الحسنه (که مردم به آن رهن



می‌گویند) به صاحب‌خانه داده می‌شود خمس تعلق می‌گیرد؟

اگر از درآمد بین سال بوده و چاره‌ای غیر از این برای اجاره‌ی خانه‌ی

مورد نیازش ندارد، تا زمانی که به آن پول احتیاج دارد خمس به آن تعلق نمی‌گیرد؛ و بعد از برطرف شدن نیاز، بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را فوراً بپردازند.

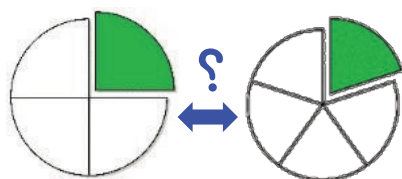
### رهن مغازه یا محل کار

آیا به مبلغی که به عنوان قرض‌الحسنه به صاحب ملک اجاره‌ای (که محل کارمان می‌باشد) داده می‌شود (و مردم به آن رهن می‌گویند) خمس تعلق می‌گیرد؟

اگر از درآمد بین سال بوده و امرار معاشش به آن وابسته باشد، بنا بر احتیاط واجب به آن خمس تعلق می‌گیرد. و اگر امرار معاش او به آن وابسته نباشد، به فتوا خمس دارد.

### یک پنجم یا یک چهارم

در چه صورتی باید خمس را به صورت یک پنجم و در چه صورتی



باید آن را به صورت یک چهارم پرداخت نمود؟

اگر خمس هر مالی را از خود آن جدا کنند و بپردازند، دادن یک پنجم آن به عنوان خمس کافی است و باقیمانده‌ی آن مخمس است و پاک. ولی اگر خمس آن مال را بخواهند از مال دیگری بپردازند، دو حالت پیش خواهد آمد:

**حالت اول:** از مالی بدهد که اصلاً خمس ندارد (مثل ارث از کسی که

توقع ارث بردن از او را داشته و مورث بدهکار خمس نبوده است) یا اگر خمس دارد، خمس آن را داده‌اند. در این صورت، دادن یک پنجم آن کافی است.

**حالت دوم:** از مالی بدهند که اگر تا سر سال بماند خمس به آن تعلق می‌گیرد (مانند آن که از درآمد سال بعد بخواهد خمس اموال سال قبل را بپردازد). در این حالت، اگر خود آن مالی که خمسش واجب شده بود باقی مانده باشد باید به اندازه‌ی یک چهارم آن مال را بپردازد. مثلاً اگر مال اضافه‌ی سال قبل ده میلیون تومان است و هنوز هم مصرف نشده، چنانچه بخواهد خمس آن را (که دو میلیون تومان می‌شود) از درآمد سال بعدش بپردازد باید مبلغ دو میلیون و پانصد هزار تومان بدهد.

### خمس قرض

اگر مبلغی را از دیگران قرض کرده باشیم و تا سر سال خرج نکنیم،  خمس دارد؟

اگر هنوز آن قرض را پس نداده‌اید، خمس ندارد.

### خمس وام

اگر مبلغی را به عنوان وام گرفته باشیم - وامی که از نظر شرعی جایز باشد - آیا خمس دارد؟ 

اگر آن را تا پیش از سال خمسی در مؤونه‌ی زندگی خود مصرف کرده‌اید،

خمس ندارد. و اگر آن را به مصرف نرسانده‌اید، دو صورت پیدا می‌کند:

**صورت اول:** چنانچه تا سر سال خمسی هیچ قسطی از آن را پرداخت ننموده‌اید، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد.

**صورت دوم:** اگر تعدادی از اقساط آن را پرداخت نموده‌اید، باید سر سال خمسی خمس آن تعداد از اقساط را بپردازید.

### پرداخت خمس از مالی دیگر

آیا می‌شود خمس مالی را از مالی دیگر بپردازیم؟ برای نمونه، خمس  ۱۸۳ برنج را از گندم بدهیم یا بالعکس.

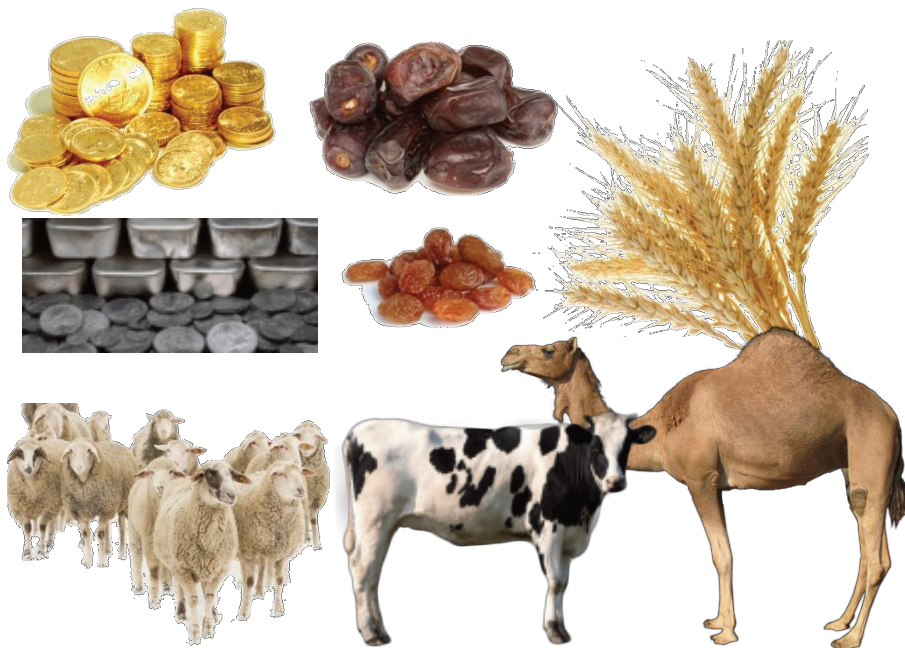
انسان می‌تواند خمس هر چیزی را از همان چیز بدهد یا به مقدار قیمت خمسی که بدهکار است پول رایج بدهد؛ و بنا بر احتیاط واجب از چیز دیگر ندهد مگر با اذن مجتهد جامع الشرایط.



## زکات

زکات نه چیز واجب است:

یک- گندم، دو- جو، سه- خرما، چهار- کشمش، پنج- طلا، شش- نقره،  
هفت- شتر، هشت- گاو، نه- گوسفند



و اگر کسی مالک یکی از نه چیز باشد، با شرایطی، باید مقداری که معین شده به یکی از مصرف‌هایی که دستور داده‌اند برساند. زکات در صورتی واجب می‌شود که

مال به مقدار نصاب برسد<sup>۱</sup>.

### مقدار زکات

اگر گندم و جو و خرما و انگور<sup>۲</sup> از آب باران یا نهر مشروب شود، یا از رطوبت زمین استفاده کند، زکات آن یک دهم است. و اگر با دلو و مانند آن آبیاری شود زکات آن یک بیستم خواهد بود.



### موارد مصرف زکات

زکات در هشت مورد صرف می شود که بعضی از آنها عبارتند از:

یک فقیر (یک) دو مسکین

سه فی سبیل الله<sup>۳</sup> چهار ابن السبیل (مسافری که در سفر درمانده شده)

۱. نصاب گندم و جو و خرما و کشمش تقریباً هشتصد و چهل و هفت کیلوگرم می باشد.
۲. اگر انگور به مقداری باشد که چنانچه کشمش بشود به حد نصاب می رسد، باید زکات آن را بدهند.
۳. بنا بر احتیاط واجب، اگر فقیر در محل باشد نمی توان زکات را در این مورد مصرف کرد.

## زکات فطره

کسی که موقع غروب شب عید فطر بالغ و عاقل است و فقیر و بنده‌ی کسی نیست به این معنی که ماه رمضان را - اگر چه به یک آن، تا تحقق غروب - با این شرایط درک کند، باید برای خودش و کسانی که نان‌خور او هستند هر نفری یک صاع - که تقریباً سه کیلوگرم است - گندم یا آرد یا خرما یا کشمش یا برنج و مانند این‌ها به مستحق بدهد. و بنا بر احتیاط واجب، غذای معمول محلش باشد. و اگر پول یکی از این‌ها را هم بدهد کافی است.



## زکات فطره‌ی میهمان

اگر کسی شب عید فطر میهمان کسی باشد، آیا فطریه‌ی او بر عهده‌ی میزبان است؟ ۱۸۴ ؟

چنانچه میهمان با رضایت صاحب‌خانه پیش از غروب شب عید فطر وارد شده و شب را آن‌جا بماند، فطریه‌اش بر عهده‌ی میزبان است.

## زکات طلا

آیا به طلای زینتی خانم‌ها زکات تعلق می‌گیرد؟ در مورد  
سکه‌ی طلا چگونه؟

۱۸۵ ؟



زکات به طلای زینتی و سکه‌های امروزی تعلق نمی‌گیرد. و زکات مربوط  
به سکه‌هایی است که در گذشته از آن به عنوان پول رایج استفاده  
می‌کرده‌اند.

## خرید و فروش

### خرید و فروش عروسک

حکم خرید و فروش عروسک - چه عروسک انسان و چه عروسک ۱۸۶ ?



حیوان - و ساخت و نگهداری آن چیست؟

خرید و فروش و نگهداری عروسک جایز است؛ اگرچه احتیاط مستحب این است که ترک شود. ولی ساخت آن حرام است.

### خرید و فروش مجسمه

خرید و فروش، ساخت، آموزش و ۱۸۷ ?



نگهداری مجسمه چه حکمی دارد؟

خرید و فروش آن جایز است؛ اگرچه احوط ترک است. ساختن مجسمه‌ی جاندار - انسان یا حیوان - حرام است. گرفتن اجرت برای ساخت و آموزش آن حرام است. نگهداری آن جایز است؛ اگرچه ترک آن بهتر است.

### خرید و فروش سگ



خرید و فروش سگ چه حکمی دارد؟ **۱۸۸** ؟

خرید و فروش سگ باطل است و بنا بر احتیاط واجب، حرام (گناه). و فقط خرید و فروش سگ شکاری اشکال ندارد.

### خرید و فروش خون

حکم خرید و فروش خون چیست؟ آیا جایز است انسان - مثلاً - یک



واحد از خون بدنش را به دیگران بفروشد؟

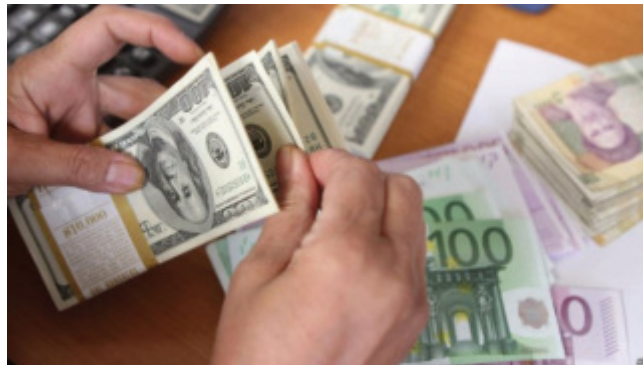
اهدای خون به بیمارانی که احتیاج به تزریق خون دارند جایز است؛ و گرفتن مبلغی در مقابل دادن خون مانعی ندارد. و در هر صورت باید خون دادن برای صاحب آن ضرر جانی نداشته باشد. و همچنین خرید و فروش آن برای تزریق به دیگران صحیح و حلال است؛ ولی احتیاط مستحب، ترک آن است.

### خرید و فروش اسکناس (پول)

آیا خرید و فروش پول جایز است؟ **۱۹۰** ؟

خرید و فروش پول در صورتی که از یک جنس نباشد - به عنوان مثال، دلار را به تومان بفروشند یا بر عکس - اشکال ندارد. ولی اگر از یک جنس باشد، خرید و فروش آن به مقدار کمتر یا بیشتر بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. به عنوان مثال، یک بسته‌ی صدتایی اسکناس ده هزار تومانی را به

یک میلیون و صد هزار تومان بفروشند.



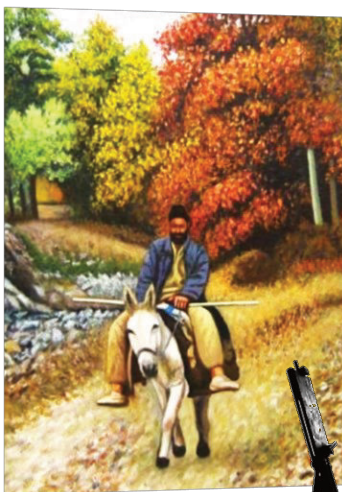
ولی چنانچه مالک مبلغ کمتر با مالک مبلغ بیشتر بر این مصالحه کند که مالک مبلغ بیشتر، آن را به او ببخشد و او هم مبلغ کمتر را به مالک مبلغ بیشتر ببخشد، اشکال ندارد. مثلاً مالک یک میلیون و صد هزار تومان به قصد مصالحه بگوید: «مصالحه می‌کنم با تو بر این که یک میلیون تومان به من ببخشی و من هم یک میلیون و صد هزار تومان به تو ببخشم».

### خرید و فروش نقاشی

حکم خرید و فروش و نگهداری ۱۹۱ ؟

نقاشی و کشیدن آن چیست؟

کشیدن نقاشی جاندار - چه انسان و چه حیوان - بنا بر احتیاط واجب حرام است. ولی خرید و فروش و نگهداری آن جایز است؛ اگرچه بهتر آن است که این کار ترک شود.



## بچه‌ی نابالغ



آیا خرید و فروش با بچه‌ی نابالغ

صحیح است؟

خرید و فروش با بچه‌ی نابالغ  
چهار حالت دارد:

- **حالت اول:** بچه مستقلاً با مال خودش معامله نماید. در این حالت، معامله باطل است.
- **حالت دوم:** معامله با ولی بچه و در مال بچه باشد - با شرایط آن - و بچه فقط صیغه‌ی معامله را جاری کند. در این حالت، معامله صحیح است.
- **حالت سوم:** معامله در مال خود بچه نباشد و بچه‌ی ممیز و کالتاً از طرف صاحب مال معامله کند. در این حالت، معامله صحیح است.
- **حالت چهارم:** بچه فقط وسیله باشد که جنس را به مشتری و پول را به فروشنده برساند. در این حالت، اگر اطمینان داشته باشند که بچه مال را به هر دو طرف (خریدار و فروشنده) می‌رساند، معامله صحیح است؛ حتی اگر بچه ممیز هم نباشد.

چه کسی می‌تواند برای بچه‌ی نابالغ معامله کند؟

افرادی که می‌توانند برای بچه‌ی نابالغ معامله کنند عبارتند از:

یک. پدر

دو. پدربزرگ پدری

سه. وصی پدر یا وصی پدربزرگ که او را قیم بر بچه قرار داده است

۱۹۳ ؟

### چهار. وکیل پدر یا پدربزرگ پدری

البته، نباید خرید و فروش به ضرر آن بچه باشد. بلکه، باید بنا بر احتیاط واجب به مصلحت او باشد.

حکم خرید و فروش اموال بچه‌ی نابالغ توسط مادر یا برادر یا اشخاص دیگر را بیان فرمایید. 

چنانچه از پدر یا پدربزرگ پدری او اجازه‌ی آن کار را داشته باشند، اشکال ندارد.

### خرید و فروش مال وقفی

خرید و فروش مال وقف شده چه حکمی دارد؟ 

معامله‌ی چیزی که وقف شده باطل است؛ ولی اگر به طوری خراب شود یا در معرض خرابی قرار گیرد که نتوانند استفاده‌ای را که مال برای آن وقف شده از آن ببرند، فروش آن اشکال ندارد. به عنوان مثال، فرش مسجد به طوری خراب شود که نتوانند روی آن نماز بخوانند. و در صورتی که ممکن باشد، باید عوض آن را در همان مسجد به مصرفی برسانند که به غرض واقف نزدیک‌تر باشد. و در هر حال، تصرف در وقف به فروش و همچنین تصرف در عوض آن باید توسط متولی وقف، و در صورت نبودن او به اذن حاکم شرع باشد.

### معامله‌ی نقد و اقساط

آیا می‌شود انسان جنسی را به صورت نقد و اقساط خرید و 

فروش نماید؟ برای نمونه، نصف پول را اول معامله و بقیه را به صورت اقساطی پرداخت کند.

بلی؛ جایز است انسان مقداری از مال را به صورت نقد و مقداری دیگر را به صورت نسیه و اقساطی معامله کند. به عنوان مثال، اگر قیمت ماشینی هفتصد میلیون تومان است، پانصد میلیون تومان آن را به صورت نقدپردازد و دویست میلیون دیگر را مثلاً به صورت اقساطی ده ماهه به این صورت که هر ماه مبلغ بیست میلیون تومان پردازد.

### معامله‌ی نسیه

در معامله‌ی نسیه - که هنوز وقت پول آن نرسیده - اگر فروشنده بگوید: «اگر پول را زودتر پرداخت کنی، حاضرم کمتر بگیرم»، در این صورت چه حکمی دارد؟

اگر فروشنده بگوید: «این مقدار پول را به صورت نقد به من پرداز، من هم بقیه را به تو واگذار می‌کنم» و مشتری هم این مطلب را قبول کند، در چنین صورتی اشکال ندارد. به عنوان مثال، اگر مبلغ معامله صد میلیون تومان بوده که موعد آن سه ماه دیگر است، فروشنده بگوید: «مبلغ نود میلیون تومان به من بده، من هم بقیه را به تو واگذار می‌کنم» و خریدار هم قبول نماید، در این صورت اشکال ندارد.

شخصی جنسی را به صورت نسیه خریده ولی نمی‌تواند پول آن را سر موعد مقرر پرداخت کند. آیا می‌تواند از فروشنده مهلت بیشتری گرفته و در مقابل، پول بیشتری پردازد؟ به عنوان مثال، اگر بدهی او

صد میلیون تومان بوده به فروشنده چنین بگوید: «اگر سه ماه مهلت بدهی، مبلغ صد و بیست میلیون تومان می‌پردازم».

خیر؛ چنین کاری را نمی‌توان انجام داد و گرفتن مبلغ اضافه حرام است. البته، مهلت دادن بدون گرفتن مبلغ اضافه اشکال ندارد.

در معامله‌ی نسیه اگر خریدار سر وقت مشخص شده پول را ندهد،  
 وظیفه چیست؟

این مسأله دو حالت دارد:

**حالت اول:** خریدار پول دارد ولی عمداً نمی‌دهد. در این حالت، فروشنده سه راه دارد:

یک. با مراجعه به مجتهد جامع‌الشرایط خریدار را مجبور کند که پول او را پرداخت کند.

دو. معامله را بهم زده و در صورتی که جنس موجود است آن را پس بگیرد. و اگر موجود نبود، چنانچه آن جنس مثلی بوده، می‌تواند مثل آن را پس بگیرد و اگر قیمی بوده، می‌تواند قیمت آن را طلب نماید.<sup>۱</sup>

سه. به همین حالت راضی شود و صبر کند خریدار پول او

۱. اجناس دو گونه‌اند:

الف) **مثلی:** به چیزهایی گفته می‌شود که خصوصیات افراد صنف آنها معمولاً از جهت ارزش و رغبت مردم تفاوت ندارد، مانند حبوبات.  
 ب) **قیمی:** به چیزهایی گفته می‌شود که خصوصیات افراد صنف آنها از جهت ارزش و رغبت مردم تفاوت داشته باشد، مانند حیوانات.

را پرداخت نماید.

**حالت دوم:** خریدار پول ندارد. در این حالت، فروشنده فقط راه دوم و سوم حالت قبلی را می‌تواند انتخاب کند.

### فروش مال قبل از تحویل گرفتن

آیا جایز است انسان مالی را که خریداری نموده ولی هنوز تحویل نگرفته است، بفروشد؟ 

اگر انسان مالی را به صورت سلف خریده باشد، نمی‌تواند آن را پیش از تمام شدن مدت به دیگری بفروشد. و همچنین، بنا بر احتیاط واجب، نمی‌تواند آن را به خود فروشنده هم بفروشد. و اگر انسان جنسی را به صورت نقد یا نسیه و یا به صورت سلف خریده باشد که زمان تعیین شده برای تحویل گرفتن مال فرا رسیده باشد، دو حالت دارد:

**حالت اول:** مال مورد معامله به صورت وزنی یا پیمانه‌ای خرید و فروش می‌شود، مانند گندم و برنج. در این حالت، اگر بخواهد به قیمت بالاتری بفروشد، جایز نیست، ولی فروش آن به قیمت مساوی یا پایین‌تر اشکال ندارد.

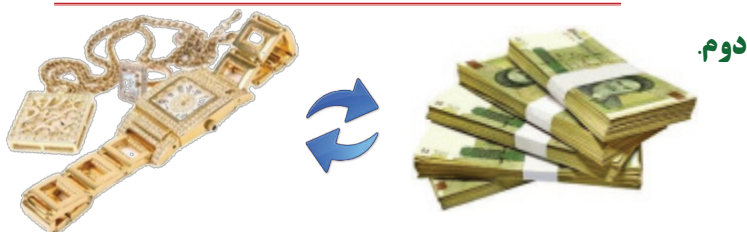
**حالت دوم:** مال مورد معامله به صورت وزنی یا پیمانه‌ای خرید و فروش نمی‌شود، مانند وسایل خانه و ماشین. در این حالت، خریدار می‌تواند آن مال را حتی به قیمت بالاتر از مبلغ خریداری شده به شخص دیگری بفروشد.

## معامله‌ی طلا

روش صحیح تعویض طلای کهنه با طلای نو چیست؟ 

تعویض طلای کهنه با طلای نو دو راه دارد که عبارتند از:

یک. طلاها را در دو معامله‌ی مستقل معامله کنند. مثلاً اول مشتری طلای کهنه‌ی خودش را به پول فروخته سپس با آن پول - اگر خواست - طلای نو و ساخته را از طلافروش خریداری کند.



دو. طرفی که طلای کمتر را می‌دهد چیزی را همراه آن ضمیمه کند. به عنوان مثال، صد گرم طلای کهنه را به نود گرم طلای نو و یک جعبه دستمال کاغذی بفروشد که ده گرم طلای اضافه در مقابل یک جعبه دستمال کاغذی باشد.



### ۲۰۲ ؟ حکم ساخت و خرید و فروش طلای مردانه چیست؟

ساخت طلای مردانه و خرید و فروش آن - بنا بر احتیاط واجب - حرام و باطل است؛ چه طلای زرد باشد و چه طلای سفید. و اگر به این قصد باشد که مرد از آن استفاده کند، حکم مذکور به فتوا خواهد بود.

### ۲۰۳ ؟ غالباً طلافروش‌ها با طلاساز این گونه معامله می‌کنند که - به عنوان

نمونه - نیم کیلو طلای کهنه و شکسته یا طلای خام را به او داده و در مقابل آن نیم کیلو طلای ساخته گرفته و اجرت آن را هم پرداخت می‌کنند. حکم این گونه معاملات چیست؟



چنین خرید و فروشی، معامله‌ی ربوی و حرام است. ولی برای پرهیز از مبتلا شدن به ربا در این معامله دو راه وجود دارد که عبارتند از:

یک. همان طلایی را که طلافروش می‌آورد، طلاساز بسازد و اجرت ساخت آن را بگیرد.

دو. در دو معامله طلاها را رد و بدل کنند. یعنی طلافروش طلای کهنه یا خام را به طلاساز بفروشد و بعد - اگر خواست - با پولی که از طلاساز طلبکار است طلای نو و ساخته را بخرد.

**۲۰۴ ؟** اگر کسی به طلافروش یا طلاساز بگوید: «یک کیلو طلا به تو می‌دهم به مدت یک سال، که با آن خرید و فروش نموده و ماهیانه ده میلیون تومان اجاره‌ی آن را به من بدهی»، این معامله چه حکمی دارد؟

یکی از شرایط مالی که آن را اجاره می‌دهند این است که با اجاره دادن، عین آن مال از بین نرود. بنابراین، اجاره دادن طلایی که باید آن را آب کنند و بسازند و سپس بفروشند باطل است. ولی برای این که معامله صحیح و جایز باشد و مشتری و طلافروش نیز به هدف خود برسند، دو راه پیشنهاد می‌شود:

یک. مشتری با طلافروش در سرمایه شریک شود. به عنوان مثال، اگر طلافروش چهار کیلو طلا دارد، مشتری یک کیلو از آن طلا را بخرد. بنابراین، در آن سرمایه، سه به یک شریک هستند و هر سودی که حاصل شود سه چهارم آن برای طلافروش و یک چهارم از آن برای مشتری است.

دو. مشتری طلای خود را در اختیار طلافروش بگذارد که با آن معامله کند و تمام سود آن مال مشتری است و طلافروش اجرت عمل خود را بردارد.

### شرط فروش مال به خودش

**۲۰۵ ؟** اگر فروشنده به مشتری این طور بگوید: «این مال را به تو فروختم به این شرط که دوباره آن را به خود من بفروشی»، این معامله چه حکمی دارد؟

جواب این مسأله چند حالت دارد:

**حالت اول:** فروشنده شرط می‌کند که دوباره به همان قیمت به او فروخته شود. در این حالت، این شرط صحیح است و باید طبق آن عمل شود.

**حالت دوم:** فروشنده مال را به صورت نسیه فروخته و شرط نموده که مشتری آن را به صورت نقد با قیمت پایین‌تر دوباره به او بفروشد. در این حالت، این شرط جایز نیست.<sup>۱</sup>

**حالت سوم:** معامله به صورت نقد انجام شده و فروشنده شرط کند که مشتری دوباره آن مال را با قیمت پایین‌تر به او بفروشد. این شرط نیز بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. و همچنین است - بنا بر احتیاط واجب - اگر خریدار شرط کند که فروشنده دوباره آن مال را به قیمت بالاتر از او بخرد.

### حق پشیمانی

روش صحیح حق پشیمانی چگونه است؟ ۲۰۶

روش صحیح حق پشیمانی بدین صورت است که طرفین در ضمن معامله شرط کنند که اگر هر کدام از طرفین تا زمان مشخصی به دیگری فلان مبلغ را بدهد بتواند معامله را به هم بزند. برای نمونه، خریدار به فروشنده این‌گونه بگوید: «این خانه را از تو خریدم به شرط این‌که اگر تا سه ماه آینده هر کدام از ما به دیگری مبلغ دویست میلیون تومان داد، بتواند معامله را به هم بزند».

۱. مانند این‌که فروشنده ماشین خود را به صورت نسیه‌ی شش ماهه به قیمت هفتصد میلیون تومان می‌فروشد و شرط می‌کند که دوباره مشتری همان ماشین را به قیمت ششصد میلیون تومان به صورت نقدی به او بفروشد.

### کم‌فروشی



کم‌فروشی حرام است و از گناهان کبیره شمرده شده. به عنوان مثال، یک کیسه برنج مشخص را به عنوان ده کیلو

بفروشد در حالی که واقعا نه کیلو باشد. در این صورت، اگر خریدار متوجه این مسأله شد می‌تواند معامله را فسخ نماید. ولی اگر ده کیلو برنج را به ذمه بفروشد و هنگام تحویل دادن، کمتر از وزن فروخته شده را تحویل دهد، این معامله صحیح است و خریدار نمی‌تواند معامله را به هم بزند؛ بلکه بر فروشنده واجب است بقیه‌ی برنج را هم تحویل دهد.

### احتکار



احتکار یعنی حبس و نگهداری اجناس و نفروختن آنها به امید گران شدن، در حالی که مسلمانان به آن اجناس نیاز داشته

باشند و اشخاص دیگری هم نباشند که آن اجناس را در معرض فروش قرار دهند. احتکار از نظر شرعی حرام است. البته، اگر اجناس در بازار موجود باشد، حبس و نگهداری آنها به خاطر گران شدن اشکال ندارد.

## ۲۰۷؟ اجناسی که احتکار آن‌ها حرام است، کدامند؟

اجناسی که احتکار آن‌ها حرام است عبارتند از: گندم، جو، خرما، کشمش، روغن حیوانی و روغن زیتون.



## گران‌فروشی

گران‌فروشی کاری ناپسند است. و مکروه است انسان بیشتر از مقدار نیازش از شخص مؤمن سود بگیرد.

## قسم خوردن

قسم خوردن در معامله اگر راست باشد مکروه، و اگر دروغ باشد حرام است.



## ربا از دیدگاه قرآن کریم

ربا از نظر شارع مقدس حرام و از گناهان کبیره شمرده شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup>  
ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ از خدا بترسید و آنچه را از ربا باقی مانده رها کنید،  
اگر به راستی اهل ایمان هستید.

در آیه‌ی شریفه‌ی دیگر، قرآن کریم دوری نکردن از ربا را جنگی از سوی خدا و رسول عنوان نموده است. آن‌جا که می‌فرماید: ﴿فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾<sup>۲</sup>

## اقسام ربا

ربا بر دو قسم است: یک- ربای در معامله، دو- ربای در قرض

---

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۷۸

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۷۹

### یک - ربای در معامله

ربای در معامله بدین صورت است که شخصی مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می‌فروشند به زیادت‌تر از همان جنس بفروشد. این معامله ربا و حرام و باطل است. به عنوان مثال،

- ده کیلو برنج ایرانی به پانزده کیلو برنج خارجی معامله شود.
- صد گرم طلای نو و ساخته به صد و ده گرم طلای کهنه فروخته شود.
- پنج کیلو مس نو و ساخته به ده کیلو مس کهنه و شکسته فروخته شود.
- چهار کیلو روغن آفتابگردان مایع به پنج کیلو روغن آفتابگردان جامد معامله شود.



آیا در تحقق ربا لازم است چیزی که اضافه گرفته می‌شود از همان جنسی باشد که به طرف مقابل داده می‌شود؟ ۲۰۸ ؟

خیر؛ لازم نیست چیزی که اضافه گرفته می‌شود از همان جنس باشد. بلکه، اگر پول یا جنس دیگری هم به عنوان اضافه گرفته شود، باز هم ربا و حرام است. به عنوان مثال،

- صد گرم طلای نو و ساخته به صد گرم طلای کهنه و ده میلیون تومان پول فروخته شود؛ یا
- پنج کیلو روغن مایع به پنج کیلو روغن جامد و یک کیلو برنج معامله شود.

اگر در معامله چیزی اضافه گرفته نشود ولی شرط شود که طرف مقابل کاری انجام دهد، آیا در این صورت باز هم ربا حساب می‌شود؟

بلی؛ اگر چیزی در معامله به عنوان اضافه گرفته نشود ولی شرط شود که طرف مقابل کاری برای او انجام دهد، در این صورت نیز ربا و حرام و معامله باطل است. به عنوان مثال، پنج کیلو روغن مایع به پنج کیلو روغن جامد فروخته شود به شرط این که خریدار یک روز برای فروشنده کار کند.

با توجه به مطالب فوق، برای ربوی شدن معامله دو شرط لازم است:

**یک.** هر دو کالایی که باهم مبادله می‌شود از یک جنس باشند، مانند برنج با برنج، گندم با گندم یا طلا با طلا.

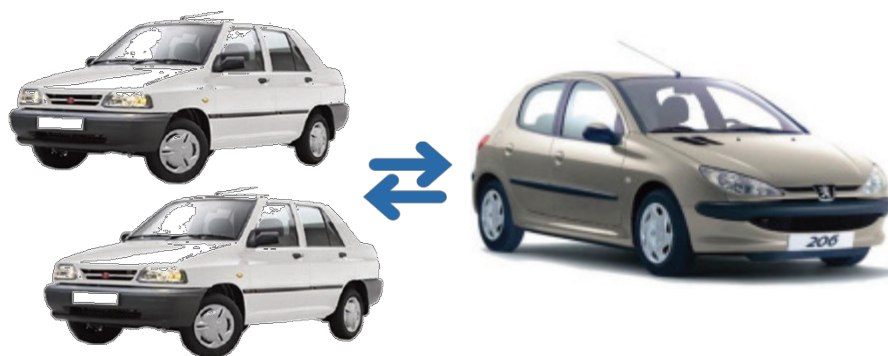


**دو.** جنس فروخته شده از چیزهایی باشد که به صورت وزنی یا پیمانه‌ای

خرید و فروش می‌شود.



بنابراین، اگر یک ماشین به دو ماشین فروخته شود ربا نیست و اشکال ندارد. و همچنین است اگر دو متر پارچه در مقابل پنج متر پارچه معامله شود.<sup>۱</sup>



۲۱۰؟ آیا جایز است صد کیلو گندم به صد و ده کیلو جو فروخته شود؟

خیر؛ جایز نیست. چون گندم و جو در بحث ربا یک جنس حساب می‌شوند. بنابراین، فروختن صد کیلو گرم گندم در مقابل صد و ده کیلو گرم جو ربا و حرام و معامله باطل است.

۲۱۱؟ آیا می‌شود ده کیلو شیر داده شود و پنج کیلو ماست گرفته شود؟

خیر؛ خرید و فروش چیزهایی که اصل آن‌ها یک جنس است به کمتر و

۱. البته باید توجه داشت که در مسأله تفصیلی هست و آن این است که اگر چیزی را که مثل پارچه با متر می‌فروشند یا چیزی را که مثل گردو و تخم مرغ با شماره (به صورت دانه‌ای) معامله می‌کنند بفروشد و زیاده‌تر بگیرد، در صورتی که معامله بین دو عین شخصی باشد اشکال ندارد. و همچنین است اگر به مافی‌الذمه بفروشد و بین آنها امتیاز باشد (یعنی با هم متفاوت باشند)، مثل این که ده عدد تخم مرغ بزرگ را به یازده عدد تخم مرغ متوسط در ذمه بفروشد، ولی اگر بین آنها هیچ امتیاز نباشد، صحت معامله محل اشکال است. و همچنین فروختن اسکناس - هرچند معدود است نه وزنی و پیمانه‌ای - به زیاده‌تر، اگر هر دو از یک جنس باشند - مثل تومان به تومان - چه هر دو عین شخصی یا شخصی به مافی‌الذمه باشد، محل اشکال است.

بیشتر ربا و حرام است. به عنوان مثال، پنج کیلو ماست به ده کیلو شیر فروخته شود.

### جاهل به مسأله

اگر معامله از روی جهل به صورت ربوی انجام شود، وظیفه چیست؟  ۲۱۲

خرید و فروشی که به صورت ربوی انجام شود مطلقاً باطل است. یعنی فرقی ندارد که شخص عالم به مسأله باشد یا جاهل. بنابراین، در چنین معاملهای لازم است همه‌ی مال به صاحب آن برگردانده شود.

### دو - ربای در قرض

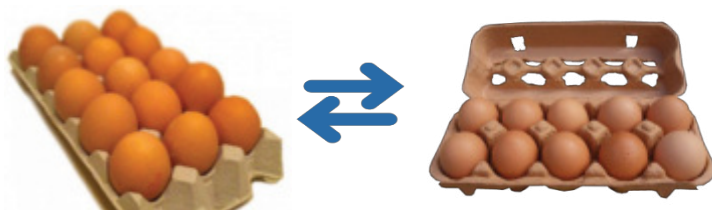
ربای در قرض بدین صورت است که شخص قرض‌دهنده شرط کند که زیادت‌ر از مقدار قرض داده شده بگیرد. در این صورت، ربا و حرام است؛ و در این حکم فرقی نمی‌کند که:

**الف)** آن زیاده از همان جنس باشد. به عنوان مثال،

- صد میلیون تومان قرض داده شود به شرط این که صد و بیست میلیون گرفته شود.

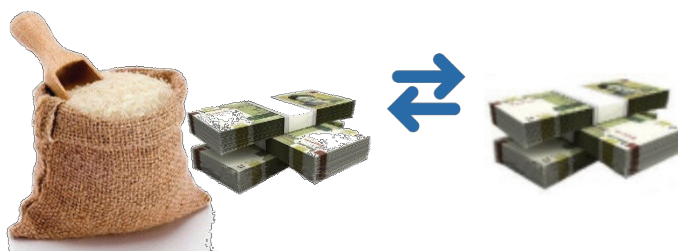
- ده کیلو برنج قرض داده شود به شرط پانزده کیلو برنج.

- ده عدد تخم مرغ قرض داده شود به شرط پانزده عدد.



(ب) آن زیاده از جنس دیگری باشد. به عنوان مثال،

- ده کیلو برنج قرض داده شود به شرط ده کیلو برنج و یک کیلو روغن.
- صد میلیون تومان قرض به شرط صد میلیون تومان و ده کیلو برنج.



(ج) آن زیاده کار باشد نه جنس. به عنوان مثال، پنجاه میلیون تومان قرض در مقابل پنجاه میلیون تومان به اضافه‌ی یک روز کار کردن برای قرض‌دهنده.



(د) شرط کند که همان جنس را به شکل مخصوص بگیرد. به عنوان مثال، نیم کیلو طلای کهنه و شکسته قرض داده شود در مقابل نیم کیلو طلای نو و ساخته.



اگر خود قرض‌گیرنده بخواهد چیزی به عنوان زیاده و اضافه ۲۱۳ ؟ به طلبکار بدهد، چه حکمی دارد؟

اگر قرض‌دهنده شرط زیاده نکند ولی خود بدهکار بخواهد چیزی به عنوان

زیاده بدهد، اشکال ندارد. بلکه، چنین کاری مستحب است.

**۲۱۴ ؟** اگر قرضی به صورت ربوی انجام شده باشد، وظیفه‌ی قرض‌دهنده چیست؟

قرض‌دهنده‌ای که شرط زیاده کرده دو حالت دارد:

**حالت اول:** می‌دانسته که قرض ربوی حرام است و عمداً ربا گرفته است. در این حالت، باید هرچه را زیاده و اضافه گرفته به صاحب آن برگرداند.

**حالت دوم:** نمی‌دانسته که قرض ربوی حرام است و یا می‌دانسته که قرض ربوی حرام است ولی نمی‌دانسته کاری که انجام داده قرض ربوی حساب می‌شود. در این حالت - اگر توبه کرد - آنچه را گرفته لازم نیست برگرداند؛ ولی بعداً نباید آن زیاده را بگیرد.

**۲۱۵ ؟** اگر قرض به صورت ربوی انجام شده باشد، وظیفه‌ی قرض‌گیرنده چیست؟ آیا باید آن مال را برگرداند؟

کسی که قرض ربوی گرفته گناه کرده است؛ ولی مالک آن مال شده و می‌تواند در آن تصرف نماید اگرچه بهتر است در آن تصرف نکند. البته، نباید چیزی را به عنوان زیاده به قرض‌دهنده بدهد.

**۲۱۶ ؟** در چه مواردی ربا جایز است؟

مسلمان از کافر حربی می‌تواند ربا بگیرد. ولی معامله‌ی ربا با کافری که در پناه اسلام است جایز نیست؛ هرچند اگر بعد از معامله ربا گرفتن در شریعتش جایز باشد، می‌تواند بگیرد. و پدر و فرزند و شوهر و زن دائمی می‌توانند از یکدیگر ربا بگیرند.

## فرق ربا در قرض و بیع

آیا ربا قرضی با ربای در بیع متفاوت است؟ 

ربا در بیع و قرض از سه جهت متفاوت است که عبارتند از:

یک. در قرض، هر نوع زیادی که شرط شود ربا و حرام است. ولی در بیع، زیادی در صورتی حرام است که چیز فروخته شده و عوض آن از یک جنس باشند و با کیل یا وزن فروخته شوند؛ که در این صورت، زیادی ربا و حرام است. بنابراین، اگر از یک جنس نباشند و یا با کیل و وزن فروخته نشوند، زیاده گرفتن در آن حرام نیست. مانند اجناسی که به صورت عددی فروخته می‌شوند.

دو. ربا در بیع موجب بطلان بیع است و نقل و انتقالی محقق نمی‌شود. و در قرض، ربا موجب بطلان قرض نیست و قرض‌گیرنده مالک مالی که قرض گرفته می‌شود؛ ولی قرض‌دهنده مالک مقدار زیادی که شرط شده نمی‌شود.

سه. بیعی که به صورت ربوی انجام شود مطلقاً باطل است؛ یعنی فرقی ندارد که شخص عالم به مسأله باشد یا جاهل. بنابراین، لازم است همه‌ی مال (چه اصل مال و چه اضافه‌ای که گرفته شده است) به صاحب آن برگردانده شود. ولی در قرض ربوی، اگر نمی‌دانسته که قرض ربوی حرام است یا می‌دانسته که قرض ربوی حرام است اما نمی‌دانسته که کاری که انجام داده قرض ربوی محسوب می‌شود، در این حالت، اگر توبه کرد، لازم نیست آنچه را که تا آن زمان به عنوان اضافه گرفته بازگرداند؛ ولی بعد از آن نباید آن زیاده را بگیرد.

## اجاره

### اجاره و مرگ

شخصی منزل خود را اجاره داده است. مالک خانه قبل از تمام شدن  ۲۱۸

مدت اجاره از دنیا می‌رود. حکم این اجاره چگونه می‌شود؟

اگر هر کدام از اجاره‌دهنده یا اجاره‌کننده از دنیا بروند، اجاره باطل نمی‌شود. به عنوان مثال، اگر کسی خانه‌اش را به مدت یک سال اجاره داد و در بین سال فوت شد، ورثه‌ی او نمی‌توانند مستأجر را از خانه بیرون کنند.

### استفاده نکردن از مورد اجاره

اگر مستأجر از مالی که اجاره کرده استفاده نکند، آیا باز هم باید  ۲۱۹

اجاره‌ی آن را بپردازد؟

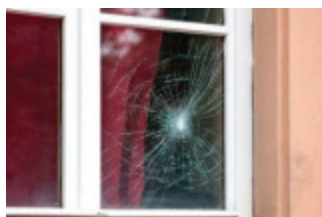
هرگاه انسان چیزی را که اجاره داده تحویل دهد، اگرچه مستأجر تحویل نگیرد یا تحویل بگیرد و تا آخر مدت اجاره از آن استفاده نکند، باید اجاره‌ی آن را بپردازد.

شخصی اجیر شده تا کار مشخصی را انجام دهد ولی وقتی سر کار  ۲۲۰

حاضر می‌شود، طرف مقابل شرایط کار را برای او فراهم نمی‌کند، حکم این مسأله چیست؟

اگر انسان اجیر شود که در روز معین با اجرت مشخص کاری را انجام دهد و در آن روز برای انجام آن کار حاضر شود، کسی که او را اجیر کرده باید اجرت او را پرداخت نماید هرچند کار را به او واگذار نکند. به عنوان مثال، اگر بنایی را برای ساختن دیواری در روز معینی اجیر کند و او در آن روز آماده‌ی کار شود ولی صاحب کار شرایط بنایی را برایش فراهم نکند، باید اجرت او را بپردازد.

### تلف یا خسارت مال



اگر بعد از اجاره کردن چیزی به آن  ۲۲۱  
خسارت وارد شده یا از بین برود، جبران این خسارت بر عهده‌ی چه کسی است؟

اگر مستأجر چیزی را که اجاره شده تحویل بگیرد و بعد آن چیز خسارت ببیند یا از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نشده و در استفاده از آن نیز زیاده‌روی صورت نگرفته چیزی بر عهده‌ی او نیست.

### اجاره دادن ملک به دیگری

اگر انسان ملکی را اجاره کرده باشد، آیا می‌تواند آن را به شخص دیگری اجاره دهد؟  ۲۲۲

اگر انسان خانه یا مغازه‌ای را اجاره کند، دو حالت دارد:

**حالت اول:** صاحب ملک با مستأجر شرط می‌کند که به شخص دیگری اجاره ندهد. در این حالت، او حق ندارد ملک را به دیگری اجاره دهد.

**حالت دوم:** صاحب ملک با مستأجر شرط نمی‌کند. در این حالت، مستأجر می‌تواند آن ملک را به همان قیمت که اجاره کرده یا به کمتر از آن قیمت به دیگری اجاره دهد. ولی اگر بخواهد به قیمت بالاتری اجاره دهد، باید در آن کاری مانند تعمیر و سفیدکاری و یا امثال آن انجام داده باشد، یا به غیر جنسی که اجاره کرده به دیگری اجاره دهد.<sup>۱</sup> و اگر غیر خانه، مغازه، کشتی، اجیر - و نیز بنا بر احتیاط واجب، اطاق و آسیاب - چیز دیگری را - مانند ماشین - اجاره کند و مالک با او شرط نکند که به دیگری اجاره ندهد، می‌تواند آن را به شخص دیگری به همان قیمتی که اجاره کرده یا کمتر از آن و یا بیشتر از آن اجاره دهد.

### حد استفاده از مورد اجاره

 ۲۲۳ اگر انسان ملک یا مال دیگری را اجاره نماید، حد و اندازه‌ی استفاده از آن به چه صورت است؟

در اجاره، مستأجر می‌تواند به قدر متعارف از منفعت چیزی که اجاره کرده استفاده نماید نه بیشتر از آن. همچنین، مالک نمی‌تواند او را از منافع متعارف منع کند. به عنوان مثال، اگر انسان

---

۱. مثلاً اگر خانه‌ای را به ماهیانه ده میلیون تومان اجاره کرده، می‌تواند بدون این که کاری در آن انجام بدهد به دیگری ماهیانه به مقدار مشخصی از طلا - که قیمت آن بیشتر از ده میلیون تومان است - اجاره دهد.



وسـیـله‌ی  
نقلیه‌ای را  
اجاره کند که  
با آن اثاث  
منزل را حمل  
نماید، حق  
ندارد بیشتر از

قدر متعارف، اثاث با آن حمل نماید. همچنین، صاحب وسیله نیز نمی‌تواند از بار زدن به مقدار متعارف جلوگیری کند.<sup>۱</sup> و یا اگر کارگری را اجیر کند، نمی‌تواند بیش از حد از او کار بکشد، و کارگر هم حق ندارد بیشتر از مقدار معمول و متعارف استراحت نماید.

---

۱. به عنوان مثال، اگر ظرفیت ماشین یک تن است، مستأجر نباید بیشتر از آن بار بزند و صاحب ماشین هم نباید مانع شود که یک تن بار بزند.

## مضاربه

### شرایط تعیین سود

یک. مقدار سود هر کدام از طرفین باید معلوم باشد.

دو. مقدار سود باید به صورت کسر مشاع (یا همان درصدی) باشد. به عنوان مثال، بگویند: «هر مقداری که سود حاصل شد، نصف آن مال مالک و نصف دیگر مال عامل باشد»؛ یا بگویند مثلاً شصت درصد سود حاصل برای مالک و چهل درصد آن برای عامل باشد.<sup>۱</sup>

سه. سود فقط بین مالک و عامل تقسیم شود. بنابراین، اگر شرط شود که مقداری از آن مال کسی باشد که کاری برای تجارت آنها انجام نمی‌دهد، مضاربه باطل است.

---

۱. آنچه باید در مضاربه معلوم شود درصد سهم هر کدام از مالک و عامل نسبت به سود حاصل از تجارت است؛ نه نسبت به مقدار مالی که مالک به عامل می‌دهد. پس، اگر کسی بگوید: «این پول را به تو می‌دهم که با آن تجارت کنی و در مقابل برای هر یک میلیون، پنجاه هزار تومان به من بده»، یا بگوید: «پنج درصد پولی را که به تو داده‌ام ماهیانه به من بده»، در این صورت، صحیح نیست.

## شرط در ضمن مضاربه

۲۲۴  حکم شرط کردن در ضمن قرارداد مضاربه چیست؟ آیا این شرط

صحیح است؟ آیا عمل کردن به آن لازم است؟

اگر در ضمن قرارداد مضاربه شرط جایزی را قرار دهند، تا زمانی که مضاربه به هم نخورده باشد، مالک و عامل باید نسبت به آن شرط پای‌بند بوده و طبق آن عمل نمایند. بلی؛ اگر هر کدام از مالک یا عامل مضاربه را به هم زدند، شرط در ضمن آن نیز خود به خود منتفی می‌شود.

## روش محاسبه‌ی خسارت و سود

۲۲۵  اگر در طی معاملاتی که عامل انجام می‌دهد در بعضی سود

حاصل شود و در برخی دیگر به اصل سرمایه خسارت وارد شود، روش محاسبه‌ی سودی که باید بین دو طرف تقسیم شود، در این گونه موارد، چگونه است؟

اگر عامل معاملات مختلفی با سرمایه انجام دهد و در بعضی به سرمایه خسارت وارد شود و در برخی دیگر سود به دست آید، اول خسارت وارده بر سرمایه را با آن سود حاصل جبران می‌کنند، بعد اگر چیزی باقی ماند بین مالک و عامل تقسیم می‌شود. به عنوان مثال، اگر سرمایه پانصد میلیون تومان باشد و در معامله‌ای خسارت وارد شود و چهارصد میلیون تومان باقی بماند، چنانچه با این چهارصد میلیون معامله نموده و دویست میلیون سود به دست آورد، اول صد میلیون خسارت سرمایه را با آن جبران می‌کنند، سپس صد میلیون باقی‌مانده را مالک و عامل تقسیم

می‌کنند. بلی؛ عامل می‌تواند در ضمن عقد مضاربه با مالک شرط کند که خسارت قبل یا بعد، از سود حاصل کم نشود؛<sup>۱</sup> که این شرط صحیح است.

### مصالحه بر تقسیم سود

اگر عامل به مالک بگوید: «من با پول تو تجارت می‌کنم و هر مقدار سود حاصل شد - مثلاً - نصف به نصف تقسیم می‌کنیم، ولی برای این که من نمی‌توانم هر ماه حساب‌رسی کنم، علی‌الحساب، ماهیانه ده میلیون تومان به تو قرض می‌دهم و کم و زیاد آن را هر وقت سود حاصل شد با هم مصالحه می‌کنیم». یعنی اگر حق واقعی تو بیشتر از ده میلیون تومان است حلال کن؛ و اگر حق واقعی تو کمتر از این مبلغ است، من آن زیاده را حلال می‌کنم. در این صورت، هم مضاربه و هم مصالحه بر تقسیم سود صحیح است.

---

۱. که در این صورت، چیزی از سهم عامل کسر نمی‌شود.



## شرکت

شرکت، در اصطلاح، عبارت است از این که مالی را به صورت کسر مُشاع<sup>۱</sup> دو نفر یا بیشتر مالک باشند.

### اقسام شرکت

شرکت بر دو قسم است که عبارتند از:

یک. **غیر اختیاری**: یعنی بدون اختیار شریک شوند. مانند: ارث.

دو. **اختیاری**: یعنی با اختیار خودشان شریک شوند. مانند این موارد:

– دو یا چند نفر با هم مالی را حیات کنند یا مثلاً ماهی صید کنند.



---

۱. یعنی در جزء جزء آن مال با هم شریک باشند.

- به خرید و فروش و مانند این‌ها با هم شریک شوند. به عنوان مثال، کسی نصف مشاع خانه‌ی خود را به دیگری بفروشد.
- امتزاج اموال؛ یعنی اموالشان را طوری با هم مخلوط کنند که قابل تشخیص نباشد. مانند این که دو ظرف شیر از دو نفر را در ظرفی بریزند که مخلوط شود.

### عقد شرکت

اگر دو نفر یا بیشتر با هم قرارداد کنند که با مال مشترک معامله کنند و سود آن را تقسیم نمایند و ضرر هم برای آن‌ها باشد، این قرارداد صحیح است و این عقد شرکت است که یک قرارداد جایز است و می‌توانند آن را فسخ کنند.

### شرکت در کار

آیا شرکت در کار هم مثل شرکت در مال صحیح است؟ ۲۲۶ ؟

شرکت در اموال - همان‌گونه که گفته شد - صحیح است ولی شرکت در اعمال صحیح نیست. به عنوان مثال، اگر دو نفر مکانیک که در یک گاراژ کار می‌کنند با هم قرار بگذارند که هرچه مزد گرفتند با هم تقسیم کنند، این شرکت صحیح نیست. بلکه، هر کدام به اندازه‌ای که مزد گرفته حق دارد. بلی؛ اگر هر کدام نصف درآمدش را به دیگری صلح کند، صحیح است و می‌توانند به طور مساوی مال را تقسیم کنند.



## حق استفاده از مال مشترک

هیچ کدام از دو شریک حق ندارند بدون اجازه‌ی شریک دیگر در مال مشترک تصرف کنند و بدون اجازه‌ی دیگری با آن مال تجارت نمایند.

### تقسیم سود

روش محاسبه و تقسیم سود در شرکت چگونه است؟ ۲۲۷ ؟



هر مقدار سودی که حاصل شد بین شرکا نسبت به مقدار مالی که دارند تقسیم می‌شود. بنابراین، اگر مال هر دو مساوی بوده، سود هم به طور مساوی تقسیم می‌شود و اگر

یکی از شرکا دو برابر دیگری مال داشته، دو برابر سود می‌برد و اگر در ضمن معامله شرط کنند که یکی بیشتر از دیگری سود ببرد - در حالی که مال آن‌ها مساوی است - شرط صحیح نیست ولی قرارداد شرکت باطل نمی‌شود. البته، اگر فقط یکی از دو شریک کار می‌کند یا اگر هر دو کار می‌کنند او بیشتر از دیگری کار می‌کند یا کار او ارزش بیشتری دارد، می‌تواند شرط کند که سود بیشتری ببرد.

### شرکت، عقد لازم یا جایز؟

آیا شرکت لازم‌الوفاء است یا این که هر کدام بخواهند می‌توانند ۲۲۸ ؟

شرکت را به هم بزنند؟

هرگاه یکی از شرکا تقاضا کند که مال مشترک را تقسیم کنند، باید

دیگران قبول نمایند؛ مگر این که تقسیم مال ضرر قابل توجهی به مال شرکا وارد نماید.<sup>۱</sup>

۲۲۹  اگر مال مشترک قابل تقسیم نباشد، آیا باز هم می‌توانند شرکت را از بین ببرند؟

اگر مال مشترک جزء اموالی باشد که قابل قسمت نیست (مانند یک ماشین) باز هم شریک می‌تواند سهم خود را طلب نماید؛ اگرچه لازم باشد که آن را بفروشند و شریک دیگر هم نمی‌تواند از فروش آن جلوگیری کند.

### شرط به هم نزدن شرکت

۲۳۰  آیا می‌شود در ضمن شرکت، شرط کنند که آن را به هم نزنند؟

جایز است شرکا در ضمن یک عقد لازم یا در ضمن یک عقد جایز - تا زمانی که آن عقد جایز به هم نخورده باشد - شرط کنند که تا مدت مشخص شرکت را به هم نزنند. و با این شرط، اگر یکی از شرکا، قبل از فرارسیدن آن مدت، تقاضای قسمت کند، بر بقیه لازم نیست قبول نمایند.

۱. به عنوان مثال، با مال مشترک تجارتي کرده‌اند که اگر مال را در وسط تجارت تقسیم کنند ضرر قابل توجهی به سرمایه وارد می‌شود.

## قرض

### پس دادن قرض

اگر بدهکار پول نقد نداشته باشد، تکلیف چیست؟ 

اگر بدهکار پول نقد نداشته باشد ولی مالی دارد که با فروش آن به سختی نمی‌افتد و می‌تواند با پول آن قرضش را پرداخت نماید، باید آن مال را فروخته و پول طلبکار را بدهد. ولی اگر بدهکار غیر از خانه‌ای که در حد شأن اوست و در آن ساکن است و اثاثیه‌ی منزل و چیزهای دیگری که باید در زندگی داشته باشد چیزی نداشته باشد، طلبکار نمی‌تواند طلب خود را از او مطالبه نماید؛ بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را پرداخت نماید.

### پیدا نشدن طلبکار

کسی که دسترسی به طلبکار خود ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که او را پیدا کند باید طلب او را از طرف صاحبش به قصد صدقه به فقیر بدهد؛ و برای این کار بنا بر احتیاط واجب از مجتهد جامع شرایط فتوا اجازه بگیرد.

### فوت کردن طلبکار

اگر طلبکار از دنیا برود، بدهکار باید مال او را به ورثه‌اش تحویل دهد.

### فوت کردن بدهکار

اگر بدهکار بمیرد، باید بدهی او را از اصل مالش جدا نموده و به طلبکار پرداخت کنند؛ و چنانچه هیچ مالی نداشته باشد، بر ورثه‌ی او واجب نیست از مال خودشان قرض میت را پرداخت کنند.

### کم شدن ارزش طلب

اگر کسی بدهکار شد و مدتی از آن گذشت و ارزش آن بدهی به طور قابل توجهی کم شد، تکلیف چیست؟  
بدهکار و طلبکار - بنا بر احتیاط واجب - با یکدیگر بر مبلغی مصالحه نمایند.

### پس دادن جنس دیگر



آیا می‌شود بدهکار جنس دیگری را هنگام پس دادن قرضش تحویل دهد؟

اگر انسان طلا یا هر جنس دیگری را از کسی قرض کند، لازم است هنگام

پس دادن همان جنس را تحویل دهد؛ چه قیمت آن جنس بیشتر شده باشد و چه کم شده باشد. و طلبکار نمی‌تواند پول آن را طلب نماید. بلی؛

اگر بدهکار و طلبکار هر دو به غیر آن چه قرض داده شده راضی باشند، اشکال ندارد.

### قرض ربوی

کسی که قرض می‌دهد اگر شرط کند که قرض‌گیرنده مقدار بیشتری را بدهد، در این صورت ربا و حرام است؛ که تفصیل آن در بحث ربا گذشت.



## هبه (بخشش)



### تحويل دادن و تحويل گرفتن هبه

۲۳۴ پدری خانه‌اش را به  
یکی از فرزندانش

می‌بخشد ولی قبل از این که خانه را به او تحويل بدهد از  
دنیا می‌رود. آیا این خانه فقط مال آن فرزند است یا مال  
همه‌ی ورثه به حساب می‌آید؟

در هبه (بخشش)، قبض (تحويل گرفتن) معتبر است. پس اگر انسان مالی  
را به کسی ببخشد، تا به او تحويل نداده هبه محقق نشده است. و قبض  
در غیرمنقول - مانند خانه و زمین - به این است که مانع از تصرف را برطرف  
نماید و مال را در استیلاي کسی که به او بخشیده قرار بدهد. و قبض در  
اموال منقول به این است که انسان مال را به طرف مقابل بدهد و او هم  
تحويل بگیرد. بنابراین، اگر پدر در زمان حیاتش آن خانه را به فرزندش  
تحويل داده است و او هم تحويل گرفته است (یعنی مانع تصرف را برطرف  
کرده است و مثلاً اگر فرزند می‌خواست آن خانه را تصرف کند پدر مانع  
نمی‌شد یا اگر می‌خواست آن را بفروشد یا اجاره دهد پدر ممانعت نمی‌کرد)،

در این صورت هبه محقق شده و خانه فقط متعلق به همان فرزند است. ولی اگر قبل از تحویل دادن خانه از دنیا رفته است، این خانه مثل مابقی اموال به ارث می‌رسد.

### پس گرفتن هبه

هبه یک عقد جایز است و هبه‌کننده هر وقت بخواهد می‌تواند آن مال را پس بگیرد. اما در هفت مورد انسان نمی‌تواند مالی را که به دیگران هبه کرده پس بگیرد؛ که عبارتند از:

یک. **هبه به ذی رحم**.<sup>۱</sup>

دو. **هبه‌ی مشروطه**؛ اگر انسان مالی را به کسی هبه کند و با او شرطی کند و او هم طبق آن شرط عمل نماید، دیگر هبه‌کننده نمی‌تواند آن مال را پس بگیرد.

سه. **هبه‌ی مَعْوَضَه**؛ اگر انسان مالی را به دیگری هبه کند و او هم



۱. ذی‌رحم عبارت است از کسی که خویشاوندی نسبی دارد. مانند پدر و مادر، پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها، فرزندان، نوه‌ها، خواهرها، برادرها، بچه‌ها و نوه‌های آن‌ها، عمو و عمه و دایی و خاله‌ی خود انسان، عمو و عمه و دایی و خاله‌ی پدر و مادر و پدربزرگ و مادربزرگ، و فرزندان آنها تا جایی که عرفاً «ذی‌رحم» (یا همان خویشاوندان نسبی) حساب شوند.

در عوض مالی را به هبه‌کننده ببخشد، به این هبه هبه‌ی معوضه می‌گویند. مانند اینکه لباس خود را به کسی هبه می‌کند و او هم در عوض کتابش را به صاحب لباس می‌بخشد. در این صورت، انسان نمی‌تواند مالی را که هبه کرده پس بگیرد.

**چهار. تلف شدن عین مال؛** اگر انسان مالی را به دیگری هبه کند و آن مال تلف شود یا آن را به دیگری منتقل کند - مثلاً پولی را هبه کرده و او هم آن پول را خرج نموده باشد - در این صورت دیگر هبه‌کننده نمی‌تواند چیزی را پس بگیرد.

#### پنج. تغییر کردن عین مال.<sup>۱</sup>

**شش. مرگ هبه‌کننده؛** اگر کسی مالی را به دیگری هبه کند و بعد از دنیا برود، ورثه‌ی او نمی‌توانند مال را پس بگیرند.

**هفت. مرگ دریافت‌کننده‌ی هبه؛** اگر انسان مالی را به دیگری هبه کند و او از دنیا برود، هبه‌کننده نمی‌تواند دیگر آن مال را از ورثه‌ی او پس بگیرد.

---

۱. به عنوان نمونه، پارچه‌ای را به کسی هبه کرده و او هم با پارچه لباسی دوخته باشد. در این صورت، هبه‌کننده نمی‌تواند آن پارچه را پس بگیرد.



## ضمان

اگر انسان بخواهد ضامن شود که بدهی کسی را بدهد، ضامن شدن او در صورتی صحیح است که به هر لفظ - هرچند عربی هم نباشد - یا عملی، به طلبکار بفهماند که من ضامن شده‌ام طلب تو را بدهم؛ و طلبکار نیز قبول کند. و راضی بودن بدهکار شرط نیست.



### ضمانت باطل

اگر کسی بگوید: «چنانچه فلانی بدهی‌اش را نداد، من ضامن بدهی او هستم»، این ضمانت محل اشکال است. بلی؛ اگر بگوید: «من ضامن او هستم ولی وقتی بدهی‌اش را پرداخت خواهم کرد که خود او ندهد»، در این صورت اشکال ندارد.

۲۳۵ ؟ آیا طلبکار می‌تواند برای گرفتن طلبش به هر کدام از بدهکار یا ضامن مراجعه نماید؟

خیر؛ اگر انسان ضامن شود که بدهی کسی را بپردازد، طلبکار باید برای گرفتن طلبش به ضامن مراجعه کند نه بدهکار.

### ضمانت قبل از بدهی

کسی که انسان ضامن بدهی او می‌شود باید بدهکار باشد. بنابراین، اگر کسی بخواهد از دیگری قرض کند، تا وقتی که قرض نکرده نمی‌شود ضامن او شد.

## مسائل بانکی

### سود بانکی

اگر کسی پول خود را در بانک دولتی یا مشترک بگذارد، چه به نحو سپرده‌ی ثابت و چه به نحو حساب در گردش، و شرط سود نکند و خود را طلبکار سود نداند، این کار اشکال ندارد. و اگر بانک به او سودی داد - بنا بر احتیاط واجب - یک پنجم آن سود را به نیت مافی‌الذمه به سادات فقیر بدهد و بقیه‌ی آن از درآمد بین سال او حساب می‌شود؛ که اگر تا آخر سال مصرف نکرد، خمس به آن تعلق می‌گیرد.

و اما نسبت به بانک‌های خصوصی دو حالت وجود دارد:

**حالت اول:** اگر معاملات نامشروع (مانند معاملات ربوی) انجام می‌دهند، در صورتی که سود حاصل از حرام جزو سرمایه‌ی آن‌ها باشد، سپرده‌گذاری و افتتاح حساب در آن‌ها جایز نیست.

**حالت دوم:** نمی‌دانند که معاملات ربوی دارند یا نه. در این حالت، اگر سپرده‌گذاری نموده و با بانک شرط سود نکند و خود

---

۱. اگر سپرده‌گذار نیتش این باشد که سود بگیرد، یا علم دارد که بانک خواه ناخواه به او سود می‌دهد اشکال ندارد؛ و چیزی که باعث حرام شدن آن سود می‌شود شرط کردن سود است و این‌که سپرده‌گذار خود را طلبکار بداند.

را طلبکار سود حساب ننماید، سودی که بانک به او می‌دهد حلال است و لازم نیست یک پنجم آن را به فقیر بدهد.

### اوراق مشارکت

گاهی شرکت‌های سهامی برای فروش سهام و اسناد بهادار خود بانک‌ها را واسطه قرار می‌دهند و بانک‌ها آن سهام را در قالب اوراق مشارکت به مردم واگذار می‌نمایند. اگر واقعا شرکتی وجود داشته باشد، خرید و فروش سهام آن - که در قالب اوراق بهادار به مردم واگذار می‌شود - در صورتی که در آن شرکت معاملات حرام - مانند معاملات ربوی - انجام نشود جایز است؛ و خریدار به هر اندازه‌ای که سهام خریده به همان نسبت از درآمد آن شرکت سهم می‌برد.

### جوایز بانکی



گاهی بانک‌ها به منظور تشویق و ترغیب مردم که حساب باز کنند یا مشتریان که بیشتر پولشان را به بانک بسپارند، جایزه‌ای در نظر می‌گیرند که

از طریق قرعه‌کشی به کسی که قرعه به نام او شده، بدهند. جایزه‌های بانکی دو صورت دارد که عبارتند از:

**اول:** آن که قرعه‌کشی بر بانک شرط نشود؛ بلکه قرعه فقط به عنوان تشویق باشد. در این صورت، عمل قرعه جایز است و کسی که قرعه به نام او شده جایز است که آن جایزه را بگیرد. و اگر بانک دولتی یا مشترک باشد، احتیاط واجب آن است که یک پنجم از آن جایزه را به نیت مافی‌الذمه به سادات

فقیر بدهد و بقیه‌ی آن جایزه از منافع آن سال حساب می‌شود که اگر در مؤونه‌ی آن سال صرف نشود باید خمس آن را بپردازد.

**دوم:** آن که قرعه‌کشی شرط شود<sup>۱</sup> و بانک به جهت وفای به آن شرط قرعه‌کشی نماید. در این صورت، عمل قرعه‌کشی جایز نیست و همچنین گرفتن جایزه برای کسی که قرعه به نام او شده جایز نیست.

### وام‌ها و تسهیلات بانکی

**وام‌های قرض‌الحسنه:** چنانچه از اول بر قرض‌گیرنده شرط می‌کنند که باید مبلغی اضافه بر آنچه قرض گرفته است را پس بدهد - اگرچه به عنوان کارمزد باشد - ربا و حرام است.



**تسهیلات بانکی:** از آنجا که وام دادن و سود گرفتن ربا و حرام است، برای رهایی از ربا، بانک از راهکارهایی استفاده می‌کند که یکی از آنها عبارت است از خرید و فروش اقساطی، مانند تسهیلات خرید کالا و یا خودرو و یا مسکن و مانند

۱. یعنی مشتری به بانک بگوید: «من این پول را در این بانک می‌گذارم به شرط اینکه من را در قرعه‌کشی شرکت دهید».

این‌ها. در این نوع تسهیلات، بانک در خرید کالا یا خودرو یا مسکن با مشتری شریک می‌شود و پول سهم خود را به صورت نقدی پرداخت می‌کند و سپس سهم خود را به مشتری به صورت نسیه و پرداخت اقساطی به قیمت بالاتری می‌فروشد. بنابراین، بانک چیزی را به صورت نقدی خریده و آن را به صورت نسیه به قیمت بالاتر می‌فروشد؛ که اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

### کار کردن در بانک



کارهای بانکی دو نوع هستند که عبارتند از:

**اول:** کارهایی که مربوط به معاملات ربوی است که

اشتغال به آن‌ها جایز نیست؛ و کارمندی که در این نوع کارها مشغول است، در مقابل آن نمی‌تواند اجرت بگیرد.

**دوم:** کارهایی که ارتباطی با معاملات ربوی ندارد که اشتغال به آن‌ها و اجرت گرفتن برای آن‌ها جایز است.

### جریمه‌ی دیرکرد

گرفتن جریمه‌ی تأخیر در پرداخت وام جایز نیست؛ ولی برای دهنده‌ی آن اگر ناچار باشد مانعی ندارد.

۱. ولی اگر این راهکار به طور صحیح انجام نشود و فقط به نحو صوری کاغذهایی را رد و بدل کنند یا مثلاً متقاضی تسهیلات فاکتور صوری برای خرید کالا ارائه نماید، جایز نیست.



## نقد کردن چک مدت‌دار

چک دو حالت دارد:

**حالت اول:** به خاطر بدهی و حقی

صادر شده است. به عنوان مثال،

کالایی را خریده و برای پول آن چک کشیده است؛ که این چک دارای پشتوانه و اعتبار است. در این حالت، کسی که چک را گرفته (طلبکار) می‌تواند حق خود را (که چک سند آن حق است) به خود صاحب چک یا به شخص دیگری واگذار نماید که او هم مبلغ کمتری را به او هبه کند. مثلاً مبلغ چک دویست میلیون تومانی را که برای سه ماه دیگر است به صد و نود میلیون تومان با دیگری صلح به بخشش نماید.

**حالت دوم:** چک صادر شده پشتوانه‌ای ندارد. در این حالت، نقد کردن آن به قیمت کمتر ربا حساب شده و حرام است.

## راهکارهایی برای رهایی از ربا

وام گرفتن از بانک‌های اسلامی و وام دادن به آن‌ها، که در آن شرط سود و فایده شده، ربا حساب شده و حرام است. ولی می‌توان با استفاده از بعضی راهکارها از ابتلا به ربا پرهیز کرد. برای نمونه، وام‌گیرنده کالایی را از بانک یا وکیل او به نسبت معینی - مثلاً ده یا بیست درصد - گران‌تر از قیمت بازار بخرد و شرط کند که بانک مبلغ مورد تقاضای او را تا مدت معینی به او قرض دهد؛ و یا این که کالایی را به بانک یا وکیل او به کمتر از قیمت بازار به نسبت معینی بفروشد و شرط کند که بانک مبلغ مورد تقاضای او را تا مدت معینی قرض دهد. و همچنین در وام

دادن به بانک می‌توان از دو راه استفاده کرد. به این که، مثلاً، بانک کالایی را به بیشتر از قیمت بازار از شخص بخرد و یا کالایی را به کمتر از قیمت بازار به او بفروشد و شرط کند که آن شخص مبلغی را تا مدت معین به بانک قرض دهد؛ و این نتیجه به اجاره، صلح و هبه‌ی به شرط قرض نیز محقق می‌شود.

اما نسبت به بانک‌های غیر اسلامی که سرمایه‌ی آن از کفار است، سود گرفتن از آنها بدون اشکال جایز است.

## ازدواج

### اجازه‌ی پدر

آیا دختر می‌تواند بدون اجازه‌ی پدر با کسی ازدواج دائم نماید؟ 

خیر، بنا بر احتیاط واجب باید از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد.

آیا دختر می‌تواند بدون اجازه‌ی پدر با کسی ازدواج موقت نماید؟ 

خیر. اگر آبروی دختر در خطر باشد مانند این که بخواهد متعه<sup>۱</sup> شود، بنا بر فتوا باید از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد. و حتی اگر پدر یا جد پدری به عقد خطردار و ضرردار رضایت دهند، باز هم جایز نیست.

اگر دختری بدون اجازه از پدر یا جد پدری با مردی ازدواج کند، چه 

احکامی دارد؟

در صورتی که پدر یا جد پدری بعد از عقد هم اجازه ندهند، بنا بر احتیاط واجب باطل است. ولی اگر عقد دائمی است، بنا بر احتیاط واجب باید مرد طلاق هم بدهد. و اگر عقد موقت است، بنا بر احتیاط واجب مرد باید

---

۱. عقد موقت

باقیمانده‌ی مدت را ببخشد. و در صورتی که نعوذ بالله نزدیکی صورت گرفته باشد، باید - بعد از این که مرد باقیمانده‌ی مدت را در عقد<sup>۱</sup> موقت بخشید و یا طلاق صحیح داد در عقد دائم - زن عده نگه دارد و بدون گذشتن مقدار عده از نزدیکی نمی‌تواند با مرد دیگری ازدواج کند.

اگر پدر و جد پدری دختر فوت شده باشند، اجازه‌ی شخص دیگری



برای خواندن صیغه مورد نیاز هست یا خیر؟

در ازدواج دختر بالغه‌ی رشیده‌ی باکره، در صورت فقدان و فوت پدر و جد پدری اجازه‌ی شخص دیگری نیاز نیست.

آیا ازدواج دائم یا موقت دختری که بکارتش زائل شده بدون اجازه‌ی



پدر جایز است؟

اگر بکارتش به واسطه‌ی کاری غیر نزدیکی زائل شده (مثل پریدن از بلندی)، به منزله‌ی باکره بوده و بنا بر احتیاط واجب اذن پدر یا جد پدری در صحت عقد لازم است. ولی اگر بکارت او در اثر ازدواج یا وطی به شبهه یا زنا زائل شده، اذن ولی لازم نیست.

## ازدواج با سایر مذاهب و ادیان

حکم ازدواج دختر شیعه با مرد سنی چیست؟



جایز نیست.

۱. در عقد موقت، بنا بر احتیاط واجب غیر از دو حیض کامل باید به طوری عده نگه دارد که از آخرین نزدیکی سه پاکی فاصله شود.

### ازدواج مرد مسلمان با زن کافر چه حکمی دارد؟ ۲۴۲ ?

اگر غیر اهل کتاب باشد، ازدواج با او باطل است. و اگر یهودی یا مسیحی باشد، چنانچه مرد مسلمان زن مسلمان ندارد ازدواج با او جایز است؛ و اگر زن مسلمان دارد، باید با اجازه‌ی او باشد و احتیاط مستحب آن است که با آنها ازدواج دائم نکند.

### ازدواج زن مسلمان با مرد کافر چه حکمی دارد؟ ۲۴۳ ?

حرام و باطل است.

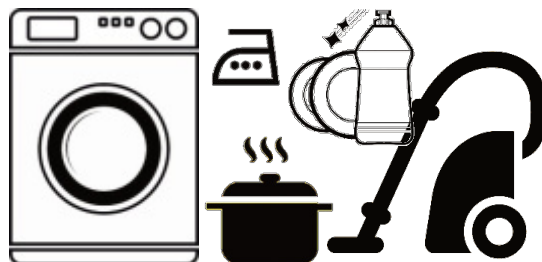
## وظایف زن

### در فاصله‌ی بین عقد و عروسی، وظیفه‌ی زن نسبت به خارج شدن از منزل چیست؟ آیا باید از شوهر خود اجازه بگیرد؟ ۲۴۴ ?

برای خروج از منزل، اجازه لازم نیست؛ ولی برای سفر، بنا بر احتیاط واجب، اجازه بگیرد.

## کارهای منزل

### آیا کارهای منزل - از قبیل شستن لباس و پختن غذا - بر زن واجب است؟ ۲۴۵ ?



خیر، و مرد حق ندارد زنش را به خدمت خانه ملزم کند.

## ازدواج یا زنا در زمان عده

**۲۴۶**  اگر زنی که در حال عده است با مرد دیگری ازدواج کند، چه حکمی دارد؟

چنانچه مرد و زن یا یکی از آنان بدانند که عده‌ی زن تمام نشده و بدانند عقد کردن زن در عده حرام است، آن زن بر او حرام ابدی می‌شود؛ اگرچه مرد بعد از عقد با آن زن نزدیکی نکرده باشد؛ و اگر [بعد از عقد] با او نزدیکی کرده باشد آن زن بر او حرام ابدی می‌شود؛ اگرچه نمی‌دانسته که آن زن در عده است یا نمی‌دانسته که عقد زن در عده حرام است.

**۲۴۷**  اگر کسی با زنی که در عده است زنا کند، آیا می‌تواند بعداً با او ازدواج کند یا حرام ابدی می‌شوند؟

اگر آن زن در عده‌ی طلاق رجعی بوده، بنا بر احتیاط واجب بر او حرام می‌شود (یعنی تا آخر عمر نمی‌تواند با او ازدواج کند). ولی چنانچه در عده‌ی عقد موقت یا عده‌ی طلاق بائن یا عده‌ی وفات بوده، بعداً می‌تواند با او ازدواج نماید. ولی چنانچه در عده زنا کند و قبل از آن در عده عقد نموده باشد، آن زن برای این مرد به فتوا حرام ابدی می‌شود؛ و فرقی نمی‌کند که چه عده‌ای باشد.

## زنای زن شوهردار و حرمت ابدی

**۲۴۸**  اگر شخصی با زن شوهرداری زنا کند، آیا می‌تواند پس از طلاق زن با او ازدواج دائم یا موقت نماید؟

بنا بر احتیاط واجب برای همیشه بر یکدیگر حرام می‌باشند و عقد آنان بنا

بر احتیاط واجب باطل است. و اگر عقد کرده‌اند، بنا بر احتیاط واجب به طلاق از هم جدا شوند.

### ازدواج با زن شوهردار

**۲۴۹**  اگر زن شوهردار با مرد دیگری ازدواج نماید چه حکمی دارد؟

اگر بعد از عقد نزدیکی کرده باشند، زن بر مرد حرام ابدی می‌شود؛ و اگر نزدیکی نکرده باشند، چنانچه مرد می‌دانسته که زن دارای شوهر است و عقد زن شوهردار حرام است، با آن زن حرام ابدی می‌شود، و اگر نمی‌دانسته، حرام ابدی نمی‌شود.

### شرایط در ضمن عقد

**۲۵۰**  اگر زن در ضمن عقد با شوهرش شرط کند که با وجود او زن دیگری اختیار نکند آیا این شرط صحیح است؟

در فرض سؤال، صحت شرط و لزوم وفای به آن محل اشکال است. یعنی بنا بر احتیاط واجب مرد باید به شرط عمل کند ولی بنا بر احتیاط واجب زن نمی‌تواند شوهرش را به عمل کردن به این شرط ملزم نماید.

**۲۵۱**  آیا زن می‌تواند در ضمن عقد با شوهرش شرط کند که در صورت

انجام بعضی کارها یا اتفاق افتادن بعضی امور (مثل اعتیاد و حبس و سفر طولانی به مدت چندین سال) وکالت داشته باشد که از طرف شوهرش خود را طلاق بدهد؟

در فرض مذکور، شرط صحیح بوده و شوهر نمی‌تواند او را از وکالت عزل

کند. و در صورت اتفاق افتادن بعضی از امور مذکوره، زوجه می‌تواند از طرف شوهرش خود را طلاق بدهد؛ و طلاق صحیح خواهد بود.

### نفقه

۲۵۲ آیا نفقه‌ی زن در فاصله‌ی بین عقد و عروسی بر مرد واجب است؟  
خیر؛ بر عهده‌ی شوهر نمی‌باشد.

۲۵۳ در چه صورتی نفقه‌ی زن بر شوهرش واجب نیست؟  
در صورتی که زن ناشزه شود. یعنی نسبت به شوهرش تمرد و سرکشی داشته و او را از حقوق شرعی‌اش منع کند.

۲۵۴ آیا نفقه‌ی زنی که در عده‌ی طلاق رجعی به سر می‌برد بر شوهرش واجب می‌باشد؟  
بله؛ واجب است.

### حجاب

۲۵۵ اگر برای انسان خواستگار بیاید، حدود شرعی حجاب در مقابل او چه مقدار است؟ آیا می‌تواند مقداری از موهای سر خود را نپوشاند؟  
اگر خواستگار بدون قصد لذت و بدون ترس افتادن به گناه برای اطلاع از چهره‌ی زن به او نگاه کند، اشکال ندارد. و پوشاندن صورت، موهای سر، دست‌ها تا مچ، و ساق پاها برای زن لازم نیست.

**۲۵۶ ؟** آیا جایز است با آرایش و زینت در مقابل خواستگار ظاهر شد؟  
خیر؛ حرام است.

**۲۵۷ ؟** آیا پوشاندن پاها در مقابل مرد نامحرم واجب است؟  
پوشاندن پاها - چه روی آن و چه کف آن - در مقابل مرد نامحرم واجب است.

**۲۵۸ ؟** بعضی دخترها در مقابل برادرانشان که هر دو به سن بلوغ جنسی رسیده‌اند با لباسی که آستین کوتاه دارد و از نظر قد تا بالای ناف قرار می‌گیرد ظاهر می‌شوند. آیا شرعاً جایز است؟

در صورتی که محارم بدون قصد تلذذ نگاه کنند، پوشاندن واجب نیست. ولی اگر نگاه آنها با قصد تلذذ باشد، در صورتی که دختر قصد نشان دادن داشته باشد پوشاندن بدن واجب است؛ و در صورتی که دختر قصد نشان دادن نداشته باشد، بنا بر احتیاط واجب پوشاندن بدن واجب می‌باشد. و سزاوار است طوری لباس بپوشد که از هر مفسده‌ی احتمالی جلوگیری شود.

### محارم

**۲۵۹ ؟** چه کسانی با زن محرم هستند؟  
محارم برای زن سه دسته‌اند:

**دسته‌ی اول:** محارم نسبی؛ که عبارتند از:

یک پدر و پدربزرگ - چه پدر پدر چه پدر مادر - و هرچه بالا رود

**دو** پسر و پسرِ پسر و دختر و نوه‌های آنها و هرچه پایین رود

**سه** برادر - چه پدری و مادری، چه پدری تنها و چه مادری تنها -  
و پسر برادر و خواهر و نوه‌های آنها و هرچه پایین رود

**چهار** عمو و دایی - چه پدری و مادری و چه پدری تنها و چه مادری  
تنها - و عمو و دایی پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ و  
هرچه بالا رود

**دسته‌ی دوم:** محارم سببی یعنی کسانی که به سبب ازدواج محرم  
می‌شوند؛ که عبارتند از:

**یک** پدر شوهر و پدر بزرگ شوهر - چه پدر پدر شوهر چه پدر مادر  
شوهر - و هرچه بالا رود

**دو** شوهر مادر (به شرط اینکه نزدیکی صورت گرفته باشد)

**سه** شوهر دختر (داماد) و شوهر نوه و هرچه پایین رود

**چهار** پسر شوهر و نوه‌ی شوهر و هرچه پایین رود

**دسته‌ی سوم:** محارم رضاعی (کسانی که به واسطه‌ی شیرخوردن به  
انسان محرم می‌شوند).

بنا بر آنچه بیان شد، افراد زیر نامحرم هستند:

❌ یک - پسر عمو و دایی و خاله و عمه و نوه‌های آنها و هرچه پایین رود



- ❌ دو- پسر عمو و دایی و خاله و عمه‌ی پدر و مادر و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و پسرهای آن‌ها و هرچه پایین رود
- ❌ سه- ناپدری شوهر، و شوهر مادربزرگ شوهر
- ❌ چهار- شوهر خواهر
- ❌ پنج- برادر شوهر
- ❌ شش- شوهر خاله و شوهر عمه
- ❌ هفت- عمو و دایی شوهر
- ❌ هشت- شوهر مادر (به شرط اینکه نزدیکی صورت نگرفته باشد)
- ❌ نه- پدر شوهر مادر
- ❌ ده- داماد شوهر و شوهر نوه‌های او

### احکام شیر دادن

اگر زنی به پسر بچه‌ای شیر بدهد با چه شرایطی به او محرم می‌شود؟ 

با هشت شرط:

- یک- دو سال بچه تمام نشده باشد.
- دو- شیر را از پستان بمکد.
- سه- شیر زن زنده را بخورد.
- چهار- شیر آن زن به ولادت بوده و از حرام نباشد.<sup>۱</sup>

۱. بنابراین، اگر زنی به واسطه‌ی قرص خوردن شیر پیدا کند (نه به واسطه‌ی زاییدن)، آن شیر باعث محرمیت نمی‌شود. و همچنین اگر زنی از زنا بچه‌دار شود و شیر پیدا کند، آن شیر باعث محرمیت نمی‌شود.

پنج- شیر خالص باشد و با چیز دیگر مخلوط نشده باشد.

شش- شیر از یک شوهر باشد.

هفت- شیر را قی نکند، و اگر قی کند - بنا بر احتیاط - باید کسانی که به واسطه‌ی شیرخوردن به آن بچه محرم می‌شوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او ننمایند.

هشت- مقدار شیر خوردن طبق یکی از سه حالت زیر باشد:

**حالت اول:** یک شبانه روز شیر سیر بخورد، به دو شرط:

شرط اول: در طول یک شبانه روز، شیر زن دیگر را نخورد.

شرط دوم: در طول یک شبانه روز، غذا نخورد. ولی اگر کمی غذا بخورد به قدری که عرفاً صدق نکند در بین یک شبانه روز غذا خورده، اشکال ندارد.

**حالت دوم:** پانزده مرتبه شیر سیر بخورد، به دو شرط:

شرط اول: در بین پانزده مرتبه شیر زن دیگر را نخورد.

شرط دوم: در هر دفعه، شیر کامل (بدون فاصله) بخورد. ولی اگر در بین شیر خوردن نفس تازه کند یا کمی صبر کند که از زمان اولی که پستان در دهان می‌گیرد تا وقتی سیر می‌شود از نظر عرف حقیقتاً یک دفعه حساب شود، اشکال ندارد.

**حالت سوم:** مقداری شیر بخورد که بگویند از آن شیر استخوانش محکم شده و گوشت در بدنش روییده است.

### آیا زن می‌تواند به بچه‌ی دختر خود شیر بدهد؟

اگر زنی به بچه‌ی دختر خود شیر کامل بدهد، آن دختر به شوهر خود حرام می‌شود. و همچنین است اگر بچه‌ای را که شوهر دخترش از زن دیگر دارد شیر دهد. ولی اگر زنی بچه‌ی پسر خود را شیر دهد، زن پسرش که مادر آن طفل شیرخوار است بر شوهر خود حرام نمی‌شود. و همچنین اگر زن پدر دختری بچه‌ی شوهر آن دختر را به شیر پدرش شیر دهد، آن دختر به شوهر خود حرام می‌شود، چه بچه از همان دختر و چه از زن دیگر باشد.



## طلاق

### اجرای صیغه توسط غیر شیعه

۲۶۲  اگر مرد مسلمانی بخواهد همسرش را طلاق بدهد، آیا می‌تواند غیر

شیعه را برای اجرای صیغه‌ی طلاق وکیل نماید؟

اگر صیغه‌ی طلاق را طبق شرایط و موازین مذهب تشیع اجرا می‌کند، اشکال ندارد؛ وگرنه جایز نیست.

### طلاق خلع

۲۶۳  به چه طلاق‌ی طلاق خلع گفته می‌شود؟

با وجود دو مطلب، طلاق خلع محسوب می‌شود:

یک. زن نسبت به شوهر کراهت داشته باشد؛ و کراهت در حدی است که می‌ترسد حقوق واجبه‌ی شوهرش را مراعات نکند (و مرد نسبت به زن کراهت نداشته باشد).

دو. زن مهر یا مال دیگری از خودش را به مرد می‌بخشد تا او را طلاق دهد.

### منظور از کراهت داشتن زن در طلاق خلع چیست؟

چنانچه زن از خود شوهر یا از اعمال و رفتار او بدش بیاید، طلاق خلع است. مثلاً از چهره‌ی بد مرد یا بداخلاقی او یا اعمال و رفتار او که خلاف میل زن است بدش بیاید. ولی اگر منشأ کراهت زن ظلم شوهر یا عدم رعایت حقوق واجبه‌ی همسرش باشد (مثل این که در هم‌خوابی یا نفقه دادن به وظیفه‌ی خود عمل نکرده باشد)، بذل صحیح نیست و طلاق خلع نیز ناصحیح می‌باشد.

### طلاق مبارات

#### به چه طلاق طلاق مبارات می‌گویند؟

اگر کراهت طرفینی باشد (هم زن نسبت به مرد کراهت داشته باشد و هم مرد نسبت به زن) و زن مهر یا مال دیگری از خودش را به شوهرش ببخشد تا او را طلاق بدهد، این طلاق طلاق مبارات است.

### مقدار بذل

#### مقدار مالی که زن به مرد بذل می‌کند (می‌بخشد) تا مرد او را طلاق دهد چه مقدار باید باشد؟

هر مبلغی که هر دو طرف توافق نمودند کافی است؛ چه بیشتر از مبلغ مهر باشد و چه کمتر از آن. ولی در طلاق مبارات مقدار بذل نباید از مقدار مهر بیشتر باشد.

## رجوع زن به بذل



۲۶۷؟ چنانچه زن از بذل (بخشش) خود پشیمان

شد، آیا می‌تواند از بذل خود برگردد؟

بله. تا پیش از تمام شدن عده، زن می‌تواند از بذل (بخشش) خود برگردد.

## اعلام رجوع به شوهر

۲۶۸؟ اگر زن بخواهد از بخشش خود برگردد، آیا لازم است به شوهر خود

اعلام کند یا همین که در ذهن خود منصرف شد کافی است؟

اگر شوهر از رجوع زن مطلع شود، رجوع محقق می‌شود. ولی اگر نداند، رجوع زن به بذل خود بی‌اثر و لغو خواهد بود.

## عده

۲۶۹؟ از چه زمانی عده‌ی طلاق شروع می‌شود؟

ابتدای عده‌ی طلاق از وقتی است که خواندن صیغه‌ی طلاق تمام می‌شود، چه زن بداند طلاقش داده‌اند یا نداند.

۲۷۰؟ زنی که بعد از ازدواج با شوهر خود نزدیکی داشته ولی مدت زیادی

است که با شوهر خود هیچ ارتباطی ندارد - مثلاً شش ماه - آیا در

این صورت هم باید بعد از طلاق عده نگه دارد یا لازم نیست؟ و اگر

لازم است، زمان شروع عده از آخرین تماس جنسی با شوهر است یا

### از وقتی که صیغه‌ی طلاق خوانده می‌شود؟

بله؛ باید عده نگه دارد. و زمان شروع عده از وقتی است که صیغه‌ی طلاق خوانده می‌شود.

### ۲۷۱ عده‌ی عقد موقت چه مقدار است؟

زنی که نه سالش تمام شده و یائسه نیست اگر متعه شود (مثلاً یک ماهه یا یک ساله شوهر کند)، چنانچه شوهر با او نزدیکی نماید و مدت آن زن تمام شود یا شوهر مدت را به او ببخشد، باید عده نگه دارد. پس اگر حیض می‌بیند، باید به دو حیض کامل عده نگه دارد و شوهر نکند. و اگر حیض نمی‌بیند، چهل و پنج روز عده نگه دارد. و در صورتی که آبستن باشد، عده‌ی او تا زاییدن یا سقط بچه است. و احتیاط مستحب آن است که به هر کدام از زاییدن یا چهل و پنج روز که بیشتر است عده نگه دارد. و اگر حیض می‌بیند ولی فاصله‌ی حیض‌ها زیاد است (مثلاً چهار ماه یک بار حیض می‌بیند)، بنا بر احتیاط واجب باید دو حیض کامل عده نگه دارد.

### ۲۷۲ عده‌ی زنی که شوهرش از دنیا رفته چه مقدار است؟

زنی که شوهرش مرده اگر آبستن نباشد باید تا چهار ماه و ده روز عده نگه دارد، یعنی از شوهر کردن خودداری نماید؛ چه شوهرش با او نزدیکی کرده باشد یا نه، صغیره باشد یا کبیره، یائسه باشد یا نه، عقدش دائم باشد یا موقت. ولی اگر آبستن باشد، باید تا موقع زاییدن عده نگه دارد. ولی اگر پیش از گذشتن چهار ماه و ده روز بچه‌اش به دنیا آید، باید تا چهار ماه و ده روز از مرگ شوهرش صبر کند. و این عده را عده‌ی وفات گویند.

چه کارهایی بر زنی که در عده‌ی وفات قرار دارد حرام است؟  ۲۷۳

زینت کردن در بدن و لباس - مانند سرمه کشیدن و استعمال عطریات و پوشیدن لباس رنگین - حرام است.



## لقطه و مجهول المالک

### معنای لقطه

۲۷۴ به چه چیزی لُقطه گفته می‌شود؟

به هر چیز گمشده‌ای که تحت تصرف کسی نیست و مالک آن معلوم نباشد لقطه می‌گویند.

### فرق لقطه و مجهول المالک

۲۷۵ با توجه به این که لقطه احکام مختص به خود را دارد و مسائل آن با مجهول‌المالک متفاوت است، لطفاً فرق بین این دو را بیان بفرمایید.

اگر چیزی گم شود و مالک آن معلوم نباشد لقطه است. اما اگر چیزی مالک آن معلوم نباشد و گمشده بر آن صدق نکند، لقطه حساب نمی‌شود. برای مثال، اگر مسافر ناشناسی کیفش را در تاکسی جا گذاشته باشد، این لقطه



نیست بلکه مجهول‌المالک است چون جامانده است نه این که گم شده باشد. بلی، اگر همین کیف از دست مالکش بدون این که متوجه شود رها می‌شد و

به نحوی که صدق گم شدن کند در تاکسی یا جای دیگری می افتاد، لقطه می بود. بنابراین، آنچه مسافران در هواپیما یا قطار یا مترو یا اتوبوس یا تاکسی و یا هتل و مانند این ها جا می گذارند و یا وسایلی که دانش آموزان و دانشجویان در مدرسه و دانشگاه جا می گذارند لقطه نیست. اما اگر همین وسایل از دست یا کیف یا جیب آنها افتاده باشد که عرفاً بگویند گم شده است، لقطه حساب می شود. و یا مثلاً اگر شخص ناشناسی مالش را پیش شخص دیگری امانت بگذارد و دیگر برای پس گرفتن آن برنگردد، این مال مجهول المالک است.

**۲۷۶ ؟** وانت یا کامیونی دارد باری را در جاده حمل می کند. در بین راه، مقداری از آن بار افتاده و بدون این که خود راننده متوجه شود در جاده می ریزد. این اجناس ریخته شده لقطه است یا مجهول المالک؟

لقطه است.

### برداشتن گم شده



**۲۷۷ ؟** اگر چیز گم شده ای را پیدا کنیم آیا بر ما واجب است که آن را برداریم و دنبال صاحبش بگردیم؟ چیزهایی که گم می شود سه قسم است:

**قسم اول:** بچه ی انسان؛ که به آن لقیط گفته می شود. و بر کسانی

که آن بچه‌ی گم شده را پیدا می‌کنند واجب کفایی است که او را بگیرند و از خطرات حفظ نمایند تا این که ولی او را پیدا کنند و بچه را به او بسپارند. بله، اگر حفظ او از خطرات متوقف بر گرفتن او نباشد، گرفتن او واجب نیست.

**قسم دوم:** حیوان؛ که به آن ضاله می‌گویند. و حکم گرفتن آن به

شرح ذیل است:



- اگر در شهر یا روستا یا دیگر مناطق مسکونی و حوالی آنها (که برای حیوان امن است) پیدا شود، گرفتن آن جایز نیست.

- اگر در غیر مناطق مسکونی که امن نیست (مانند بیابان یا کوهستان یا جنگل) پیدا شود، دو حالت دارد:

**حالت اول:** آن حیوان قوی و سالم است و می‌تواند خودش را از خطر حیوانات وحشی حفظ نماید (مثل شتر و گاو و اسب) که گرفتن آن جایز نیست.

**حالت دوم:** حیوانی است که نمی‌تواند خودش را از حیوانات وحشی حفظ نماید (مثل گوسفند و بچه‌ی شتر و بچه‌ی گاو و مانند این‌ها) که گرفتن این حیوان جایز ولی مکروه است. پس اگر انسان آن را نگرفت که وظیفه‌ای ندارد ولی

اگر آن را گرفت باید در جستجوی مالک آن باشد.

**قسم سوم:** سایر اموال و اجناس؛ که به آن لقطه به معنای خاص می‌گویند. و برداشتن آن مکروه است.

- بنا بر آنچه بیان شد، تا زمانی که انسان مال یا حیوان گم شده‌ای را که پیدا کرده بر نداشته است وظیفه‌ای ندارد؛ ولی اگر آن را برداشت باید به وظایف و احکام مربوط به لقطه عمل نماید.

### گوسفند گم شده

**۲۷۸ ?** کشاورزی گوسفندی را که در بیابان گم شده بوده پیدا کرده و گرفته و به منزل خود برده است. وظیفه‌ی او نسبت به این گوسفند چیست؟ باید آن را در جایی که پیدا کرده اگر افرادی در آن جا هستند، برای نمونه، کشاورزان یا چوپانان، تعریف (اعلان و اطلاع‌رسانی) کند و بنا بر احتیاط واجب در حوالی آن مکان از جاهایی که گمان پیدا شدن مالکش می‌رود هم اعلان نماید. پس اگر مالک آن را پیدا کرد که باید حیوان را به او تحویل بدهد؛ و اگر پیدا نکرد، دو راه دارد:

**راه اول:** آن گوسفند را تملک کند و برای خودش بردارد و در آن تصرف نماید. که در این صورت اگر بعدا مالک آن پیدا شد چنانچه گوسفندش را بخواهد، این شخص ضامن است و باید قیمت آن را به او بدهد.

**راه دوم:** آن حیوان را به امید پیدا شدن مالکش نگهداری کند. که در این صورت، اگر بدون افراط و تفریط او حیوان تلف شود چیزی بر عهده‌اش نیست.

**۲۷۹ ؟** گاهی گوسفندی در حوالی روستا یا شهر پیدا می‌شود و از آن جا که در کنار این روستا یا شهر اتوبان وجود دارد ممکن است حیوان موقع رد شدن از جاده با وسایل نقلیه برخورد کند و کشته شود و یا امکان دارد سگ‌های ولگرد و وحشی آن را تلف کنند. حکم گرفتن این حیوان چیست؟

اگر گوسفند در جایی پیدا شود که معمولاً در معرض تلف شدن است، گرفتن آن جایز ولی مکروه است. و در این مسأله فرقی بین عمران و آبادی و بین بیابان و کوهستان و غیر این‌ها نیست. پس اگر آن حیوان را گرفت، باید طبق دستوری که در مسأله‌ی قبل آمده عمل شود.

### هزینه‌ی نگهداری حیوان

**۲۸۰ ؟** شخصی حیوان گم شده‌ای را پیدا می‌کند و آن را می‌گیرد. هزینه‌ی آب و علف آن حیوان بر عهده‌ی چه کسی است؟

اگر حیوانی بوده که گرفتن آن جایز نبوده است، هزینه‌ی نگهداری آن (مثل آب و علف و مانند این‌ها) بر عهده‌ی شخصی است که آن را گرفته؛ و اگر مالک آن پیدا شد نمی‌تواند این هزینه را از مالکش مطالبه نماید. اما چنانچه حیوانی بوده که گرفتن آن جایز بوده است، اگر شخصی حاضر باشد به طور رایگان هزینه‌ی آن را بپردازد از همان شخص می‌گیرند. و اگر چنین شخصی نباشد، یا بنده‌ی حیوان هزینه‌ی نگهداری آن را می‌دهد؛ و بعد که مالک آن پیدا شد می‌تواند این هزینه را از او مطالبه نماید.

### محصولات حیوان پیدا شده

**۲۸۱**  گوسفندی را پیدا کرده‌ایم و تا به حال مالک آن پیدا نشده است. در این مدت اگر بچه‌ای به دنیا بیاورد و شیردار شود، آیا می‌توانیم از شیر آن استفاده کنیم؟

اگر موردی بوده که گرفتن آن جایز است، شخصی که آن را پیدا کرده می‌تواند در عوض مخارجی که برای نگهداری آن می‌کند از محصولات آن (مثل بچه و شیر و یا پشم آن) استفاده نماید؛ و همچنین است اگر آن حیوان منفعتی داشته باشد. البته باید دقت کند که قیمت محصولات و منافعی که می‌خواهد از آن حیوان استفاده کند، از هزینه‌ی نگهداری آن بیشتر نشود.

### برداشتن وسایل گم شده

**۲۸۲**  شیء گم شده‌ای را در پیاده‌رو دیدم و آن را برداشتم. لطفاً وظیفه‌ی بنده را بیان بفرمایید.

بر شما واجب نبود که آن را بردارید. بلکه، برداشتن چیزی که گم شده (لقطه) مکروه است. ولی وقتی برداشتید باید طبق دستور زیر عمل نمایید: چیزی که گم شده دو حالت دارد:

**حالت اول:** قیمت آن به مقدار یک درهم یا بیشتر است که دو صورت دارد:

**صورت اول:** نشانه‌ای دارد که به واسطه‌ی آن می‌شود صاحبش<sup>۱</sup>

۱. چه صاحب آن مسلمان باشد و چه کافری باشد که مالش محترم است.

را پیدا کرد.<sup>۱</sup> در این صورت باید از روزی که آن را برداشته تا یک سال در محل اجتماع مردم اعلان کند.

**صورت دوم:** نشانه ندارد.<sup>۲</sup> در این صورت می‌تواند از روز اول آن را از طرف مالکش به فقرا صدقه بدهد.<sup>۳</sup> و بنا بر احتیاط واجب این کار را به اذن حاکم شرع<sup>۴</sup> انجام بدهد.

**حالت دوم:** قیمت آن از یک درهم کمتر است که این هم دو صورت دارد:

**صورت اول:** نشانه‌ای دارد که به واسطه‌ی آن مالکش - اگرچه بین چند نفر معین - معلوم می‌شود. مثلاً دفترچه یا خودکاری است که روی آن علامت یا نوشته‌ای است که معلوم می‌شود مال دانش‌آموزان مدرسه‌ی خاص یا کارمندان اداره‌ای مشخص است. در این صورت، تا انسان علم به رضایت مالک آن نداشته باشد نمی‌تواند بدون اجازه‌ی او بردارد. ولی اگر حتی با داشتن آن نشانه هم باز مالک آن به هیچ وجه معلوم نباشد، می‌تواند برای خود بردارد؛ و بنا بر احتیاط واجب هر وقت صاحبش پیدا شد در صورتی که آن مال از بین نرفته خود مال را و در صورتی که از بین رفته عوض آن را به او بدهد.

**صورت دوم:** نشانه ندارد. در این صورت، جایز است آن را برای

۱. به عنوان مثال، دارای خصوصیتی است که عرفاً نشانه‌دار حساب می‌شود به نحوی که اگر کسی آن نشانه‌ها را بگوید انسان مطمئن می‌شود که او مالک آن شیء گم شده است.

۲. مثل یک اسکناس پول یا یک مداد یا دفتر نو و مانند اینها از چیزهایی که شبیه آن زیاد است.

۳. و بنا بر احتیاط واجب برای خودش بر ندارد.

۴. مجتهد جامع شرایط فتوا

خودش بردارد و جستجو برای پیدا کردن مالکش لازم نیست.  
ولی احتیاط مستحب آن است که از طرف صاحبش به فقرا  
صدقه بدهد.

### اعلان



اگر انسان مال گم شده‌ای را که نشانه دارد پیدا  
کند لازم است تا یک سال اعلان کند. منظور از این  
اعلان چیست؟ روش صحیح اعلان چگونه است؟

باید از همان وقتی که آن مال را برداشته اعلان را شروع نماید و تا یک  
سال به طور پی در پی این اعلان را ادامه دهد. و در این که چند روز یک  
بار باید اعلان کند که پی در پی بودن محقق شود باید به عرف مراجعه  
شود. مثلاً اگر هر سه روز یک بار اعلان کند، در نظر عرف پی در پی  
اعلان شده است.

### واگذاری اعلان به شخص دیگر

اگر در جایی چیزی را که گم شده پیدا کنیم ولی نتوانیم آن‌جا بمانیم  
و اعلان کنیم (مثلاً در حرم یا مسجد یا شهر دیگری که در آن مسافر  
هستیم)، آیا می‌توانیم اعلان را به قسمت اشیاء گم شده در حرم واگذار  
کنیم؟ یا می‌شود آن را به شخص دیگری که در آن شهر ساکن است  
واگذار کنیم؟

اگر انسان خودش نخواهد (یا نتواند) اعلان کند، می‌تواند به کسی که  
اطمینان دارد بگوید که از طرف او اعلان نماید. پس اگر شخص امینی پیدا

شد، باید آن مال را در اختیار او قرار بدهد که اعلان کند؛ و نمی‌تواند آن مال را به همراه خودش به شهر دیگر ببرد.

### محل اعلان

محل اعلان هم باید در همان شهر یا روستایی باشد که آن را پیدا کرده است نه اینکه در مکان دیگری اعلان نماید. پس اگر آن را در راه عمومی یا بازار یا میدان شهر و مانند این‌ها پیدا کرده، واجب است آن را در جاهایی که محل تجمع مردم است و گمان پیدا شدن مالکش در آن مکانها می‌رود اعلان کند (مثلا در بازارها و یا محل‌های برپایی اجتماعات مثل مساجد). و اگر آن مال را در جاده و بیابان و یا کوهستان و جنگل پیدا کرده است، پس اگر افرادی آن‌جا آمده‌اند (مثل کشاورزان یا چوپانان و مانند این‌ها) باید نزد آنان اعلان کند؛ و اگر کسی در آن محل نیست، بنا بر احتیاط باید در مکان‌های نزدیکی که گمان می‌رود مالکش پیدا شود اعلان نماید. و اگر آن مال را در سفر یا محلی که در آن غریب است پیدا کرده است، شخص امینی را پیدا می‌کند و مال را در اختیار او می‌گذارد که به نیابت از او در همان شهر اعلان نماید؛ و خودش می‌تواند سفر نماید.

### روش اعلان

در هنگام اعلان لازم نیست جنس چیزی را که پیدا کرده بگوید؛ بلکه همین قدر که بگوید چیزی پیدا کرده‌ام کافی است. مگر آن که این مقدار مبهم اعلان کردن و نگفتن جنس بی‌فایده باشد و در جلب توجه کسی که آن را گم کرده مؤثر نباشد؛ که در این صورت باید در هنگام اعلان نه کاملا مبهم اعلان کند و نه این که تمام نشانه‌ها و خصوصیات آن مال را بیان کند، بلکه امری متوسط را انتخاب کند. مثلا اگر بگوید: «یک چیزی پیدا شده. صاحبش با دادن نشانه آن را تحویل

بگیرد» این کافی نیست چون مبهم محض است. و مثلاً اگر بگوید: «یک انگشتر طلای هجده عیار سه گرمی مستعمل دارای شکل فلان با نگین فلان پیدا شده. مالکش آن را با دادن نشانه تحویل بگیرد» این هم صحیح نیست چون همه‌ی نشانه‌ها و خصوصیات را موقع اعلان گفته و ممکن است هر کسی شنیده بیاید و ادعا کند که این مال گم شده مال اوست. و مثلاً اگر بگوید: «یک قطعه‌ی کوچک طلا پیدا شده. صاحبش آن را با دادن نشانه تحویل بگیرد» صحیح و کافی است. پس در وقت اعلان باید مقداری از نشانه‌ها را بگوید و مقداری از نشانه‌ها را مبهم باقی بگذارد تا اینکه مالک واقعی آن بیاید و نشانه‌ها را بگوید و مال گم شده‌اش را تحویل بگیرد.

### اعلان به صورت نوشتاری

آیا لازم است اعلان مال گم شده به صورت کلامی باشد؟ یا  ۲۸۵  
این که اگر مثلاً روی کاغذی بنویسد و به تابلوی اعلانات بزند که محل اجتماع و عبور و مرور مردم است کافی است؟  
اعلان نوشتاری هم کافی است.

### نشانه‌دار بودن

اگر چیزهایی مثل پول یا خودکار یا عینک و امثال این‌ها از چیزهایی  ۲۸۶  
که شبیه آن در بین مردم زیاد است و نشانه‌دار حساب نمی‌شود به تعداد خاصی باشد یا مثلاً در مکان خاصی باشد یا مثلاً بسته‌ی پول به شکل خاصی باشد، آیا همین مقدار از خصوصیات باعث می‌شود که آن مال را نشانه‌دار به حساب آوریم؟  
بلی. اگر خصوصیاتی دارد که ممکن است به واسطه‌ی آن

خصوصیات مالک آن را پیدا کرد، نشانه‌دار محسوب می‌شود. مثل اینکه تعداد خاصی از اسکناس در مکان یا زمان خاصی گم شده باشد، که در این مثال، هم تعداد اسکناس و هم نوع اسکناس و هم مکان یا زمان گم شدن آن جزو خصوصياتی است که ممکن است به واسطه‌ی آن مالک پول پیدا شود.

### پایان یک سال اعلان

اگر تا یک سال مال گم شده را طبق شرایطی که دارد  اعلان کنند ولی مالک آن پیدا نشد، وظیفه چیست؟

اگر تا یک سال اعلان کند و صاحب مال پیدا نشود، در صورتی که آن مال را در غیر حرم مکه پیدا کرده باشد، انسان مخیر است یکی از سه کار زیر را انجام بدهد:

**الف -** آن را برای صاحبش نگه دارد که هر وقت پیدا شد به او بدهد.

**ب -** از طرف صاحبش آن مال را به فقرا صدقه بدهد. ولی هرگاه صاحبش پیدا شد و راضی به آن صدقه نشد باید عوض آن را به او بدهد.

**ج -** آن مال را برای خودش بردارد. ولی هرگاه صاحبش پیدا شد حق دارد بگیرد.

و اگر آن مال را در حرم مکه پیدا کرده باشد باید از طرف صاحبش به فقرا صدقه بدهد.

### مأیوسی شدن قبل از یک سال

اگر کسی در بین سال از پیدا شدن مالک مال گم شده ناامید شود،  
 آیا باز هم وظیفه دارد اعلان کردن را ادامه بدهد؟ 

ادامه‌ی اعلان دیگر واجب نیست. و بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند آن مال گم شده را برای خودش بردارد. و می‌تواند آن مال را از طرف مالکش به فقرا صدقه بدهد؛ و بنا بر احتیاط واجب برای این کار از حاکم شرع (مجتهد جامع شرایط فتوا) اذن بگیرد.

اگر مال در جایی پیدا شود که انسان از همان اول می‌داند که با  
 اعلان هم صاحب آن پیدا نمی‌شود، وظیفه چیست؟ 

اگر انسان مالی را پیدا کند که قیمت آن به یک درهم می‌رسد و تعریف و اعلان کردن ممکن نیست (مانند اینکه مال نشانه دارد ولی آن را در جایی پیدا کند که معلوم است صاحب آن به واسطه‌ی اعلان پیدا نمی‌شود)، می‌تواند از همان روز اول آن مال را از طرف صاحبش به فقرا صدقه بدهد. و بنا بر احتیاط واجب این کار را به اذن حاکم شرع (مجتهد جامع شرایط فتوا) انجام بدهد.

### ترک اعلان

اگر شخصی مالی را پیدا کند و به وظیفه‌ی خود عمل نکند و آن را  
 اعلان ننماید، چه حکمی دارد؟ 

اگر عمداً اعلان را ترک نماید، گناه کرده و تکلیف اعلان از او ساقط نشده است؛ و باید به همان دستوری که در لقطه آمده اعلان کند.



### اجناسی که خراب می‌شود

اگر انسان مال گم‌شده‌ای را پیدا ۲۹۱ ؟

کند و بردارد که خراب‌شدنی است و  
تا یک سال باقی نمی‌ماند که بتواند

اعلان نماید، در چنین مواردی وظیفه‌ی انسان چیست؟

اگر قابل ماندن تا یک سال نیست - مثل میوه و سبزیجات و این‌ها - بنا بر احتیاط واجب تا زمانی که آسیبی به آن نمی‌رسد آن را نگه دارد و چنانچه مالکش پیدا نشد به اذن حاکم شرع یا وکیل او و در صورت نبودن این دو به اذن افراد مؤمنی که عادل هستند (اگر امکان دارد) آن را قیمت کند و بفروشد یا خودش بردارد و پول آن را نگه دارد. و بنا بر احتیاط واجب از زمان پیدا شدن آن تا یک سال اعلان کند، و در صورت پیدا نشدن صاحبش، باید طبق آنچه در جواب سؤال ۲۸۷ آمده عمل نماید.

### برداشتن لقطه توسط بچه یا دیوانه

اگر بچه‌ی انسان مال گم‌شده‌ای را بردارد، وظیفه چیست؟ ۲۹۲ ؟

اگر دیوانه یا بچه‌ی نابالغ چیزی که باید اعلان شود را پیدا کند و بردارد، ولی او می‌تواند طبق دستوری که در احکام لقطه آمده اعلان نماید. اما اگر ولی او آن مال را از دیوانه یا بچه‌ی نابالغ گرفت، اعلان بر او واجب می‌شود. و اگر پس از یک سال صاحبش پیدا نشد، یا آن مال را برای صاحبش نگهداری کند و یا برای بچه‌ی نابالغ یا دیوانه تملک کند و یا از طرف صاحبش به فقرا صدقه بدهد. و اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه

نشد، ولی - بنا بر احتیاط واجب - عوض آن را از مال خودش بپردازد.

### اعلان برای مجهول المالک

آیا در مجهول المالک هم اعلان کردن تا یک سال لازم است؟ **۲۹۳ ؟**

باید در جستجوی صاحب آن باشد تا زمانی که از پیدا شدنش ناامید شود. و پس از مأیوس شدن آن را به فقرا صدقه بدهد؛ و بنا بر احتیاط واجب این کار - صدقه دادن - را به اذن حاکم شرع انجام بدهد؛ و اگر بعد صاحبش پیدا شود، ضامن نیست. بنابراین، در مجهول المالک «فحص حتی الیأس» (دنبال صاحبش گشتن تا زمانی که از پیدا شدنش ناامیدی حاصل شود) لازم است ولی اعلان کردن تا یک سال لازم نیست.

### جابه‌جا شدن کفش یا چادر

اگر کفش شخصی را ببرند و کفش دیگری جای آن بگذارند و ندانند چه کسی این کار را کرده است یا چادر شخصی را ببرند و چادر دیگری



جای آن بگذارند و

مانند این‌ها، وظیفه‌ی

انسان چیست؟

چنانچه بداند یا از

قرائن اطمینان پیدا

کند که کفش یا

چادری که مانده مال کسی است که کفش یا چادر او را برده و

راضی است که آن را جای کفش یا چادر خودش بردارد، می‌تواند آن را برای خودش بردارد. و همچنین است اگر بداند که کفش او را به طور ناحق و ظلم برده است؛ با این تفاوت که در این حالت باید قیمت آن کفش یا چادر از کفش یا چادر خودش بیشتر نباشد. پس اگر بیشتر بود، در آن زیادی قیمت حکم مجهول المالك جاری است. و در غیر این دو صورت حکم مجهول المالك بر آن کفش جاری خواهد بود.



## خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

### اقسام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها پنج قسم هستند:

#### قسم اول: حیوانات دریایی

اگر ماهی فلس‌دار<sup>۱</sup> را زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد اگرچه به کشتن باشد، در بیرون آب پاک و خوردن آن حلال است.



خوردن میگو حلال ولی خوردن شاه‌میگو (لابستر) حرام است. خوردن گوشت ماهی‌هایی که پولک ندارند هم حرام است.



---

۱. پولک‌دار

### قسم دوم: چهارپایان

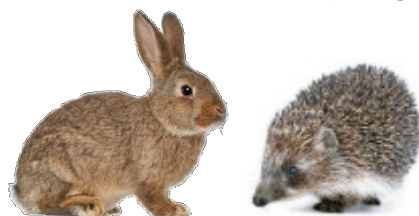
گاو و گوسفند و شتر و بز و بز کوهی حلال گوشت هستند.



حیوانات درنده مانند شیر و روباه حرام گوشت هستند.



گوشت خرگوش و جوجه تیغی حرام است.



خوردن حشرات نیز حرام است.

### قسم سوم: پرندگان

خوردن گوشت مرغ خانگی و کبوتر و اقسام گنجشک حلال است.



شب‌پره (خفاش) و طاووس و جمیع انواع کلاغ و هر پرنده‌ای که مثل شاهین و عقاب و باز چنگال دارد حرام است.



کشتن پرستو و هدهد و خوردن گوشت آنها مکروه است.



### قسم چهارم: چیزهای جامد

خوردن چیزهای نجس حرام است. خوردن چیزهای جامدی که مست‌کننده باشد حرام است. خوردن گِل حرام است، و خوردن کمی از تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام که بیشتر از مقدار یک نخود متوسط نباشد برای استشفاء اشکال ندارد؛ و بهتر این است که تربت را در مقداری از آب - مثلاً - حل نمایند که مستهلک شود و بعد آن را بیاشامند.

### قسم پنجم: چیزهای مایع

آشامیدن شراب و غیر آن از مسکرات حرام است. و همچنین آشامیدن فقاع و آشامیدن خون حرام است.

### غذای کفار

اگر به منزل یا رستوران کفار برویم، خوردن و آشامیدن مواد خوراکی آنها چه حکمی دارد؟ ۲۹۵ ؟

اگر از قبیل میوه و سبزیجات و حبوبات و آجیل و خشکبار و مانند این‌ها باشد، تا زمانی که یقین یا اطمینان پیدا نکرده‌اید که کافر غیر اهل کتاب<sup>۱</sup> به آن دست تر زده باشد پاک و خوردن آن حلال است.



۱. غیر از یهودی و مسیحی

و اگر غذای پخته و آماده باشد، چنانچه بدون گوشت باشد، تا زمانی که علم یا اطمینان به نجاست آن پیدا نکرده‌اید، خوردن آن حلال است.



و اگر غذایی باشد که گوشت دارد، خوردن آن غذا حرام است مگر این که بدانید از گوشتی استفاده شده که توسط مسلمانان ذبح شده است. و اگر گوشت ماهی بوده، حکم آن در مسأله‌ی بعد می‌آید.



نسبت به نوشیدنی‌ها هم اگر از قبیل شراب و نبیذ و فقاع و دیگر مواد مست‌کننده باشد، خوردن آن حرام است. و اگر غیر از این‌ها باشد تا زمانی که علم یا اطمینان یا حجت شرعی به نجاست آن پیدا نکرده‌اید نوشیدن آن حلال است.



## خوردن گوشت ماهی و دیگر حیوانات دریایی در کشورهای غیر اسلامی چه حکمی دارد؟ ۲۹۶ ؟

خوردن گوشت ماهی پولک‌دار و میگو حلال است به شرط این که بدانید یا حجت شرعیه داشته باشید که آن حیوان در بیرون از آب یا در تور ماهیگیری مرده است؛ ولی لازم نیست صیاد آن مسلمان باشد. و خوردن گوشت حیواناتی مثل خرچنگ و صدف و هشت‌پا حرام است.

## در بسیاری از رستوران‌های کشورهای خارجی مشروبات الکلی هم سرو می‌شود. رفتن ما به آن رستوران‌ها چه حکمی دارد؟ ۲۹۷ ؟



نشستن سر سفره‌ای که در آن شراب می‌خورند اگر انسان یکی از آن‌ها حساب شود حرام و چیز خوردن از آن سفره نیز حرام است<sup>۱</sup>. بنابراین، اگر

۱. نوشیدن شراب و غیر آن از مست‌کننده‌ها حرام است و در مذمت آن روایات بسیاری وارد شده. و در بعضی از آن‌ها قریب به این مضامین وارد شده که: خداوند معصیت نشده به چیزی که شدیدتر از نوشیدن مست‌کننده باشد. و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال شده: آیا نوشیدن شراب بدتر است یا ترک نماز؟ حضرت فرمود: نوشیدن شراب. برای این که شرابخوار در حالتی قرار می‌گیرد که پروردگار خود را نمی‌شناسد. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیز روایت شده است که فرمود: شراب سر هر گناهی است. و در بعضی از روایات، نوشیدن شراب شدیدتر از زنا و دزدی شمرده شده است. و خداوند شراب را به این علت حرام کرده که ام‌الخبائث و سر هر شری است. شرابخوار عقل خود را از دست می‌دهد. پس پروردگار خود را نمی‌شناسد و هر معصیتی را مرتکب می‌شود و هر حرمتی را هتک و هر رحم وابسته‌ای را قطع می‌کند و مرتکب هر فاحشه‌ای می‌شود.

آن رستوران به نحوی است که هر کس وارد آن جا شود یکی از شرابخواران حساب می‌شود (مانند آن که روی همه‌ی میزها شراب باشد)، رفتن به آن جا و چیز خوردن در آن مکان حرام است. ولی اگر صرف ورود به آن رستوران مستلزم این عنوان نباشد، رفتن به آن رستوران حرام نیست.

آیا همین مقدار که بالای سر رستوران یا فروشگاه یا روی بسته‌بندی خوراکی‌ها مارک و علامت حلال زده باشند آن مواد خوراکی برای



ما حلال حساب می‌شود؟



صرف نوشتن اثری ندارد؛ و باید به نحوی باشد که باعث یقین یا اطمینان انسان بشود. یعنی قرینه‌ای باشد که انسان مطمئن بشود آن مواد خوراکی طبق احکام اسلامی تولید و عرضه می‌گردد.



## نذر و قسم

### نذر زن بدون اذن شوهر

آیا زن می‌تواند بدون اجازه‌ی شوهر نذر نماید؟ 

اگر شوهر از نذر کردن زن جلوگیری نماید، زن نمی‌تواند - در صورتی که وفای به نذرش منافی با حق شوهر باشد - نذر کند. بلکه، بدون اذن شوهر در این صورت نذر زن باطل است. و صحت نذر زن در مال خودش بدون اذن شوهر - در غیر حج یا زکات یا احسان به پدر و مادر یا صله‌ی ارحام - محل اشکال است.

### قسم

آیا قسم خوردن زن بدون اجازه‌ی شوهر صحیح است؟ 

خیر؛ قسم زن بدون اجازه‌ی شوهر باطل است. و همچنین است قسم فرزند بدون اجازه‌ی پدر.



## ارث

### سهم زوجه

زنی که شوهرش فوت شده، سهم ارث او از شوهرش چه مقدار است؟ 

اگر شوهر او فرزند نداشته باشد - نه از این زن و نه از زن دیگر - سهم او یک چهارم است. و اگر فرزند داشته باشد - چه از همین زن و چه از زن دیگر - سهم او یک هشتم است.

### ارث زوجه از زمین

آیا زن از زمین‌های شوهرش هم ارث می‌برد؟ 

زن از زمین خانه و باغ و زراعت و زمین‌های دیگر ارث نمی‌برد، نه از خود زمین و نه از قیمت آن.



## ارث زوجه از ساختمان و درخت

آیا زوجه از ساختمان و درخت هم ارث می‌برد؟ ۳۰۳ ?



زن از خود هوایی خانه مانند بنا و درخت ارث می‌برد ولی اگر بقیه‌ی ورثه بخواهند قیمت بنا و درخت را بدهند، زن باید قبول نماید. و همچنین است حکم درخت و زراعت و ساختمانی که در زمین باغ و زراعت و زمین‌های دیگر است.

## دیات

### دیه‌ی کبود شدن

۳۰۴ اگر شخصی ضربه‌ای به دیگری بزند و جای آن قرمز شود، دیه‌ی آن چه مقدار است؟



اگر به صورت کسی لطمه‌ای زده و جای آن قرمز شده، دیه‌ی آن یک مثقال و نیم شرعی<sup>۱</sup> طلا است. و اگر به سایر بدن بوده، نصف این مقدار است.

و اگر به صورت کسی لطمه بزند و جای آن کبود (سبز) شود، دیه‌ی آن سه مثقال شرعی طلا است. و اگر به سایر بدن بوده، نصف این مقدار است.

و اگر به صورت کسی لطمه بزند و جای آن سیاه شود، دیه‌ی آن شش مثقال شرعی طلا است. و اگر به سایر بدن بوده، نصف این مقدار است.

---

۱. هر مثقال شرعی از جهت وزن تقریباً هفتاد و پنج درصد مثقال بازار است و نقل شده هر مثقال شرعی تقریباً ۳/۴۵ گرم و هر مثقال بازار ۴/۶ گرم است. ضمن اینکه طلایی که به عنوان دیه مطرح می‌شود باید عیار آن کامل باشد.

## دیهی زن نصف دیهی مرد

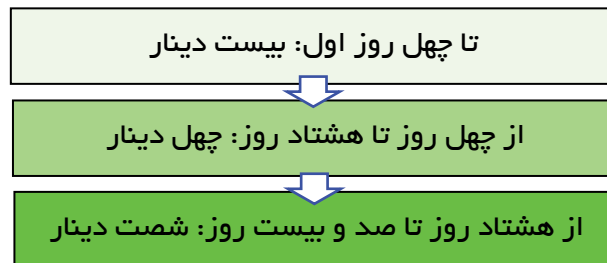
۳۰۵ ؟ در چه مواردی دیهی زن نصف دیهی مرد است؟

دیهی قتل زن نصف دیهی قتل مرد است. اما دیهی غیر قتل (مانند قطع عضو یا شکستن یا جراحت) اگر کمتر از یک سوم دیهی قتل باشد، زن و مرد در مقدار دیه با هم مساوی هستند؛ ولی اگر به اندازهی یک سوم یا بیشتر شد، دیهی زن نصف دیهی مرد است.

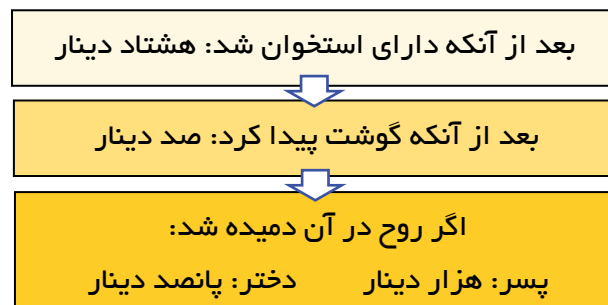
## دیهی سقط جنین

۳۰۶ ؟ دیهی سقط جنین چقدر است؟

سقط جنین حرام است و دیه دارد و مقدار آن عبارت است از:



و دیه در بین این مراتب به همین حساب تقسیم می‌شود (هر دو روز یک دینار).



### دیهی سقط جنین بر عهده‌ی چه کسی است؟



دیه بر عهده‌ی کسی است که متصدی عمل سقط جنین بوده. پس، اگر مادر با خوردن قرص بچه را سقط کرده، بر عهده‌ی مادر است؛ و اگر دکتر با زدن آمپول بچه را سقط کرده، بر عهده‌ی دکتر است.

### دیهی سقط جنین به چه کسی باید پرداخت شود؟



اگر مادر متصدی سقط جنین شده، دیه‌ی آن را به پدر یا در صورت فقدان پدر به سایر ورثه بپردازد. و اگر پدر متصدی آن شده، باید دیه را به مادر بدهد. و اگر شخص دیگری متصدی آن شده، باید دیه را به پدر و مادر بدهد. و به عبارت دیگر، هر کس مباشر در سقط است، دیه به او نمی‌رسد؛ و باید دیه به طبقه‌ی بعد داده شود. و اگر پدر و مادر به سقط جنین راضی باشند، هرچند مباشر در سقط نباشند، احتیاط واجب این است که دیه به طبقه‌ی بعد داده شود و پدر و مادر دیه را نگیرند.



## مسائل پزشکی

### اهدای عضو



حکم گرفتن کارت اهدای عضو در  
صورت مرگ مغزی چیست؟

۳۰۹ ?

اهدای عضو مرگ مغزی جایز نیست؛ و  
باید او را به هر نحوی که شده حفظ نمایند.

### وارد کردن اسپرم غیر شوهر

آیا قرار دادن منی مرد در رحم زنی که همسر او نیست شرعا جایز  
است؟

۳۱۰ ?

در فرض سؤال، حرام است.

### وارد کردن تخمک

اگر زنی توان بچه دار شدن نداشته باشد و پزشکان تنها راه بچه دار  
شدن او را گرفتن تخمک از زنی دیگر بدانند، آیا می تواند این تخمک

۳۱۱ ?

### را از زن دیگر بگیرد؟

وارد کردن تخمک زن به رحم زن دیگر به منظور بچه‌دار شدن به واسطه‌ی نزدیکی با شوهر خود جایز نبوده و حرام است.

### رحم اجاره‌ای

۳۱۲  تلقیح اسپرم و تخمک زوجین و انتقال آن به رحم زن دیگری که با صاحب اسپرم رابطه زوجیت ندارد چه حکمی دارد؟  
حرام است.

### عقیم کردن

۳۱۳  اگر کسی خود را عقیم کند، چه حکمی دارد؟  
عقیم کردن دائمی حرام است.

### کسی که نمی‌تواند از خروج بول و غائط جلوگیری کند

در این مسأله، باید به دو حکم توجه نمود. یکی حکم وضو، و دیگری حکم طهارت بدن و لباس.

#### وضو:

اگر بیماری انسان به گونه‌ای است که بولش قطره‌قطره می‌ریزد یا نمی‌تواند از بیرون آمدن غائط جلوگیری کند، چنانچه یقین دارد که از ابتدای وقت نماز تا آخر آن به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت می‌یابد، باید وضو و نماز را در وقتی

که مهلت پیدا می‌کند انجام دهد. و اگر مهلتش به اندازه‌ی انجام واجبات وضو و نماز است، باید در هنگام مهلت یافتن، فقط واجبات وضو و نماز را انجام دهد و مستحبات آنها را ترک نماید. و اگر به اندازه‌ی وضو و نماز مهلت پیدا نمی‌کند و در بین نماز یک یا چند دفعه بول و غائط خارج می‌شود، اگر همان نماز را با یک وضو بخواند کفایت می‌کند؛ و یک وضو برای چند نماز او کافی است مگر اینکه محدث به حدیث دیگری گردد. و لازم نیست بلافاصله بعد از وضو نماز بخواند.

#### طهارت بدن و لباس:

انسانی که بول او قطره‌قطره می‌ریزد، باید خود را برای نماز به وسیله‌ی کیسه‌ای که در آن پنبه یا چیز دیگری قرار دارد که از رسیدن بول به جاهای دیگر جلوگیری می‌کند حفظ نماید. و احتیاط واجب آن است که پیش از هر نماز، مخرج بول خود را که نجس شده آب بکشد؛ مگر وقتی که جمع مابین ظهر و عصر یا مغرب و عشا می‌نماید که در آن صورت شستن بین دو نماز لازم نیست.

و نیز کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن غائط جلوگیری نماید، چنانچه امکان دارد باید به اندازه‌ی نماز از رسیدن غائط به جاهای دیگر جلوگیری کند. و احتیاط واجب آن است که مخرج غائط را برای نماز آب بکشد؛ مگر در صورتی که موجب حرج باشد.

همچنین، کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول یا غائط جلوگیری کند، در صورتی که ممکن باشد و موجب حرج نباشد باید به مقدار نماز از خارج شدن بول یا غائط جلوگیری نماید. و در صورتی که بیماری او به آسانی درمان می‌شود، باید خود را معالجه نماید.



## مسائل متفرقه

### غیبت

تعریف دقیق غیبت چیست؟



غیبت کردن یکی از گناهان کبیره است؛ و آن عبارت است از: ذکر عیب پوشیده‌ی مؤمن معین در غیاب او. در این تعریف باید به نکات زیر توجه نمود:

**ذکر:** در حرمت غیبت فرقی نمی‌کند که انسان عیب مؤمن را به گفتار بیان کند یا به نوشتار و یا این که آن عیب را با حرکات و رفتار اظهار نماید. و نیز فرقی نمی‌کند که قصد اهانت و هتک حیثیت در اظهار عیب مخفی مؤمن دارد یا نه؛ و اگر عیب مؤمن را به قصد اهانت اظهار نماید، دو گناه مرتکب شده است.

**عیب:** در حرمت غیبت قید شده که ذکر عیب باشد. پس اگر خوبی شخصی را ذکر کند یا کارهای معمولی افراد (که نه خوب است و نه بد) را پیش دیگران تعریف کند، غیبت حساب نمی‌شود. و در حرام بودن غیبت فرقی نمی‌کند که آن عیب در بدن مؤمن باشد یا در نسب یا در اخلاق یا در افعال یا در رفتار یا در گفتار یا در مسائل دینی و یا در

مسائل دنیوی او. پس، همین که عرفاً آن را عیب می‌دانند کافی است که غیبت حساب شود.

**پوشیده:** اگر عیب مؤمن مخفی و مستور و پوشیده بود، ذکر و اظهار آن برای دیگران غیبت است. ولی اگر عیب ظاهری است که مردم می‌دانند، ذکر آن عیب آشکار غیبت حساب نمی‌شود. بله، اگر بخواهد با بیان این عیب آشکار توهینی به او کرده باشد، از جهت توهین به مؤمن حرام است.

**مؤمن:** مؤمن در اصطلاح فقه یعنی شیعه‌ی دوازده امامی.

**معین:** اگر عیب پوشیده‌ی مؤمن معینی بیان شود غیبت است ولی اگر به نحو مبهم باشد غیبت نیست. مثلاً اگر بگوید: «یکی از اهالی این شهر فلان عیب را دارد»، غیبت نیست.

**غیاب او:** اگر انسان عیب مخفی کسی را در مقابل خود او به دیگران بیان کند غیبت نیست. ولی ممکن است از جهات دیگری حرام باشد، مثل این که با ذکر این عیب آبروی او را پیش دیگران ببرد که این خود یک کار حرام است.

اگر انسان غیبت کرده باشد وظیفه‌اش چیست؟  ۳۱۵

باید توبه کند، و بنا بر احتیاط واجب از شخصی که غیبت او را کرده است حلیت بطلبد، مگر آن که این کار موجب مفسده‌ای شود.

در چه مواردی غیبت کردن جایز است؟  ۳۱۶

در موارد زیر، غیبت کردن جایز است:

یک - غیبت شخصی که به صورت آشکارا و علنی گناه می‌کند؛ که غیبت کردن از او در همان گناه جایز است.

دو - غیبت کردن مظلوم از شخصی که به او ظلم کرده؛ البته در مورد همان ظلمی که انجام داده است.

سه - در مقام مشورت دادن به دیگران که از انسان در مورد شخص دیگری مشورت می‌خواهد؛ که در این صورت اظهار عیب او به قصد نصیحت مشورت‌کننده و در حدی که نصیحت محقق شود جایز است. به عنوان نمونه، برای دختر خواستگار می‌آید و پدر دختر از آشنایان خواستگار مشورت می‌گیرد. در این صورت اگر آشنایان داماد عیب مخفی او را به خانواده‌ی دختر بگویند جایز است. مثلاً عیب مهمی در بدنش دارد یا شدیداً معتاد است ولی از خانواده‌ی دختر این عیب را مخفی کرده باشند. و همین طور است اگر دختر عیب مخفی دارد، که آشنایان دختر می‌توانند این عیب مخفی را به شخص مشورت‌کننده بگویند. و اگر عیب به قدری مهم باشد که اگر نگویند مفسده‌ی بزرگی پیش می‌آید، شخصی که از آن عیب اطلاع دارد می‌تواند آن عیب را به قصد نصیحت به طرف مقابل بگوید حتی اگر از او مشورت نخواستہ باشند.

چهار - غیبت بدعت‌گذار در دین و کسی که موجب گمراهی مردم می‌شود.

پنج - غیبت برای اظهار فسق شاهد. یعنی اگر شخصی که شهادت می‌دهد فاسق باشد، کسی که فسق و گناهی از او می‌داند می‌تواند

آن عیب را اظهار کند که فسق او ثابت شود و به واسطه‌ی شهادت آن شخص فاسق حقی ضایع نشود.

شش - غیبت کردن از شخصی برای دفع ضرر از جان یا عرض یا مال آن شخص. مثلاً مؤمنی از طرف ظالمی در خطر است ولی اگر انسان عیب مخفی او را پیش آن ظالم بگوید، خطر از آن مؤمن برطرف می‌شود.

هفت - غیبت کردن از انسان گناه‌کار به قصد جلوگیری او از گناه کردن، البته در صورتی که راه دیگری به غیر از غیبت کردن برای بازداری او از گناه نباشد. مثلاً جوانی مخفیانه گناه می‌کند و هرچه او را نصیحت و تهدید می‌کنیم اثری ندارد و می‌دانیم اگر به پدرش اطلاع بدهیم، از گناه او جلوگیری می‌شود و هیچ راه دیگری برای بازداری او از گناه وجود ندارد.

### شرکت خانم‌ها در دسته‌ی عزاداری



اگر دسته‌ی عزاداری



حرکت کند و خانم‌ها

آرام پشت سر آقایان

حرکت کنند و مراعات

حجاب و عفاف خود

نمایند، چه حکمی دارد؟

در صورتی که مراعات حجاب و عفاف خود را بنمایند، اشکال ندارد.

## گشایش در امر ازدواج

۳۱۸ ؟ برای حل مشکل ازدواج و پیدا شدن خواستگار خوب چه توصیه‌ای

می‌فرمایید؟

دو رکعت نماز بخوانید مانند نماز صبح. بعد از نماز، چهارده مرتبه صلوات بفرستید و بعد از آن صد مرتبه بگویید «اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَ اخْتَرْ لِي». و بعد از آن، دوباره چهارده مرتبه صلوات بفرستید. إن شاء الله تعالی این نماز و دعای بعد از آن را در روزهای مختلف تکرار نمایید تا خداوند در امر ازدواج شما گشایش نماید.

## رانندگی بانوان

۳۱۹ ؟ رانندگی برای خانم‌ها

چه حکمی دارد؟



با رعایت تمام موازین شرعی - مثل حجاب و مانند آن - مانعی ندارد.

## رقص

۳۲۰ ؟ حکم رقصیدن چیست؟

رقصیدن زن در مقابل مرد و مرد در مقابل زن حرام است. و رقصیدن زن در مقابل زن و مرد در مقابل مرد بنا بر احتیاط واجب ترک شود. و فقط رقصیدن زن در مقابل شوهرش جایز است.

۳۲۱ ؟ در مجالس زنانه‌ای (عروسی) که هیچ مردی حتی بچه‌ی ممیزی هم در آن حضور ندارد، اگر روی میز بزنند و خانم‌ها برقصند چه حکمی دارد؟

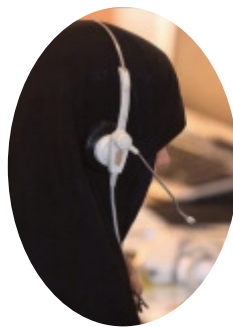
زدن روی میز، فی‌نفسه، در مجلس عروسی زنانه در صورتی که به سر حد لهو و لعب نرسد مانعی ندارد. ولی رقصیدن بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

### عطر برای بانوان

۳۲۲ ؟ آیا خانم‌ها می‌توانند در خارج از منزل از عطر استفاده نمایند؟  
اگر به صورتی باشد که بوی آن به نامحرم برسد، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

### اشتغال زنان

۳۲۳ ؟ آیا خدمت کردن زنان و اشتغال ایشان در خارج از منزل جایز است؟



کار کردن به خودی خود با رعایت تمام موازین شرعی و عدم مزاحمت حق شوهر و منع او مانعی ندارد.

## رفتن به خانه‌ی یتیم

۳۲۴ آیا رفتن به خانه‌ی شخص یتیم به جهت مهمانی و یا سرزدن به او

و غذا خوردن در خانه‌ی او جایز است؟

باید از ولی او اذن گرفته شود. و در صورتی که اذن گرفتن از ولی ممکن نباشد، می‌تواند به خانه‌ی او رفته و غذا هم بخورد؛ به شرط این که این کار به مصلحت وی باشد. و اگر مصلحتی برای او نداشته باشد، باید ضرری برایش نداشته باشد و در عوض تصرفی که نموده، قیمت آن را به وی بپردازد. مثلاً آن را به عنوان هدیه به ایشان بدهد.

## کپی‌رایت

۳۲۵ سؤال شده است که نظر

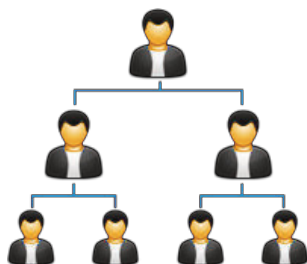
معظم‌له پیرامون حقوق مالکیت فکری و معنوی (از قبیل حق تألیف و حق اختراع) و مواردی همچون تولید بسته‌های نرم‌افزاری چیست؟



بنا بر احتیاط واجب، استنساخ و بهره‌برداری از این قبیل موارد از آثار دیگران در صورتی که صاحب آن حق محترم‌المال<sup>۱</sup> باشد باید با اجازه‌ی صاحب اثر باشد. و بنا بر احتیاط واجب، بدون اجازه‌ی صاحب اثر جایز نیست و موجب ضمان است.

۱. مال مسلمان و کافری که در پناه اسلام است، محترم می‌باشد.

## بازاریابی شبکه‌ای



آیا بازاریابی شبکه‌ای صحیح است؟ ۳۲۶ ?

بازاریابی شبکه‌ای بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست و در این احتیاط واجب نمی‌شود به مجتهد دیگر رجوع نمود.

## شرط سود دیر کرد

شرطی ضمن یک عقد بیع منعقد شده که فروشنده متعهد می‌گردد ۳۲۷ ?

در صورتی که خریدار نتواند قسمتی از ثمن را از بانک وام بگیرد  
بایع شخصا آن مبلغ را با سود بانکی به مشتری وام داده و عملاً  
بخشی از ثمن را به صورت اقساط به علاوه‌ی سود بگیرد. آیا شرط  
مذکور صحیح و لازم‌الوفاء است یا باطل و مبطل عقد؟

این شرط باطل است ولی مبطل عقد نیست.

## معلوم نکردن مدت اجاره

در قرارداد اجاره‌ی مغازه یا منزل، شخص اجاره‌دهنده (موجر) و ۳۲۸ ?

مستأجر با هم قرار گذاشته‌اند که تا هر وقت مستأجر خواست آن را  
در هر ماه یا در هر سال به مقدار معینی اجاره نماید. آیا این اجاره  
صحیح است؟

اگر مدت اجاره را معلوم نکند و بگوید تا هر وقت در خانه نشستی اجاره‌ی

آن ماهی یا سالی فلان مقدار است، اجاره در غیر ماه اول یا سال اول صحیح نیست. و اگر در اجاره قرار بگذارند که مثلاً شبی یک میلیون تومان بدهند - چنان که در مورد مسافرین و زوّار متعارف است - چون مدت اجاره را معلوم نکرده‌اند، اجاره نسبت به غیر از شب اول صحیح نیست و صاحب‌خانه، بعد از شب اول هر وقت بخواهد می‌تواند آن‌ها را بیرون کند. ولی بعد از شب اول، استفاده از منزل با رضایت صاحب‌خانه اشکال ندارد. و در غیر شب اول باید اجرة المثل پرداخت گردد؛ مگر این که مستأجر به بیشتر راضی بشود یا اجاره‌دهنده به کمتر رضایت دهد.

### وکالت به همسر

مردی به عنوان شرط ضمن عقد به همسرش وکالت داده که اگر بدون اجازه‌ی او ازدواج مجدد نماید زن وکیل در طلاق باشد. اگر مرد به علت نشوز زن با اخذ مجوز از دادگاه ازدواج نماید، آیا شرط ضمن عقد مبنی بر وکالت زوجه در طلاق به لحاظ تخلف زوج از آن شرط محقق می‌شود؟

در صورتی که در ضمن عقد، زوجه شرط وکالت بر طلاق کرده و وکالت بلاعزل در طلاق از همان حین عقد محقق شده است لکن طلاق در صورت ارتکاب اموری مثل ازدواج مجدد است، در این صورت مرد نمی‌تواند همسر خود را از وکالت عزل کند. و اگر زن طلاق داد، طلاقش صحیح است؛ اگرچه ازدواج مجدد مرد به علت نشوز زن بوده باشد. ولی وکالت زن در طلاق صحیح بوده است.

آیا می‌توان وام مسکن را در غیر مورد مسکن استفاده کرد یا وام



خودرو را در مورد دیگری مانند خرید زمین به کار برد؟

خیر؛ باید در همان جهتی که معین شده مصرف شود.

### صندوق‌های خانگی

گروه‌های مختلفی از مردم (مثلاً افراد فامیل یا همکاران در اداره یا



افراد یک هیئت) روشی برای قرض دادن به یکدیگر دارند که توضیح آن عبارت است از: مثلاً بیست نفر با هم قرار می‌گذارند که یکی از آن‌ها مسئول صندوق شود. این‌گونه او وکیل اعضای صندوق در قرض دادن پولشان به سایر اعضا و وکیل آن‌ها در ادای قرض گرفته شده به طلبکاران می‌شود؛ و هر وقت خواستند می‌توانند او را نسبت به وکالت خود عزل کنند. بعد، هر یک از اعضای صندوق ماهیانه یک میلیون تومان در اختیار مسئول صندوق قرار می‌دهند که قرعه‌کشی کند و مبلغ بیست میلیون تومان را به عنوان قرض به کسی که قرعه به نامش درآمده بدهد و به همین منوال به افراد دیگر که نامشان در ماه‌های بعد در قرعه درآمده قرض بدهد تا نفر بیستم در طی بیست ماه. هرگاه شخص مبلغ مذکور را قرض گرفت، پس دادن بدهی به طلبکاران را شروع می‌نماید؛ و نفر بیستم فقط پولی را که در این چند ماه قرض داده پس می‌گیرد. آیا این روش قرض دادن از نظر شرعی صحیح است یا خیر؟ ضمناً این صندوق‌ها کارمزد یا هر مبلغ اضافی دیگری نمی‌گیرند.

روش کار صندوق‌های خانگی با یکدیگر متفاوت است و لکن نسبت به

این مورد خاصی که در متن سؤال آمده جواب مسأله از این قرار است: اگر اعضای صندوق آن مبلغ را با اختیار خود به صورت ماهیانه در اختیار مسئول صندوق قرار بدهند - به نحوی که هرگاه منصرف شدند بتوانند از صندوق خارج شوند - اشکالی ندارد و این نوع قرض صحیح و حلال است.

**۳۳۲؟** در همین صندوق (که در سؤال پیش ذکر شد) اگر مسئول آن شرط کند که اولین وام را خودش بردارد چه حکمی پیدا می‌کند؟

اگر اعضای صندوق به مسئول صندوق قرض بدهند به شرط این که او کارهای صندوق را انجام بدهد، ربا و حرام است.

### خالکوبی



**۳۳۳؟** حکم خالکوبی (تاتو) چیست؟

با پنج شرط حرام نیست:

یک. بر روی پوست ایجاد جرمی نکند که مانع وضو و غسل و تیمم باشد.

دو. نوشته یا تصویری نباشد که شرعاً حرام باشد (مثل خالکوبی صلیب که حرام است).

سه. اگر زینت است (مثل تاتوی ابرو برای زن) در مقابل نامحرم پوشانده شود.

چهار. این کار او را از گرفتن وضو یا انجام غسل به صورت عادی

(غیر جیره) حتی برای یک نماز هم محروم نکند.<sup>۱</sup>  
پنج. بنا بر احتیاط واجب، اسماء متبرکه نباشد.

### حق المازّه

حکم خوردن میوه‌های درخت یا باغی که انسان از کنار آن عبور می‌کند چیست؟ ۳۳۴ ؟



با پنج شرط، خوردن آن میوه‌ها اشکال ندارد:

- یک- بنا بر احتیاط واجب، خوردن آن میوه‌ها برای آن شخص ضرورت عرفیه داشته باشد ( مثل اینکه گرسنه یا تشنه باشد).
- دو- درخت یا شاخه یا میوه‌های درخت و مانند آن را فاسد نکند (مثلا شاخه‌های آن را نشکند یا برای خوردن چند میوه بقیه‌ی میوه‌ها را له

۱. پس اگر جای آن زخم شود و بگویند مثلا تا سه روز نباید آب به محل زخم برسد، این کار جایز نیست (مگر برای زن هنگامی که در ایام عادت خود باشد).

نکند).

سه- فقط به اندازه‌ی خوردن میوه‌ها در همان وقت می‌تواند از آن‌ها استفاده نماید؛ و نمی‌تواند چیزی از آن میوه‌ها را همراه خود ببرد.  
چهار- دیوار یا حصاری دور آن درخت یا باغ نباشد.  
پنج- انسان علم به عدم رضایت صاحب درخت یا باغ نداشته باشد. پس اگر می‌داند که صاحب درخت یا باغ راضی به خوردن میوه‌های آن نیست، خوردن آن میوه‌ها حرام است؛ هرچند که سایر شرایط مذکور را داشته باشد.

۳۳۵ اگر میوه‌های درخت دیگران روی زمین ریخته باشد، آیا می‌توانیم آنها را برداشته و بخوریم؟



با رعایت شرایطی که در سؤال قبل بیان شد اشکالی ندارد. و در این مسأله فرقی میان میوه‌های روی درخت و میوه‌هایی که بر زمین ریخته نیست.

۳۳۶ اگر انسان مسیر خود را از ابتدا طوری انتخاب کند که از کنار درخت یا باغ دیگران بگذرد، آیا باز هم می‌تواند از میوه‌های آن استفاده نماید

یا الزاما باید به صورت اتفاقی به درخت یا باغی برخورد کرده باشد؟  
چنانچه از همان اول هم قصد داشته که از کنار درخت یا باغ دیگران بگذرد  
- با رعایت شرایطی که قبلا بیان شد - می‌تواند از میوه‌های آن استفاده  
نماید.

اگر شاخه‌ی درخت از خانه یا باغی به بیرون و یا خانه یا باغ همسایه  
رفته باشد، حکم خوردن میوه‌های آن چیست؟ **۳۳۷**



خوردن میوه‌های آن حرام است؛ مگر این که بداند صاحب آن راضی  
است.



آیا میوه‌های جالیز (مثل  
هندوانه و خربزه و خیار و...) هم  
حکم درخت و باغ را  
دارد؟ یعنی می‌توان - با  
رعایت شرایط ذکر شده -  
از محصولات آن استفاده نمود؟ **۳۳۸**

خیر. حکم مذکور فقط در مورد نخل خرما و درخت میوه جاری می‌شود.